

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش‌باید در باب  
چستی و عملکرد  
می  
انقلاب اسلامی

مختار شیخ حسینی  
و جمعی از پژوهشگران



۱۱ ..... سخنی با خواننده

۱۵ ..... مقدمه

### فصل اول: چیستی انقلاب

۱. انقلاب اسلامی به چه معناست و مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در وقوع آن چه بوده

۱۹ ..... است؟

۲. بر اساس چه استدلالی امام خمینی به سمت تشکیل حکومت اسلامی سوق

۲۲ ..... پیدا کرد؟

۲۵ ..... الف) احکام مالی

۲۶ ..... ب) احکام دفاع ملی

۲۶ ..... ج) احکام احقاق حقوق و احکام جزایی

۲۷ ..... د) سیره معصوم 7

۳۰ ..... ۳. آیا ولایت فقیه در ادبیات فقهای قبل از امام خمینی مطرح بوده است؟

پرسش‌هایی در باب چیستی و عملکرد

انقلاب اسلامی

مختار شیخ حسینی

و جمعی از پژوهشگران

ناشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تهیه

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

سرویراستار

محمدباقر انصاری

ویراستار

فاطمه رجیبی بهشت‌آباد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

عنوان: ۴۹۰؛ مسلسل: ۷۸۴

نشانی

قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۳۷۸۳۲۸۳۳ - ۰۲۵

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

مراکز پخش

۱. قم، میدان شهیدا، تلفن و دورنگار ۳۷۸۳۲۸۳۴ - ۰۲۵

۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی در دانشگاه تهران،

پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:

۰۲۱ - ۶۶۹۵۱۵۳۴

وب‌گاه: [www.pub.isca.ac.ir](http://www.pub.isca.ac.ir)

رایانامه: [nashr@isca.ac.ir](mailto:nashr@isca.ac.ir)

فروشگاه مجازی نشر: [www.shop.isca.ac.ir](http://www.shop.isca.ac.ir)

فروشگاه نشر دیجیتال: [www.pajoohaan.ir](http://www.pajoohaan.ir)

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه:

شیخ حسینی، مختار، ۱۳۶۴، گردآورنده

عنوان و نام‌پدیدآور:

پرسش‌هایی در باب چیستی و عملکرد انقلاب اسلامی / مختار شیخ حسینی و جمعی از پژوهشگران؛ تهیه پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مشخصات نشر:

قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری:

۲۲۰ ص.: جدول

شابک:

۹۷۸-600-195-471-9

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیبا

یادداشت:

کتابنامه: ص. [۱۸۷] - ۱۹۰؛ همچنین به صورت زیرنویس

یادداشت:

نمایه

موضوع:

ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع:

ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ - پرسش‌ها و پاسخ‌ها

شناسه افزوده:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

رده‌بندی کنگره:

۱۳۹۷ م ۱۵ الف / ۱۵۵۳ DSR

رده‌بندی دیویی:

۹۵۵/۰۸۳

شماره کتابشناسی ملی:

۵۵۳۵۳۴۱

**فصل دوم: عملکرد داخلی جمهوری اسلامی ایران**

۱. وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ ..... ۹۱
۲. در قانون اساسی ایران حقوق اقلیت‌های مذهبی (اهل سنت) چگونه ترسیم شده است؟ ..... ۹۵
- الف) برابری حقوق با دیگر افراد عضو «جامعه ایران» ..... ۹۵
- ب) آزادی عقیده و انجام شعائر مذهبی ..... ۹۶
- ج) حقوق اجتماعی و سیاسی ..... ۹۶
۳. جمهوری اسلامی ایران در برابر اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه اهل سنت چه عملکردی داشته است؟ ..... ۹۷
۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه حقوقی برای اقلیت‌های دینی در نظر گرفته است؟ ..... ۱۰۱
- الف) برابری حقوق با دیگر آحاد جامعه ..... ۱۰۱
- ب) آزادی در پایبندی به عقاید دینی خود (آزادی وجدان) و عمل به شعائر آن ..... ۱۰۱
- ج) حقوق اجتماعی و سیاسی اقلیت‌های دینی ..... ۱۰۲
۵. جمهوری اسلامی ایران درباره اقلیت‌های دینی چه عملکردی داشته است؟ ..... ۱۰۴
۶. در دین اسلام و قوانین جمهوری اسلامی، زنان از چه حقوقی برخوردارند؟ ..... ۱۰۸
- الف) حق کمال برای زن ..... ۱۰۹
- ب) توجه به استعداد و شخصیت زن ..... ۱۰۹
- ج) حق حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ..... ۱۱۰
- د) حق علم‌آموزی ..... ۱۱۱
- ه) حق مالکیت برای زنان ..... ۱۱۱
- جایگاه زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران ..... ۱۱۳

۴. انقلاب اسلامی ایران بر اساس چه بنیادهای فلسفی بنا شده است؟ ..... ۳۴
۵. انقلاب اسلامی ایران بر اساس چه بنیادهای اخلاقی بنا شده است؟ ..... ۳۹
۶. مهم‌ترین شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی چیست؟ ..... ۴۳
- الف) شاخص‌های فلسفه سیاسی امام خمینی ; ..... ۴۳
- ب) شاخص‌های اخلاق سیاسی امام خمینی ; ..... ۴۷
- ج) شاخص‌های فقه سیاسی امام خمینی ; ..... ۴۹
۷. نسبت جمهوریت و اسلامیت در الگوی نظام جمهوری اسلامی چگونه قابل تحلیل است؟ ..... ۵۱
- الف) رویکرد ترکیبی ..... ۵۱
- ب) رویکرد بسیط ..... ۵۲
۸. آیا قانون اساسی جمهوری اسلامی به مسئله حقوق شهروندی پرداخته است؟ ..... ۵۵
۹. آیا قدرت همیشه منفی است؟ و ماهیت قدرت در اندیشه اسلامی از چه الزاماتی برخوردار است؟ ..... ۶۲
۱۰. آیا انقلاب ایران باعث تغییر ساختارها و نگرش‌های کلان شده یا صرفاً به تغییر کارگزاران منجر شده است؟ ..... ۶۸
۱۱. حکم حکومتی چیست؟ بر اساس چه مبنایی ولی فقیه می‌تواند حکم حکومتی صادر کند؟ ..... ۷۰
۱۲. آیا انقلاب ایران کودتای روحانیون علیه شاه بود و روحانیون چه نقشی در این انقلاب داشتند؟ ..... ۷۵
۱۳. منظور از قید مطلقه در ولایت مطلقه فقیه چیست؟ ..... ۸۳

۱۰. آیا مذاکره با آمریکا در برخی موضوعات، نفسی رویکرد استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد؟ ..... ۱۷۴
۱۱. آیا ممنوعیت اهانت به اهل سنت از سوی مراجع تقلید در قالب فتوا اعلام شده است؟ ..... ۱۷۸
۱۲. آیا همکاری ایران و روسیه نقض الگوی «نه شرقی نه غربی» نیست؟ ..... ۱۸۰
- جمع‌بندی نهایی** ..... ۱۸۳
- کتابنامه** ..... ۱۸۷

#### نمایه‌ها

- آیات ..... ۱۹۱
- روایات ..... ۱۹۳
- موضوعات ..... ۱۹۴
- اعلام و مشاهیر ..... ۲۱۴
- مکان‌ها ..... ۲۱۶
- تنالگان ..... ۲۱۸
- کتاب‌ها ..... ۲۱۹

۷. آیا خرده‌هویت‌های قومی، دینی، زبانی در جمهوری اسلامی ایران تنش‌زا بوده‌اند؟ ..... ۱۱۴
۸. احزاب در قانون ایران و اندیشه رهبران جمهوری اسلامی ایران چه ویژگی‌هایی دارند؟ ..... ۱۱۹
۹. جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته در زمینه علمی چه دستاوردهایی داشته است؟ ..... ۱۲۴
۱۰. جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته در زمینه اقتصادی و زیرساختی چه عملکردی داشته است؟ ..... ۱۳۲

#### فصل سوم: عملکرد خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱. مهم‌ترین اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی چیست؟ ..... ۱۴۰
۲. صدور انقلاب که توسط رهبران انقلاب اسلامی مطرح شد به چه معناست؟ ..... ۱۴۲
۳. چرا جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی در منطقه اختلاف دارد؟ ..... ۱۴۵
۴. دلیل حمایت جمهوری اسلامی از فلسطین چیست؟ ..... ۱۴۸
۴. چرا ایران در برخی کشورها مانند سوریه حضور نظامی دارد؟ ..... ۱۵۱
۶. آیا حمایت ایران از گروه‌هایی مانند حشدالشعبی در عراق، به معنای گسترش شیعه نیست؟ ..... ۱۵۷
۷. مبانی حرمت تولید سلاح هسته‌ای توسط ایران چیست؟ ..... ۱۶۰
۸. مهم‌ترین زمینه‌های اختلاف روابط ایران با عربستان در سال‌های اخیر کدام‌اند؟ ..... ۱۶۵
۹. آیا نوسازی‌های دولت جدید عربستان با مدیریت بن سلمان می‌تواند رقیبی برای الگوی جمهوری اسلامی باشد؟ ..... ۱۷۰

### سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی، شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید، قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان براساس نص اسلامی بود. لازمه تحقق این هدف، تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد؛ تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های این مرکز و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل مهیا کرد.

این پژوهشکده در راستای ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی را به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجعی علمی پیرامون اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری را ارائه کند.

کتاب حاضر متکفل ارائه پاسخ اجمالی جمعی از صاحب‌نظران حوزه مطالعات سیاسی به مجموعه پرسش‌هایی است که به‌طور عمده از سوی دانشجویان و پژوهشگران خارجی ناظر به چیستی انقلاب اسلامی و عملکرد جمهوری اسلامی مطرح شده است. امید است علاوه بر دانشجویان و طلاب علوم دینی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم آقای دکتر مختار شیخ‌حسینی و همکاران (حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر منصور میراحمدی، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سیدسجاد ایزدهی، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا فلاح تفتی، دکتر شریف لکزایی، دکتر رضا عیسی‌نیا، دکتر علی اکبری معلم، خانم دکتر نجمه کیخا، دکتر علیرضا زهیری، دکتر سیدعلی میرخلیلی، دکتر ابوالفضل غفاری، مرتضی غرسبان، محمد بهرامی، احمد اولیایی، همت بدرآبادی و مهدی روحی) ارزیابان محترم حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر هادی جلالی اصل و دکتر رضا عیسی‌نیا مدیر محترم گروه علوم سیاسی و مدیر محترم اداره امور پژوهشی دکتر محمود فلاح و تمام دست‌اندرکاران نشر تشکر و قدردانی کند؛ همچنین از مساعدت‌های مؤثر رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر نجف لکزایی که نظارت علمی این اثر را نیز به عهده داشته‌اند و از همراهی جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای محسن قمی رئیس محترم شورای سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) تشکر نماید. در پایان از اداره نشر پژوهشگاه به جهت آماده‌سازی و چاپ آن تشکر و قدردانی می‌شود. این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

## مقدمه

انقلاب اسلامی به مثابه مهم‌ترین انقلاب قرن بیستم، در فضایی فکری - سیاسی شکل گرفت که نظام بین‌الملل به صورت دوقطبی تحت سلطه بلوک شرق و غرب قرار داشت. بلوک‌بندی‌های سیاسی به سلطه فکری و فرهنگی دو بلوک بر جهان نیز منجر شده بود و اجازه شکل‌گیری و فعالیت هویت‌ها و فرهنگ‌های خارج از این بلوک‌بندی به‌سختی امکان‌پذیر بود. در چنین فضایی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ با رهبری امام خمینی و همراهی ملت ایران با تکیه بر مبانی اسلامی راه جدیدی «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» را مطرح نمود که مورد استقبال بسیاری از ملت‌ها و دولت‌ها نیز قرار گرفت. هرچند تحلیلگران در فضای دوقطبی امکان‌شکل‌گیری چنین استراتژی و تداوم آن را به‌سختی متصور بودند، اما با رهبری امام خمینی این انقلاب در ابتدا موفق به تأسیس یک نظام سیاسی جدیدی بر اساس الگوی اسلامی برای به‌چالش‌کشیدن ایدئولوژی مارکسیسم و لیبرالیسم شد؛ از این رو توافق دو بلوک برای تحمیل یک جنگ هشت‌ساله علیه انقلاب اسلامی در دستور کار قرار گرفت که مهم‌ترین هدف آن جلوگیری از تثبیت یک بازیگر جدید بود که با اندیشه اسلامی برای ملت‌های مسلمان و تحت سلطه جذابیت زیادی داشت. پیروزی در جنگ هشت‌ساله تثبیت نظام سیاسی را به دنبال



داشت و دشمنان پس از آن مجموعه‌ای از استراتژی‌های نرم (تهاجم فرهنگی، ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی) و سخت (اعمال تحریم، کودتا، ترور دانشمندان...) را برای جلوگیری از تحکیم و کارآمدی این نظام در دستور کار خود قرار دادند. این مجموعه اقدامات هرچند سختی‌ها و مشکلاتی در مرحله تأسیس، تثبیت و تداوم برای نظام اسلامی به وجود آورد، اما نتوانست این اندیشه و آرمانی را که مردم ایران با رهبری امام خمینی بر اساس مبانی اسلامی آغاز کرده بودند، از بین ببرد.

گذشت چهل سال از تداوم انقلاب نشانگر ناکارآمدی استراتژی‌های دشمنان است. از سویی طبیعی است انقلابی که به لحاظ فکری، راه سومی را بر اساس مبانی اسلامی و بومی خود دنبال می‌کند، با چالش‌های زیادی مواجه شود و مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و محرومیت‌ها نیز از سوی بازیگران خارجی علیه آن اعمال شود؛ اما این نظام سیاسی با رهبری امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای و همراهی مردم مسیر خود را با موفقیت طی کرد و طراحی‌های مختلفی از جمله کودتا و تحریم نتوانست با آن مقابله نماید؛ هرچند مجموعه این تهدیدها می‌توانست هر نظام سیاسی را با ناکامی مواجه نماید. در جمهوری اسلامی این محدودیت‌ها هرچند در برخی بخش‌ها موانعی را برای رسیدن به اهداف ایجاد کرد، اما نتوانست از توفیقات داخلی و تأثیرگذاری‌های فراملی این نظام بکاهد.

با توجه به موانع مذکور و اعمال محدودیت‌های اعمالی از سوی قدرت‌های بزرگ، بسیاری از مخالفان انقلاب اسلامی بر اساس تئوری‌های انقلاب، منتظر بازگشت‌پذیری (ترمیدور) در انقلاب اسلامی بودند و فکر می‌کردند پس از گذشت مدتی کوتاه از پیروزی انقلاب، به دلیل مجموعه‌ای

از ناکامی‌ها، مردم به وضعیت قبل از انقلاب بر می‌گردند؛ اما امروزه پس از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد این انقلاب از ویژگی‌های بنیادی و عملکردی‌ای برخوردار است که نه تنها بازگشت‌پذیری اتفاق نیفتاده است، بلکه در عرصه‌های مختلف فکری و زیرساختی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز داشته است. مجموعه پیش رو شامل مجموعه پرسش‌هایی است که عمدتاً توسط دانشجویان و اندیشمندان خارج از کشور درباره انقلاب اسلامی مطرح شده است و در این مجموعه با همکاری مجموعه‌ای از استادان و پژوهشگران حوزه مطالعات سیاسی به صورت اختصار و با هدف آشنایی نسل جوان با این مؤلفه‌ها به برخی از آنها پرداخته می‌شود. سازماندهی پرسش‌ها در سه فصل تدارک شده که فصل اول متکفل پرسش‌های عمدتاً نظری درباره چیستی و مبانی انقلاب اسلامی است. فصل دوم به برخی پرسش‌ها درباره عملکرد داخلی جمهوری اسلامی پرداخته و فصل سوم به عملکرد خارجی جمهوری اسلامی توجه دارد.

با توجه به موانع مذکور و اعمال محدودیت‌های اعمالی از سوی قدرت‌های بزرگ، بسیاری از مخالفان انقلاب اسلامی بر اساس تئوری‌های انقلاب، منتظر بازگشت‌پذیری (ترمیدور) در انقلاب اسلامی بودند و فکر می‌کردند پس از گذشت مدتی کوتاه از پیروزی انقلاب، به دلیل مجموعه‌ای

## فصل اول

### چیستی انقلاب اسلامی

پرسش‌های مطرح‌شده در این فصل بیشتر ناظر به چیستی انقلاب اسلامی، ویژگی‌ها و بنیان‌های نظری است که انقلاب اسلامی مبتنی بر آنهاست. با نگاهی تاریخی می‌توان انقلاب اسلامی را نتیجه تلاش‌های فکری و سیاسی عالمان شیعی در دوره‌های مختلف پس از غیبت کبری تلقی کرد که پس از فراز و فرودهای زیاد در سال ۱۹۷۹ با رهبری امام خمینی به نتیجه رسیده است؛ از این رو این انقلاب تداوم اندیشه‌ای است که قایل به مرجعیت دین اسلام در عرصه سیاسی - اجتماعی بوده است؛ اما زمینه اجتماعی وقوع آن در دوره معاصر با رهبری امام خمینی - حداقل از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ - و حضور مردم فراهم شده است.

۱. انقلاب اسلامی به چه معناست و مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در وقوع آن چه بوده است؟

انقلاب در معنای سیاسی آن به معنای تحول سریع و بنیادین همراه با اعتراض عمومی علیه یک نظام سیاسی است که باعث تغییرات اساسی و ارائه نظام

جایگزین می‌شود؛ لذا با مفاهیمی مانند اعتصاب، شورش، اصلاح و کودتا تفاوت دارد؛ چون موارد مذکور طیف خاصی از جامعه را در بر گرفته است یا به تحول همه‌جانبه منجر نمی‌شود؛ اما انقلاب معمولاً با حضور همه طبقات اجتماعی و به صورت فراگیر رخ داده و نتیجه متوقع از آن نیز ایجاد تغییر اساسی در ارزش‌ها و ساختارهای موجود است؛ لذا یک انقلاب تلاش برای تغییر وضع موجود و رسیدن به یک وضع مطلوب است؛ از این رو داشتن یک تئوری و مبانی فکری برای ارائه نظام مطلوب، مهم‌ترین مؤلفه در وقوع یک انقلاب است. اگر در یک انقلاب نقد وضع موجود بر اساس مبانی اسلامی صورت پذیرد و مردم وضع موجود (مانند دوره پهلوی) را مخالف بسیاری از مبانی اسلامی در سیاست‌های داخلی و خارجی ببینند، در واقع از منظر اسلامی به نقد وضع موجود پرداخته‌اند و تصویر وضع مطلوب هم اگر بر اساس اسلام باشد، می‌توان از آن به انقلاب اسلامی یاد کرد. به صورت خلاصه انقلابی که وضع موجود را بر اساس شاخص‌های اسلامی نقد کرده و وضع مطلوب را بر اساس مبانی اسلامی برای تغییرات بنیادین ارائه می‌نماید، یک انقلاب اسلامی است. نمونه چنین انقلابی، انقلاب اسلامی ایران است که بر اساس سه مؤلفه بنیادین (مکتب، رهبری و مردم) شکل گرفت. مؤلفه اولیه، رهبری (امام خمینی) است که در به نتیجه رسیدن این انقلاب نقش مهمی ایفا می‌کند. حضرت امام خمینی هم‌زمان نقش رهبری فکری و سیاسی انقلاب را عهده‌دار است که علاوه بر تبیین مبانی و بنیادهای فکری انقلاب و وظیفه سازماندهی انقلاب را نیز بر عهده دارد. اهمیت نقش رهبری در انقلاب زمانی برجسته می‌شود که تحولات بیداری اسلامی در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی را رصد نماییم که به دلیل وجود نداشتن این عنصر، بسیاری از آنها به

نتیجه مطلوب نرسیدند؛ لذا اولین رکن در پیروزی انقلاب اسلامی، نقش رهبری بود. در این رکن نقش محوری با امام خمینی به عنوان رهبر سیاسی و تئوریسین نظام بود که با آثار فقهی، فلسفی و اخلاقی از دهه‌های قبل بنیان‌های نظری انقلاب را فراهم آورده و الگوی آن را بر اساس مبانی دینی ترسیم کرده بود؛ علاوه بر رهبری فکری، رهبری سیاسی و اجرایی نهضت اسلامی نیز با مدیریت حضرت امام دنبال می‌شد. در این عنصر علاوه بر نقش محوری امام خمینی، شاگردان و یاران ایشان نیز در توزیع و تفسیر اندیشه انقلاب و مدیریت میدانی، نقش برجسته‌ای داشتند. مؤلفه دوم، داشتن مکتبی است که برنامه و چراغ راه را به انقلابیون نشان دهد. برای ایجاد یک تحول بنیادین مانند انقلاب، به یک مبنا برای نقد وضع موجود و ارائه وضع مطلوب نیاز است؛ از این رو بدون داشتن یک مبنا فکری، ارائه برنامه‌ای جامع برای انقلاب و تداوم آن ممکن نیست. این بنیادها در انقلاب اسلامی متکی به مکتب اسلام بود که با توجه به جامعیت دین اسلام در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی، برنامه‌های عملی برای انقلاب در اختیار انقلابیون قرار می‌داد؛ از این رو وظیفه رهبران انقلاب اسلامی، استنباط راهنمای عمل برای تغییر وضع موجود بر اساس مکتب اسلام بود که با تلاش‌های فکری امام خمینی و یارانش تدوین شده بود؛ اما صرف وجود رهبر و در اختیار داشتن مکتبی فکری به عنوان پشتیبان تئوریک، باعث وقوع یک انقلاب نخواهد شد. عامل سوم و تحقق‌بخش انقلاب، حضور مردم و پیروی از رهبران انقلاب بر اساس مکتب است. این مؤلفه نیز در انقلاب ایران در مرحله تأسیس با حضور گسترده مردم در اعتراضات و راهپیمایی‌ها علیه نظام پهلوی تحقق یافت. در مرحله تثبیت و تداوم انقلاب نیز، این حضور مردمی تضمین‌کننده انقلاب

حکومت، به ضرورت حکومت دینی استدلال کرده‌اند؛ بلکه همین امر نیز موجب شده است نظریه ولایت فقیه را برای اداره جامعه شیعه در عصر غیبت ارائه نماید.

از مهم‌ترین ادله‌ای که به منظور ضرورت حکومت دینی مورد اهتمام قرار گرفته است، این است که اسلام، قوانینی را برای اصلاح بشر جعل کرده است و در صدد است در سایه این احکام، بشریت را به سعادت برساند. بر اساس این منطق، اسلام، تنها به گفتن احکام اکتفا نکرده است؛ بلکه اجرای احکام خود را در مرحله عمل خواستار شده است و از آنجاکه احکام اسلام تنها به حوزه فردی محدود نبوده است، بلکه در حوزه اجتماع و اداره شئون مختلف آن نیز برنامه و حکم دارد، خواستار تحقق این فرامین در حوزه کلان در جامعه شده است؛ بلکه بسیاری از این فرامین جز در سایه دولت و حکومت محقق نخواهد شد؛ از این‌روی باید گفت اصل جعل احکامی مانند قصاص، حدود، تعزیرات، دیات، جهاد و... را باید دلیلی بر ضرورت حکومت اسلام در عرصه جامعه دانست. بر این اساس، ضمن اینکه جعل قانون برای اصلاح و هدایت جامعه کافی نیست، به لزوم اجرای نهاد و تشکیلاتی برای اجرای این قوانین توجه شده است و در این راستا ضمن اینکه شأن پیامبری پیامبر گرامی اسلام ۹ و جانشینان ایشان، علاوه بر ابلاغ فرامین الهی، مستلزم اجرای آن است، به سنت و سیره ثابت در قوانین بشری نیز قابل استناد است؛ زیرا علاوه بر جعل قوانین برای اجرا که مطلوب است، تحقق تشکیلاتی به نام قوه مجریه در ازای قوای مقننه و قضاییه نیز در این زمینه ضروری است.

از نظر حضرت امام، مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست؛ به همین دلیل خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام

اسلامی بوده است که در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن، روز قدس، ۱۳ آبان و... پشتیبان نظام جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به اینکه نقش مردم تحقق‌بخش اندیشه‌ای است که رهبران انقلاب بر اساس مبانی دینی ارائه نموده‌اند، می‌توان گفت انقلاب اسلامی از پیوند سه عنصر اسلام به عنوان مکتب و راهنما، رهبری امام خمینی و حضور مردم شکل گرفت و در سایه همین سه عامل نیز تداوم یافته است.<sup>۱</sup>

## ۲. بر اساس چه استدلالی امام خمینی به سمت تشکیل حکومت اسلامی سوق پیدا کرد؟

شاید بهترین منبع برای پاسخ به این پرسش مروری اجمالی بر کتاب ولایت فقیه امام خمینی باشد. ایشان اعتقاد دارد در طول تاریخ دشمنان تلاش کرده‌اند تصویری از اسلام ارائه نمایند که بر اساس آن دین، صرفاً محدود به حوزه فردیات و برخی امور اخلاقی باشد و ظرفیت و احکامی برای سامان اجتماعی سیاسی مسلمانان نداشته باشد؛ لذا برای ترویج این گزاره، تبلیغات زیادی از سوی استعمارگران شکل گرفته و حتی در جوامع اسلامی و حوزه‌های علمیه نیز این اندیشه رسوخ کرده است که اسلام دینی سیاسی و اجتماعی نیست و حتی برخی به حرمت تشکیل حکومت رأی داده بودند. ایشان در قبال دیدگاه کسانی که تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت را حرام دانسته‌اند و در مقابل نظر کسانی که به ضرورت اصل حکومت بسنده کرده و تشکیل حکومت دینی را ضروری ندانسته‌اند، علاوه بر ضرورت اصل

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: منوچهر محمدی؛ انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، ۱۳۷۷.

شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم ۹ در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت... اصولاً قانون و نظامات اجتماعی مجری لازم دارد. در همه کشورهای عالم و همیشه این طور است که قانونگذاری به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. پس از تشریح قانون بایستی قوه مجریه‌ای به وجود آید. قوه مجریه است که قوانین و احکام دادگاه‌ها را اجرا می‌کند و ثمره قوانین و احکام عادلانه دادگاه‌ها را عاید مردم می‌سازد؛ به همین دلیل همان‌طور که اسلام قانونگذاری کرده است، قوه مجریه هم قرار داده است. «ولّی امر» متصدی قوه مجریه هم هست.

امام خمینی ضمن تأکید و عنایت به جاودانگی احکام دین اسلام، قوانین شریعت را به زمان پیامبر ۹، مختص ندانسته است و بر این باور است اجرای این احکام در زمان معصومین می‌باید ادامه یابد؛ از این روی ایشان حکومت اسلامی را برای اجرای این احکام ضروری دانسته است. گرچه ایشان جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظام اسلامی را نیز از علل ضرورت‌یابی حکومت دینی در عصر غیبت معرفی کرده است؛ بلکه ضرورت حکومت دینی در عصر غیبت را به ادله‌ای که مفید اثبات امامت است پیوند داده و معتقد است: احکام الهی، خواه احکام مالی یا سیاسی و خواه حقوقی، قابل نسخ نیستند و تا روز قیامت باقی‌اند و بقای همین قوانین ما را به ضرورت برپایی حکومت و نظام سرپرستی اجتماعی فرا می‌خواند تا به کمک آن، حاکمیت قانونی الهی تضمین و اجرای احکام آن را عهده‌دار شود. مسلم است اجرای قوانین الهی، بدون این حکومت میسر نخواهد بود. نیز به دلیل آنکه هرج و مرجی در حکومت پیش نیاید، علاوه اینکه حفظ نظام

اجتماعی مسلمانان از واجبات مؤکد است و نیز درهم‌پاشیدگی امور مسلمانان از امور مبعوضه است، این قوانین اجرا نمی‌شود و از هرج و مرج‌ها و اختلال نظام جلوگیری نمی‌شود، مگر به وجود حاکم و حکومت و دولتی دینی و الهی.<sup>۱</sup>

نظر به ماهیت قوانین اسلام که برای اداره زندگی انسان‌ها در تمام ابعاد از قبیل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حوزه‌های فردی و اجتماعی، نمایانگر این نکته است که این قوانین اسلام، از اساس به دلیل ایجاد حکومت و اداره کلان امور زندگی انسان‌ها در همه این جهات جعل شده است. دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است. برخی از این احکام که اقتضای تشکیل حکومت دارند عبارت‌اند از:

### الف) احکام مالی

مالیات‌هایی که اسلام مقرر می‌دارد و طرح بودجه‌ای که ریخته، نشان می‌دهد تنها برای رفع حاجت فقرا و سادات فقیر نیست؛ بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. این منابع مالی پیش‌بینی شده در احکام اسلامی، درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال اختصاص می‌یابد. بدیهی است درآمد به این عظمت برای اداره کشور اسلامی و رفع احتیاجات مالی آن است. تعیین بودجه‌ای به این هنگفتی بر تشکیل

۱. امام خمینی؛ البیع؛ ج ۲، ص ۴۶۱.

حکومت و اداره کشور دلالت دارد و برای عمده حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی قرار داده شده است. از طرفی، «خراج» که از اراضی کشاورزی وسیعی گرفته می‌شود، درآمد فوق‌العاده‌ای را به وجود می‌آورد. مقررشدن چنین مالیات‌هایی دلالت دارد بر اینکه حاکمی و حکومتی لازم است. وضع چنین احکام مالی اسلام بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد و اجرای آن جز از طریق استقرار تشکیلات اسلامی میسر نیست.

#### ب) احکام دفاع ملی

از طرف دیگر، احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد؛ مثلاً این حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ»<sup>۱</sup> به‌طورکلی امر به تهیه و تدارک هرچه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی است و امر به آماده‌باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش دارد.

#### ج) احکام احقاق حقوق و احکام جزایی

بسیاری از احکام، از قبیل دیات که باید گرفته و به صاحبانش داده شود یا حدود و قصاصی که باید با نظر حاکم اسلامی اجرا شود، بدون برقراری یک تشکیلات حکومتی تحقق نمی‌یابد. همه این قوانین مربوط به سازمان دولت است و جز قدرت حکومتی از عهده انجام این امور مهم بر

۱. انفال: ۶۰.

نمی‌آید.<sup>۱</sup> افزون بر قوانین و مقررات فوق می‌توان به احکام دیگر در شریعت اسلام اشاره کرد (متجاوزان به مردم، اجرای حدود و تعزیرات) که علاوه بر اینکه این قوانین، خود بر اساس نگرشی جامعه‌محور و برای اداره کلان امور مردم جعل شده‌اند، نیازمند نهادی وسیع و مقتدر به نام حکومت هستند تا بتوانند این مقررات را اجرا کنند؛ چه آنکه در صورت نبود دولت و حکومتی مقتدر، این احکام و مقررات، هرگز صورت اجرا به خود نگرفته است و قابلیت اجرا نخواهند داشت.

آنچه در این میان می‌بایست به این دلیل اضافه شود، جاودانگی دین اسلام و عدم محدودیت آن به زمان خاص است. بر اساس این منطق، احکام مالی، اقتصادی، دفاعی، جزایی و سایر احکام اسلامی، ابدی و همیشگی بوده و مربوط به زمان خاصی نیست و فرقی نیز در این باب میان زمان حضور امام 7 یا زمان غیبت نیست و می‌بایست در عصر غیبت و تا روز قیامت باقی ماند و به اجرا درآید و نبود حکومت دینی در عصر غیبت، موجبات به‌جاماندن احکام الهی را فراهم خواهد آورد. بر این اساس می‌بایست تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت را ضرورتی نامید که برآمده از ماهیت و نوع قوانین اسلام است.<sup>۲</sup>

#### د) سیره معصوم 7

از نظر امام خمینی؛ از ادله عمده بر ضرورت تشکیل حکومت دینی،

۱. روح‌الله خمینی؛ ولایت فقیه؛ ص ۴۳.

۲. همان، ص ۲۹ - ۳۰.

سیره ثابتۀ پیامبر گرامی اسلام ۹ و امیرالمؤمنین ۷ در تشکیل حکومت دینی است. با توجه به اینکه سنت نبوی و علوی از ادله مسلم در فقه شیعه محسوب می‌شود، می‌توان این دلیل را بسیار محکم و قوی ارزیابی کرد. امام خمینی در قبال این نظریه، به سنت و سیره ثابت پیامبر ۹ و حضرت علی ۷ در تشکیل حکومتی مبتنی بر تعالیم اسلام استناد کرده و در پاسخ به این دیدگاه‌ها این‌گونه نگاشته است:

با توجه به اینکه پیامبر، به شهادت تاریخ، در مدینه حکومت اسلامی تشکیل داده و اداره جامعه اسلامی را به عهده گرفت و در همین راستا والی و فرماندارانی به اطراف فرستاد، بین مسلمانان داور و یا قاضی نصب می‌کرد و... لذا می‌توان به سیره ثابتۀ پیامبر ۹ در تشکیل حکومتی مبتنی بر آموزه‌های اسلام استدلال کرد.<sup>۱</sup>

پیامبر ۹ نه تنها خود حکومت تشکیل داده و در مرحله عمل آن را به اجرا درآورده است، به این مقدار بسنده نکرده و برای پس از خود نیز حاکمی برای اداره امور جامعه منصوب کرده و عملاً ادامه نظام سیاسی اسلام را به اثبات رسانیده است؛ بلکه بهترین فرد را بنا به دستور وحی الهی، برای اداره امور جامعه اسلامی به مردم معرفی کرده است؛ از این‌روی سیره حضرت علی ۷ در تشکیل حکومتی دینی و به غایت تحقق آرمان‌های اسلام را نیز باید به سیره ثابت پیامبر ۹ اضافه نمود: «برای پس از خود، به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است. وقتی خداوند متعال برای جامعه پس از پیامبر اکرم ۹ تعیین حاکم می‌کند، به این معنا است که حکومت پس از

۱. روح‌الله خمینی؛ ولایت فقیه؛ ص ۲۶.

رحلت رسول اکرم ۹ با وصیت خویش فرمان الهی را ابلاغ می‌نماید، ضرورت تشکیل حکومت را نیز می‌رساند.<sup>۱</sup>

در نهایت از جمله ادله‌ای که امام خمینی برای اثبات حکومت دینی در عصر غیبت ارائه کرد، روایاتی است که نبود حکومت و امام را در رأس جامعه اسلامی موجب فرسودگی دین، از بین رفتن ملت، ایجاد بدعت‌هایی در دین و اموری از این دست است. امام خمینی با توجه به جاودانگی دین و شریعت اسلام و همین‌طور فرازمانی بودن غایاتی که برای حکومت دینی فرض شده است، ضرورت این‌گونه حکومت در عصر حاضر را استنباط می‌کند و برخی از فوایدی را که در عصر حاضر می‌تواند بر حکومت دینی مترتب شود، بر می‌شمارد:

این حکمت همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال و تغییرناپذیر است؛ بنابراین امروزه و همیشه وجود «ولی امر» یعنی ضرورت وجود حاکمی که قیّم و برپانگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد، وجود حاکمی که مانع تجاوزات و ستمگری‌ها و تعدی به حقوق دیگران باشد، امین و امانتدار و پاسدار خلق خدا باشد، هادی مردم به تعالیم و عقاید و احکام و نظامات اسلام باشد و از بدعت‌هایی که دشمنان و ملحدان در دین و در قوانین و نظامات می‌گذارند، جلوگیری کند... اگر باید جلو بدعت‌گذاری و تصویب قوانین ضد اسلامی توسط مجلس‌های قلابی گرفته شود، اگر باید نفوذ بیگانگان در کشورهای اسلامی از بین برود، حکومت لازم است. این کارها

۱. همان، ص ۲۶.

بدون حکومت و تشکیلات دولت انجام نمی‌شود. البته حکومت صالح لازم است؛ حاکمی که قیّم، امین [و] صالح باشد.<sup>۱</sup>

### ۳. آیا ولایت فقیه مطرح شده توسط امام خمینی، در ادبیات فقهای پیشین نیز مطرح بوده است؟

ولایت فقیه که در زمان حاضر، محور حاکمیت سیاسی شیعه در عصر غیبت به شمار می‌رود، گرچه پس از انقلاب اسلامی توسعه مفهومی پیدا کرده است، بدان معنا نیست که زاینده ذهن فقیهان معاصر بوده است و سابقه‌ای از آن در متون فقهی و اندیشه‌های فقیهان پیشین وجود نداشته باشد. این مقوله در کهن‌ترین متون فقهی شیعه و در ضمن مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مانند نماز جمعه، پرداخت زکات، وصیت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود و قضا و دادرسی از تفویض و واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی، سیاسی اجرایی در زمان غیبت به فقها بحث شده است و امام خمینی در سابقه این بحث اعتقاد دارد: «خوب، شما نمی‌دانید... که می‌گویید ما ولایت فقیه نداریم. این طور ولایت فقیه از روز اول تا حالا بوده. زمان رسول‌الله تا حالا بوده»<sup>۲</sup> یا در کتاب ولایت فقیه نیز اعتقاد دارد: «موضوع ولایت فقیه چیز تازه‌ای نیست که ما آورده باشیم؛ بلکه این مسئله از اول مورد بحث بوده است».<sup>۳</sup> بررسی متون فقه شیعی از قرن چهارم تا قرن نهم هجری مبین این مسئله است که

۱. همان، ص ۴۱. برای مطالعه بیشتر رک: عبدالله جوادی آملی؛ ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت؛ ۱۳۷۸.

۲. روح‌الله خمینی؛ صحیفه؛ ج ۱۰، ص ۳۵۴.

۳. همو، ولایت فقیه؛ ص ۱۲۴.

گرچه صریحاً سخن از ولایت فقیه و حق فقیه درباره اداره امور عمومی جامعه به میان نیامده است، مبانی اعتقاد به آن از لابه‌لای ابواب مختلفی مثل خمس، زکات، وصیت، وقف، قضاوت، حدود، نماز جمعه و... به خوبی پیداست.

از زمان تدوین فقه شیعه تا زمان حاضر، مسئله ولایت فقیه و نیابت عامه فقیهان همواره در کلمات فقیهان بزرگ مطرح شده است که از آن میان می‌توان به شیخ طوسی، سلار، قاضی ابن براج، ابن حمزه در ادوار اولیه اشاره کرده و در میان فقیهان متأخر می‌توان به محقق کرکی، محقق اردبیلی، شیخ جعفر کاشف العطاء، صاحب جواهر، ملا احمد نراقی و شیخ انصاری اشاره کرد. بلکه فقیهانی چون محقق کرکی، محقق اردبیلی و محقق نراقی که صریحاً به طرح مسئله ولایت فقیه و دامنه اختیارات او می‌پردازند، مدعی می‌شوند که فقیهان پیشین درباره گستردگی اختیارات فقیه، اتفاق نظر داشته و ادعای اجماع بر آن نموده‌اند و فقیهی همچون صاحب جواهر الکلام، عموم ولایت حاکم را از مسلمات یا ضروریات فقهی می‌شمارد.<sup>۱</sup>

با وجود طرح مسئله ولایت فقیه توسط فقیهان متقدم و متأخر، باید این واقعیت را نیز در نظر گرفت که فضای سیاسی و اجتماعی که بسیاری از فقیهان در آن می‌زیسته و می‌اندیشیدند، به گونه‌ای بوده است که در آن مجالی برای طرح نظریه‌ای برای اداره جامعه در قالب ولایت فقیه نبوده، ولی در عین حال، آنان از ذکر ولایت فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت در قالب تعبیرهایی چون حاکم، امام، سلطان عادل، نایب امام و... غافل نبوده و در بسیاری از زمینه‌ها بدان تصریح نموده‌اند. با وجود این تحول فقه و تغییر

۱. محمدحسن نجفی؛ جواهر الکلام؛ ج ۱۶، ص ۱۷۸.



شرایط جامعه و نگاهی اجمالی به فقه شیعه ما را به این باور می‌رساند که بحث از «ولایت فقیه» نیز مانند بسیاری از مباحث فقهی دیگر در خط سیر تاریخی خود، مراحل تکوین و تکامل را پیموده و تصویری که فقیهانی چون صاحب جواهر و محقق نراقی در سده‌های یازدهم و دوازدهم از آن ارائه کرده‌اند، نسبت به تصویر فقیهان سده چهارم و پنجم متکامل‌تر گردیده، بلکه در قرون اخیر در قالب یک نظریه سیاسی کامل رخ نموده است. این امر، معلول اموری بود؛ از جمله موقعیت نسبتاً مناسب سیاسی - اجتماعی برای شیعیان ایران در عصر صفویان و در رأس آنان بزرگان و عالمان مذهب شیعه، استمداد حاکمان شیعی صفویه از فقیهان در امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی<sup>۱</sup> و پیروزی مکتب اصولیون بر اخباریون. بر این اساس، رویکرد جدی علمای اصولی به مسائل اجتهادی و مسائل جدید فقهی و نیز حوادث روزمره سیاسی - اجتماعی موجب می‌شد آنان به چاره‌جویی فقهی و پاسخگویی دینی همت گمارند و این امر، خود عامل مهم توجه به مسائل سیاسی - اسلامی به‌ویژه مسئله رهبری سیاسی از سوی علما و به تبع آنها توده‌های شیعی - مردمی بوده است.

ملاحمد نراقی از فقیهان نامدار شیعه قرن دهم هجری قمری، در سایه شرایط خاص و زمان‌شناسی ویژه خود، برای اولین بار بایی خاص را به اثبات، ویژگی‌ها و حوزه اختیارات ولی فقیه اختصاص داده است؛ ضمن اینکه ولایت فقیه را به اجماع فقیهان مستند می‌کند و آن را از مسلمات در فقه شیعه بر می‌شمرد: دلیل بر عموم اختیارات فقیه اولاً مقتضای ظاهر اجماع

۱. رک: رسول جعفریان؛ دین و سیاست در دوره صفوی؛ ص ۱۲۱ - ۱۸۰.

است؛ چراکه بسیاری از فقها به آن تصریح کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که از سخنان آنها فهمیده می‌شود عموم ولایت نزد آنها از مسلمات بوده است.<sup>۱</sup> ایشان در عباراتی به تحول در حوزه ولایت فقیه اشاره می‌کند و تفاوت بحث ولایت فقیه در زمان خود با زمان‌های قبل را - که خود، موجبات آن را فراهم کرده بود - بدین‌گونه توضیح می‌دهد:

همواره در کتاب‌های فقهی می‌دیدم که نویسندگان آن کتاب‌ها بسیاری از کارها را به حاکم در روزگار غیبت وا می‌گذارند و به آن در آن کارها ولایت می‌دهند؛ ولی برای آن دلیلی نمی‌آورند و یا برخی که دلیل آورده‌اند، دلیل‌های آنها ناقص است با اینکه مسئله بسیار بااهمیت است و جای ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته نشده است.<sup>۲</sup>

بر این اساس، «ولایت فقیه» که زمانی در مباحث متفرقه‌ای از ابواب فقه مورد اشاره قرار می‌گرفت و حوزه اختیارات محدودی داشته است، با بهبود وضعیت جامعه و تحول مسائل و مباحث فقه، در قالب نظریه‌ای برای اداره کلان جامعه هویدا و در زمان حاضر توسط امام خمینی به صورت کامل‌تر، از حالت نظریه به واقعیت تبدیل شد و از تئوری به فعل درآمد و در قالب «جمهوری اسلامی» با محوریت «ولایت مطلقه فقیه» در منظر و مرآی جهانیان تبلور عینی و وجود خارجی پیدا نمود؛ بنابراین ولایت مطلقه فقیه را می‌بایست شجره‌ای دانست که نهالش را فقیهان شیعه در زمان‌های پیش،

۱. ملاحمد نراقی؛ عوائد الایام؛ ص ۵۳۰.

۲. همان، ص ۵۳۰.

غرس کرده و توسط امام خمینی به بار نشسته است. «ولایت فقیه» که در زمان‌های قبل از انقلاب در محدوده‌ای خاص مورد بحث واقع شد و حالت تئوری داشت، به همت امام خمینی حوزه‌ای گسترده یافت و از حالت نظریه به شکل رکن نظام سیاسی انقلاب اسلامی درآمد. ایشان جدا از آنکه به مدد اندیشه فقهی و حکومتی خود، مسئله ولایت فقیه و مباحث و مطالب مربوط به آن را در یک مقیاس بسیار گسترده وارد مرحله تازه‌ای از تاریخ فقاقت کرد، «ولایت مطلقه فقیه» را به عنوان نظریه‌ای جامع، برای اداره نظام جامعه شیعه در عصر غیبت ارائه کرده است و از این نظر فقاقت امام در استوارسازی فقهی و علمی مسئله و توفیق عملی او در نهادینه‌نمودن ولایت فقیه با برپایی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، نقطه عطف بزرگی در تاریخ فقه به شمار آمده و در هیچ دوره‌ای از تاریخ اجتهاد و فقاقت شیعه، به اندازه عصر حاضر، مسئله ولایت فقیه با ابعاد گوناگون آن مورد بحث و بررسی و نقد و تحلیل واقع نشده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. انقلاب اسلامی ایران بر اساس چه بنیادهای فلسفی بنا شده است؟

وضعیت فعلی تمدن غرب و دستاوردهای نظام سیاسی و اقتصادی مدرن ناشی از روند و اندیشه‌هایی است که حاصل تجربه‌ای چندصدساله است؛ از این رو نمی‌توان درباره جمهوری اسلامی و با گذشت تنها چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، این سؤال را مطرح کرد که ما در ساختارسازی سیاسی و نظام‌سازی مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی از جمله حکمت متعالیه

۱. برای مطالعه بیشتر رک: امام خمینی؛ ولایت فقیه و صحیفه نور؛ ۱۳۸۱. یعقوب‌علی برجی؛ ولایت فقیه در اندیشه فقیهان؛ ۱۳۸۶. سیدسجاد ایزدهی؛ فقه سیاسی امام خمینی؛ ۱۳۹۰.

چه کرده‌ایم و به کجا رسیده‌ایم. به نظر اگر تمدنی بخواهد ایجاد شود و در خارج عینیت پیدا کند، باید سال‌ها بگذرد تا به نقطه مطلوبی برسد. همه تمدن‌ها، چه تمدن اسلامی و چه تمدن غربی، دارای پشتوانه فکری و فلسفی بوده‌اند. ظهور تمدن نوین اسلامی نیز مبتنی بر آموزه‌هایی از دین و چارچوب‌های فلسفی است. به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی آغازگر روند احیاگرانه‌ای است که تمدن اسلامی را دوباره شکوفا خواهد ساخت.

اما پرسش قابل طرح این است که پشتوانه فلسفی انقلاب اسلامی چیست؟ به نظر انقلاب اسلامی از پشتوانه غنی حکمت متعالیه بهره‌مند شده است. حکمت متعالیه می‌تواند به عنوان پشتوانه فلسفی حرکت امام خمینی و انقلاب اسلامی در نظر گرفته شود؛ زیرا نمی‌توان حرکت و تحولی چنین شگرف ایجاد کرد و نظامی سیاسی را تأسیس و بنیانگذاری نمود؛ درحالی‌که فاقد پشتوانه حکمی و فلسفی باشد. هیچ کنشی بدون وجود یک بینش قابل طرح نیست و هیچ عملی نیز بدون حضور یک اندیشه قابل تحقق نیست؛ بنابراین هر کنشی، واجد یک عقبه بینشی است. در نتیجه هیچ عملی، چه رسد به تأسیس نظامی سیاسی، بدون نظریه ممکن نیست. از این منظر یکی از لایه‌های نظری اندیشه امام خمینی، لایه فلسفی حکمت متعالیه است که جامع قرآن و برهان و عرفان است.

امام خمینی در پاسخ به پرسش حسنین هیکل که چه اندیشه‌ها و اندیشمندانی بر شما تأثیرگذار بوده‌اند، می‌فرماید: در فلسفه، ملاصدرا، در اخبار، اصول کافی و در فقه، جواهر.<sup>۱</sup> همچنین در نامه به گورباچف، صدر

۱. روح‌الله خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۴۷۱.

هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی، از وی دعوت می‌کند اندیشمندان روسیه را به قم بفرستند تا حکمت متعالیه صدر را که سرشار از نگاه توحیدی و الهی است، بیاموزند که می‌تواند نجات‌بخش آنها باشد.<sup>۱</sup> فلسفه ملاصدرا جمع قرآن و برهان و عرفان است و آموزه‌های دینی ما در ملاصدرا به یک نظم فلسفی منسجم می‌رسند؛ از این رو حکمت متعالیه افزون بر اینکه فلسفه مورد قبول رهبران انقلاب اسلامی است، پشتوانه فکری و فلسفی انقلاب اسلامی نیز می‌باشد و به تبع انقلاب اسلامی در بعد فلسفی خود متأثر از حکمت متعالیه است.

اضافه بر این، آیت‌الله جوادی آملی در کتاب بنیان مرصوص بر این نظرند که امام خمینی قهرمان اسفار اربعه است.<sup>۲</sup> در یک تحلیل عینی، اوج این اسفار، که سفر چهارم است، انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی توسط امام خمینی است؛ زیرا عارف در سفر چهارم چاره‌ای ندارد که در جامعه حضور داشته باشد و به منظور تکمیل سفرهای چهارگانه خود به ناچار باید به هدایت و راهنمایی آنان بپردازد. برخی دیگر از صاحب نظران معاصر نیز درباره ورود امام به سیاست گفته‌اند ورود امام به صحنه سیاست بیش از هر چیز در مراحل سلوک معنوی و سفر آدمی از خلق به سوی حق و رجعت انسان از حق به سوی خلق است؛ از این رو در پاسخ این پرسش که چرا امام خمینی به عنوان یک عارف در آخر حیات خویش وارد سیاست شد، گفته می‌شود پاسخ را باید در اسفار اربعه و به خصوص سفر چهارم

۱. همان، ج ۲۱، ص ۲۲۴.

۲. عبدالله جوادی آملی؛ بنیان مرصوص؛ ۱۳۷۵، ص ۷۱.

ملاصدرا دریافت. در آنجا فرد الزاماً باید در جامعه و در بین خلق حاضر باشد و خلق را هدایت کند و در میان خلق حضور مداوم و مستمر و هدایت‌گونه داشته باشد. اگر در این مسیر سفر چهارم طی نشود، اساساً اسفار چهارگانه ناقص می‌ماند و عارف سفر خود را تمام و کمال به انجام نرسانده است.<sup>۱</sup>

از منظر نظریه حرکت جوهری که از مهم‌ترین مباحث ابتکاری ملاصدرا در حکمت متعالیه است، در بُعد هستی‌شناسی، جهان یک پارچه سیلان و جنبش و جهش است؛ از این رو یک حکیم حکمت متعالیه، تلاشی برای تغییر و نوبه‌نوشدن نفس و جان خود و جامعه خود انجام می‌دهد؛ بنابراین به یک معنا جمهوری اسلامی هم برآمده از حکمت متعالیه است. در واقع ترکیب جمهوری اسلامی برآمده و برآیند نگاه فلسفی متعالیه است. به عبارتی ترکیبی از جسم و روح است که با حضور در کنار همدیگر، کیفیت جدیدی را خلق و هستی می‌بخشند؛ بنابراین در سفر چهارم که امام خمینی به میان جامعه گام می‌گذارد و مردم با ایشان همراه می‌شوند، جمهوری اسلامی خلق می‌شود و هستی می‌یابد. جمهوری اسلامی از این نظر حاصل سفر چهارم امام خمینی است و ریشه در آموزه‌های حکمت متعالیه دارد.

بزرگ‌ترین مدافع و مفسر جمهوری اسلامی، آیت‌الله مرتضی مطهری، فیلسوفی متعالی است که با همین فلسفه در دوره پهلوی در مقابل نظریه‌های

۱. سید حسین نصر، «عرفان نظری و تصوف علمی و اهمیت آنها در دوران کنونی»، ترجمه انشاء الله

رحمتی، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره اول، ۴ اسفند ۱۳۸۴.

کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست»؛<sup>۱</sup> از این رو تحلیل مسائل سیاسی ایران و جهان هم از چنین منظری باید صورت گیرد. بر این اساس در حکمت متعالیه بر تربیت انسان تأکید بسیار زیادی می‌شود. در سخنان امام خمینی نیز خودسازی مقدمه‌ای برای جامعه‌سازی است. اگر در این بخش دشواری و مشکلی باشد، در ساختار هم به سمت نامطلوبی حرکت می‌کنیم. این محتوا و قالب همانند رابطه نفس و بدن و رابطه سیاست و شریعت باید با یکدیگر سازگاری و وحدت در جهت و هدف داشته باشند؛ لذا در حکمت متعالیه افزون بر کسب و اکتساب تجربیات بشری، به‌ویژه بر مباحث فرهنگی و اخلاقی و معنوی تأکید بسیار می‌شود.<sup>۲</sup>

##### ۵. انقلاب ایران بر اساس چه بنیادهای اخلاقی بنا شده است؟

انقلاب اسلامی ایران بر اساس ارزش‌های دین اسلام شکل گرفته است. اخلاق مطرح در این انقلاب نیز اخلاق مورد نظر دین اسلام است که خطوط اصلی آن در قرآن و سنت نهفته است. قرآن، پیامبر اکرم ع را الگوی حسنه معرفی می‌کند و یکی از دلایل موفقیت حضرت محمد ع را اخلاق نیکوی او دانسته است که سبب شد دیگران به او اقبال نشان دهند. قبل از بعثت نیز پیامبر اکرم ع به امانت‌داری مشهور بود. او هدف رسالت خود را تکمیل مکارم اخلاقی عنوان کرده است؛ بنابراین در انقلاب اسلامی ایران نیز اخلاق یک عنصر محوری است. امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب ایران معتقد است تهذیب و تطهیر اخلاقی شرط اول هر نوع حرکتی است. هر نوع

سوسیالیستی و سرمایه‌داری به پاسخگویی پرداخت. جدال با اندیشه‌های رقیب در قبل از انقلاب به سبب پشتوانه غنی حکمت متعالیه ممکن شده است. از سوی دیگر، امام خمینی با توجه به جایگاه فکری و اهتمام استاد مطهری به حکمت متعالیه، ایشان را به عنوان رئیس شورای انقلاب منصوب می‌کند. در واقع حکیم و فیلسوفی از شارحان و مفسران و احیاگران حکمت متعالیه در نقش رئیس شورای انقلاب ظاهر می‌شود. با یک بررسی اجمالی در می‌یابیم بسیاری از بزرگان انقلاب اسلامی در مکتب حکمت متعالیه درس آموخته و پیونددهنده این آموزه‌ها با جامعه بوده‌اند.

با توجه به نظریه حرکت جوهری و اینکه نفس و روح از بدن خلق و هستی پیدا می‌کند، بنابراین هرگونه ارزش و آموزه‌ای که در جامعه مورد عمل واقع شد و رواج یافت، سیاست را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین قالب‌ها را از غیر هم گرفت؛ اما محتوا باید در تناسب با جامعه باشد و با آن سازگار شود تا بتواند جامعه را پیش ببرد. حضور اخلاق و معنویت، ضرورت بسیاری دارد و بایستی تلاش شود در سبک مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی، معنویت، فرهنگ و اخلاق و ارزش‌های متعالی نهادی شود؛ افزون بر اینکه اصالت وجود و تشکیک وجود، زمینه را برای بهره‌گیری از مشترکات انسانی فراهم می‌کنند. در واقع تعامل با دنیای جدید با آشکارسازی ظرفیت‌های اجتماعی حکمت متعالیه ممکن است.

جامعه متعالی، مولد سیاست متعالی است و سیاست متعالی، مولود جامعه متعالی است. امام خمینی سیاست را به هدایت تعریف می‌کند. از دید ایشان «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت

۱. روح‌الله خمینی؛ صحیفه؛ ص ۲۴۶.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: شریف لک‌زایی؛ سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه؛ ۱۳۸۷.

تحول اجتماعی متکی بر تحول درونی است. به عبارتی انسان‌سازی مقدمه جامعه‌سازی است. این تحول و تغییر در انسان است که سبب می‌شود به سمت ایجاد تغییر و انقلاب در ساختارهای سیاسی و اجتماعی حرکت کند.

ویژگی دیگر اخلاق اسلامی این است که باید با قصد و نیت الهی انجام شود. آن چیزی که عمل اخلاقی را از عمل معمولی متمایز می‌کند، قصد الهی است؛ یعنی همه کارها برای کسب رضایت خدا انجام شود. در اصطلاحات اسلامی که امام خمینی نیز آن را زیاد به کار می‌برد، قیام برای خداوند باید جایگزین قیام برای نفس شود. قیام برای نفس حرکتی است که برای رسیدن به خواسته‌های محدود دنیایی بدون توجه به رضایت الهی انجام شود. در واقع اخلاق خوب گرچه با انگیزه کسب تحسین و تمجید اجتماعی، به دست آوردن اعتماد دیگران و دوری از عذاب اخروی انجام می‌شود، انسان باید بکوشد خود را به گونه‌ای بسازد که عمل اخلاقی را تنها برای نزدیک شدن به خداوند انجام دهد؛ بنابراین انقلاب اسلامی حرکتی بود که در جهت رضای الهی قرار داشت؛ زیرا اجرای احکام و فرامین الهی را هدف اصلی خود انتخاب کرده بود. امام خمینی در وصیت‌نامه خویش رمز پیروزی انقلاب اسلامی را در انگیزه الهی مردم می‌داند و معتقد است همین عامل هم باعث دوام انقلاب می‌گردد؛ اما اگر کسب سود دنیایی بدون جهت الهی در الویت قرار گیرد، انقلاب از مسیر اصلی خود دور شده است.

نکته مهم دیگر این است که اخلاق در اسلام، اجتماعی است و همیشه در ارتباط با دیگری شکل می‌گیرد. این دیگری می‌تواند یک نفر، چند نفر یا حتی یک جامعه باشد. اخلاق در اسلام مرتبط با سیاست و اجتماع است؛

برای مثال مفهوم برادری (اخوت) در عین اخلاقی بودن، سیاسی و اجتماعی نیز می‌باشد. هدف اخلاق در اسلام نه فقط ساختن فرد، بلکه ساختن یک اجتماع سالم است، شاید به همین دلیل ساختن فرد مقدمه ساختن جامعه است؛ زیرا با اصلاح فرد، جامعه نیز اصلاح می‌شود. امام خمینی معتقد بود تا زمانی که افراد جامعه به خودسازی ادامه دهند، انقلاب نیز پیروز است؛ اما هرگاه اهداف اقتصادی بر اهداف معنوی و اخلاقی مقدم قرار گیرد، انقلاب از مسیر اصلی خود خارج شده است.

از مباحث قابل ملاحظه در بحث‌های اخلاقی، تأثیر الگوهای اخلاقی در اخلاقی شدن انسان است. معمولاً برای انجام یک عمل باید تصویری از آن در ذهن انسان نقش ببندد. توصیف و تعریف انتزاعی نمی‌تواند به عمل منجر شود؛ اما داشتن تصویری از انسان‌هایی که به شایسته‌ترین وجه عمل کرده‌اند، مراحل مختلف یک عمل اخلاقی و نتیجه آن را نشان می‌دهد. در مذهب شیعه امامان الگوهای اخلاقی بزرگی محسوب می‌شوند که دوستی آنان و عمل به فرامین آنها از ارکان تفکر شیعه است؛ به ویژه اینکه شیعیان امامان خود را معصوم می‌دانند. نقش بی‌بدیل اعتقاد به امامت و پیروی از راه امام حسین 7 در انقلاب ایران غیرقابل انکار است. امام حسین 7 الگو و نمونه‌های امامی است که علیه شرایط موجود قیام کرد و جان خود را تقدیم اسلام نمود.

نکته دیگر این است که اخلاق در اسلام، یک عمل اختیاری است. عملی که از روی جهل، اجبار و اکراه انجام شود، اخلاقی نیست؛ بنابراین آگاهی، تأمل و تفکر و تصمیم‌آرادی شرط انجام یک فعل اخلاقی است. در انقلاب اسلامی ایران مردم با اراده خود به جریان انقلاب پیوستند و با آگاهی و تأمل

خواهان اجرای احکام اخلاقی و سیاسی شدند. امام خمینی به جنگ مسلحانه، ترور و ارباب برای ایجاد انقلاب اعتقادی نداشت و معتقد بود با حرکت تدریجی فرهنگی و تعلیم و آموزش مردم بایستی وضعیتی فراهم شود که خود مردم خواهان تحول و دگرگونی اجتماعی شوند؛ مطابق این آیه قرآن که می‌گوید ما پیامبران را با بیّنات فرستادیم تا مردم خود برای تحقق عدالت و قسط قیام کنند یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید هیچ قومی تغییر نمی‌کند، مگر اینکه مردم آن قوم تغییر کنند.

در پایان، نکته مهم این است که هر نوع تحولی در عرصه جامعه، نخستین نمود خود را در تحول اخلاقی نشان می‌دهد. در واقع تغییر در آگاهی و فکر انسان‌ها و نیز نارضایتی از وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی موجود، بایستی به تحول در اخلاق مردم منجر شود تا آنان به ایجاد دگرگونی اقدام کنند؛ چنان‌که نارضایتی مردم از وضعیت موجود، انگیزه الهی مردم، الگوگیری از قیام عاشورا و آگاهی آنان سبب ایجاد شجاعت، فداکاری، ایثار، محبت و طلب شهادت در آنان شده بود. در واقع می‌توان گفت نوع اخلاق موجود در انقلاب اسلامی ایران متفاوت، شگفت‌انگیز و غیرقابل توصیف است. مردمی که تا سال‌ها در نظامی استبدادی زندگی کرده بودند، در بازه‌ای از زمان بدون ترس از جان خود به خیابان‌ها ریختند و با صدای بلند نفی حکومت موجود را فریاد زدند. تمامی مراحل انقلاب با همیاری و همراهی خود مردم انجام شد و محبت آنان به یکدیگر و کمک و فداکاری آنان بی‌نظیر بود. این شجاعت و این درجه بلندی محبت را نمی‌توان در دسته‌بندی‌های موجود از اخلاق جست. در واقع به تعبیر علامه طباطبایی از جنس اخلاق قرآنی است، به تعبیر امام خمینی از کمک‌های غیبی الهی است و به تعبیر

فلسفی نوعی حرکت جوهری در اخلاق سیاسی و اجتماعی به وقوع پیوست که در مناسبات و در زمان عرفانی قابل ردیابی است و نه در زمان فانی دنیایی اکنون ما.<sup>۱</sup>

#### ۶. مهم‌ترین شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی چیست؟

با توجه به جایگاه امام خمینی؛ به مثابه نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، چارچوب اندیشه سیاسی ایشان، مبنای پاسخ به این پرسش قرار گرفته است. امام ضمن تقسیم اسلام به سه بُعد اعتقادات، اخلاق و اعمال، نگاه منظومه‌ای نیز به آن دارد. بر اساس الگوی طبقه‌بندی سه‌گانه اسلام، اندیشه سیاسی امام خمینی؛ به سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی تقسیم شده است. وی معتقد است بین این سه قسم، رابطه معناداری وجود دارد و هرکدام بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند؛ بنابراین از نظر وی، اندیشه سیاسی کامل آن است که از فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی برخوردار باشد. در اینجا برای آشنایی بیشتر با منظومه اندیشه سیاسی امام خمینی؛ در ابعاد مذکور، مهم‌ترین شاخص‌های هر یک بر اساس آثار ایشان استخراج و معرفی می‌شود:

#### الف) شاخص‌های فلسفه سیاسی امام خمینی؛

شاخص‌های فلسفه سیاسی امام خمینی؛ در چند قسم مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، مبادی و مسائل فلسفه سیاسی مورد توجه

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: نجه کبخا؛ مناسبات اخلاق و سیاست؛ ۱۳۸۶.

قرار گرفت که مهم‌ترین آنها به شرح جدول ذیل است:

جدول شماره ۱: شاخص‌های فلسفه سیاسی امام خمینی ;

ردیف	شاخص‌ها
۱	از اصل توحید، آزادی بشر و برابری همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند فهمیده می‌شود.
۲	نتیجه عملی اصل توحید، قیام علیه نابرابری و زنجیرهای اسارت است.
۳	هدف اصلی حکومت اسلامی، تربیت و هدایت انسان است.
۴	باور انسانی، اساس تمام امور است.
۵	انسان به هدایت الهی نیاز مستمر دارد.
۶	انسان دارای سرشتی دوگانه (جنود رحمانی و جنود شیطانی) است.
۷	فلسفه اصل امامت آن است که انسان به تنهایی نمی‌تواند نیازهای معنوی خود را درک و برطرف کند.
۸	بهترین راه حل اختلاف و عامل وحدت انسان‌ها، آگاهی‌بخشی انسان است.
۹	وحی، فطرت، قطب، عقل و حس از منابع شناخت می‌باشند.
۱۰	عقل و قلب مکمل یکدیگرند.
۱۱	وحی الهی در حوزه‌هایی که عقل بشر قادر به درک و فهم آنها نیست، به کمک عقل و حس می‌آید.
۱۲	ارتباط بین عقل و وحی، مکمل فرایند معرفتی است و این ارتباط در عصر غیبت، با تمسک به اجتهاد قابل تحقق است.
۱۳	فهم همه‌جانبه اسلام، از مجموع منابع اسلامی به دست می‌آید.

ردیف	شاخص‌ها
۱۴	انسان در حوزه اعتقادات دارای آزادی مطلق است.
۱۵	آزادی مردم در حوزه فردی و اجتماعی، برابر موازین شرع، مصالح و منافع ملی و در حدود قانون می‌باشد.
۱۶	استقلال فرهنگی، اساس استقلال در دیگر ابعاد از جمله اقتصادی، سیاسی و نظامی است.
۱۷	خودباوری و عمل به احکام اسلام، راه بازگشت به عظمت گذشته است.
۱۸	داشتن روابط با همه جهان یک اصل تلقی می‌شود.
۱۹	دو عنصر اساسی دموکراسی در اسلام، قوانین الهی و رضایت بیشتر مردم است.
۲۰	رأی بیشتر مردم در جمهوری اسلامی، معتبر و لازم‌الاتباع است.
۲۱	مشروعیت حکومت اسلامی دارای دو مؤلفه حقانیت و مقبولیت است.
۲۲	مشروعیت حکومت و ولی فقیه، نصب الهی است؛ ولی فعلیت آن مبتنی بر مقبولیت است. حکومت، عدل سیاست است.
۲۳	مبارزه برای از بین بردن شرایط فاسد و انقلاب علیه حکومت طاغوت، برای تشکیل حکومت اسلامی واجب است.
۲۴	عدالت، محوریت قانون الهی، رضایت بیشتر مردم و حاکمیت ولی فقیه از شاخص‌های حکومت مطلوب است.
۲۵	برقراری عدالت اجتماعی، اجرای قوانین الهی، رفع ظلم و جلوگیری از تجاوز بیگانگان در دوره حضور و غیبت امام معصوم واجب است.

**ب) شاخص‌های اخلاق سیاسی امام خمینی :**

برابر اندیشه منظومه‌ای امام، علاوه بر داشتن اعتقادات و فلسفه سیاسی محکم، برخورداری از فضایل اخلاق سیاسی و پرهیز از رذایل اخلاق سیاسی ضروری است. به نظر امام بین اخلاق و سیاست رابطه وجود دارد؛ یعنی برخورداری از سیاست و اجتماع سالم، منوط به اخلاق و تربیت مردم است. از دیدگاه ایشان مؤلفه اصلی سیاست، قدرت است و قدرت یک صفت کمالی است؛ پس نباید از سیاست و قدرت کناره گرفت؛ بلکه باید آن را فهمید و به نحو درست از آن بهره جست و با تهذیب نفس، از تمرکز و مطلقه شدن و فسادهای قدرت و سیاست پیشگیری کرد. به نظر وی اخلاق مقدم بر سیاست است و کانون سیاست، هدایت جامعه و رشد مادی و معنوی انسان است. به نظر امام انسان زمانی می‌تواند بر جنود شیطنی غلبه نماید و موجب سعادت خود و جامعه شود که از شاخص‌های فضیلت اخلاقی مانند ایمان، عدالت، توکل، تواضع، صداقت و زهد برخوردار باشد و از رذایل اخلاق سیاسی مثل ریا، حسد، حب دنیا، حب جاه و مقام، نفاق و دورویی و غیبت پرهیز نماید.

مهم‌ترین شاخص‌های اخلاق سیاسی از نظر امام خمینی ؛ در دو بُعد فضایل و رذایل به شرح جدول ذیل تعیین و معرفی می‌شود:

جدول شماره ۲: شاخص‌های اخلاق سیاسی امام خمینی ؛

ردیف	شاخص‌ها
۱	اخلاق بر سیاست مقدم است.
۲	سیاست ابزار اخلاق است.

ردیف	شاخص‌ها
۲۶	فقهای جامع شرایط در عصر غیبت، دارای ولایت الهی برای هدایت مردم و جامعه هستند.
۲۷	قوانین اسلام تعطیل پذیر نبوده و منحصر و محدود به زمانی یا مکانی نیست.
۲۸	ماهیت و کیفیت احکام الهی به گونه‌ای است که اجرا و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است.
۲۹	هدف اصلی حکومت اسلامی، استوار نظام عادلانه اجتماعی است.
۳۰	فقیه جامع شرایط، مسئول استمرار نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت است.
۳۱	اگر تشکیل حکومت اسلامی برای فقها مقدور نباشد، اجرای حدود الهی و قوانین اسلامی به قدر مقدور و در حد امکان، بر آنان واجب است.
۳۲	فقها در تمام شؤون نبوت از جمله ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی جانشین پیامبرند.
۳۳	برقراری دستگاه اجرا و اداره امور جامعه، جزئی از ولایت فقهاست.
۳۴	باید با انجام تبلیغات و تعلیمات و ایجاد موج تبلیغاتی، فکری و جریان هم‌فکر، حکومت اسلامی تشکیل داد.
۳۵	حکومت و سیاست، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشر است.
۳۶	هدف دین و سیاست یکی است و به عنوان یک مجموعه و منظومه هدفمند به حساب می‌آید.
۳۷	استعمار، عُقال استعمار، اهمال حوزه‌های علمیه و خودباختگی مسلمانان از عوامل طرح نظریه جدایی دین از سیاست می‌باشند.



ردیف	شاخص‌ها
۳	موقفیت انسان با غلبه بر قوای شیطانی درون به دست می‌آید.
۴	تربیت انسان، تهذیب نفس و برخورداری از فضایل اخلاقی، لازمه داشتن جامعه و سیاست سالم است.
۵	رعایت عدالت و اعتدال برای داشتن جامعه سالم ضروری است.
۶	از نشانه جامعه سالم و سعادت‌مند این است که اصحاب قدرت و ثروت به خود سوء ظن، ولی به دیگران حُسن ظن داشته باشند.
۷	انتقادپذیری از آثار تربیت نفس است و موجب اصلاح جامعه می‌شود.
۸	ساده‌زیستی موجب قدرت روحی انسان می‌شود و می‌تواند در برابر ظلم و بی‌عدالتی بایستد.
۸	تجمل‌گرایی سبب دور شدن از معنویات، وابستگی و کاهش نفوذ بین مردم می‌شود.
۱۰	حفظ ارزش‌های انسانی - اسلامی با زندگی اشرافی و مصرفی میسر نیست.
۱۱	ایمان، امیدواری، عدالت، توکل، رفق و مدارا، تواضع، حلم، صبر، انتقادپذیری، ساده‌زیستی و عفت از فضایل اخلاق سیاسی است.
۱۲	ریا، حسد، حب دنیا، حب مقام، نفاق و غیبت از رذایل اخلاق سیاسی است.
۱۳	بین عدم تعلق و وابستگی انسان به مال و جاه و مقام و بین حُرّ بودن انسان و مبارزه با ظلم، رابطه وجود دارد.
۱۴	زامدار جاه‌طلب برای حفظ قدرت و موقعیت خود، با ظالمان سازش می‌کند.

ردیف	شاخص‌ها
۱۵	نتیجه رفتار منافقانه، ایجاد تفرقه، ناامنی اجتماعی، تهدید منافع ملی و تباهی جامعه است.
۱۶	غیبت موجب تخریب مدینه فاضله، ایجاد تفرقه، کینه و دشمنی بین مسلمانان می‌شود.
۱۷	تفکر، آگاهی، مراقب و محاسبه از مراحل علاج رذیله اخلاق سیاسی است.

### ج) شاخص‌های فقه سیاسی امام خمینی ؛

بر اساس اندیشه منظومه‌ای امام، فقیه علاوه بر داشتن اعتقادات محکم و توحید قوی، مزین به فضایل و رذایل اخلاق سیاسی باید به اجرای احکام الهی و عدالت اجتماعی نیز متعهد باشد. در اینجا برخی شاخص‌های اندیشه سیاسی امام در بُعد فقه سیاسی تعیین و معرفی می‌شود. شاخص‌هایی که به فعل سیاسی مکلفان مربوط می‌شود و نظر امام را درباره نوع و شکل حکومت اسلامی، شرایط، اختیارات و وظایف ولی فقیه نشان می‌دهد.

### جدول شماره ۳: شاخص‌های فقه سیاسی امام خمینی ؛

ردیف	شاخص‌ها
۱	مشکل حکومت در اسلام تابع مقتضیات زمانی و مکانی است که به دست مردم تعیین می‌شود.
۲	محتوای حکومت در اسلام، احکام و قوانین الهی است.
۳	حکومت اسلامی مستند به قانون الهی و آرای ملت است.

حمایت مردم موفق به تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران شد و به اجرای قوانین و احکام الهی و استقرار نظام عادلانه اجتماعی همت گماشت.<sup>۱</sup>

#### ۷. نسبت جمهوریت و اسلامیت در الگوی نظام جمهوری اسلامی چگونه قابل تحلیل است؟

تبیین نسبت جمهوریت و اسلامیت در الگوی نظام جمهوری اسلامی ایران مستلزم بررسی نسبت این دو در اندیشه سیاسی امام خمینی است. در اندیشه سیاسی امام خمینی از دو زاویه می‌توان به تبیین نسبت این دو پرداخت.

#### الف) رویکرد ترکیبی

بر اساس این رویکرد، جمهوری اسلامی مفهومی ترکیبی دانسته می‌شود که حاصل کنارهم‌قرارگرفتن جمهوری به عنوان یک الگوی نظام سیاسی شکل‌گرفته در غرب و اسلام به عنوان یک دین است. چنین رویکردی را می‌توان در پاسخ خبرنگار «لوموند» در پاریس در مصاحبه با امام خمینی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده کرد. امام خمینی در پاسخ به پرسش از مقصود از جمهوری اسلامی، مقصود از جمهوری را معنای متعارف آن در دنیا اعلام می‌کند و در نتیجه جمهوری الگویی از نظام سیاسی است که مردم با رأی اکثریت به تأسیس نظام سیاسی می‌پردازند و ارکان آن را با رأی خود شکل می‌دهند؛ امام همچنین مقصود از اسلامی در این نظام سیاسی را مبتنی بودن بر قانون الهی می‌داند؛ از این رو جمهوری اسلامی الگویی از

۱. برای مطالعه بیشتر رک: علی اکبری معلم؛ شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی؛ ۱۳۹۶. همو، اندیشه سیاسی امام خمینی و نسل سوم انقلاب اسلامی ایران؛ ۱۳۹۳.

ردیف	شاخص‌ها
۴	حکومت اسلامی، حکومت قانون اسلام است؛ پس زمامدار آن باید عالم به احکام اسلام باشد.
۵	حکومت اسلامی شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله ﷺ و از احکام اولیه اسلام است که بر تمام احکام فرعیه مقدم است.
۶	جمهوری اسلامی نشانگر دو بُعد جمهوریت و اسلامیت حکومت اسلامی است.
۷	بر اساس نظریه ولایت مطلقه فقیه، فقیه از تمام اختیارات حکومتی معصومین ۷ بر اساس مصلحت اسلام و مسلمانان برخوردار است.
۸	اعمال و اجرای قانون الهی مبتنی بر رضایت مردم است.
۹	اجرای قوانین الهی، برقراری نظام اجتماعی عادلانه، تأمین زمینه لازم برای رشد فضایل اخلاقی، تأمین امنیت و رفاه نسبی، حفظ هویت و استقلال کشور، خدمت به مردم و جلب رضایت آنان از وظایف ولی فقیه و حکومت اسلامی است.
۱۰	جلب رضایت مردم، هم تکلیف شرعی و هم حکم عقلی است.

شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی؛ در سه بعد فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی به دلیل طرح جایگزین نظام شاهنشاهی، اساس الگوی مردم‌سالاری دینی، مبنای استمرار جمهوری اسلامی ایران و معیاری برای ارزش انقلاب اسلامی و عملکرد جمهوری اسلامی مطابق منظومه فکری و چارچوب اندیشه ایشان استخراج و معرفی شده است. امام خمینی؛ در عمل به منظومه اندیشه سیاسی خود، با استبداد و استعمار به مبارزه برخاست و با انجام تبلیغات و تعلیمات و ایجاد جریان همفکر و با

نظام سیاسی است که مردم حق تأسیس نظام سیاسی و تشکیل ارکان آن را دارا هستند؛ اما قوانین حاکم بر این نظام سیاسی، قوانین الهی دانسته می‌شود. در این رویکرد نسبت جمهوریت و اسلامیت را می‌توان بر اساس نسبت شکل و محتوا تبیین کرد. در این دیدگاه، جمهوریت شکل نظام سیاسی و اسلامیت محتوای آن را تشکیل می‌دهد. نظام سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس این رویکرد، از نظر شکل در قالب جمهوریت قرار می‌گیرد؛ اما مرجعیت اسلام را در تنظیم زندگی سیاسی اجتماعی می‌پذیرد؛ به همین دلیل در ساختار نظام سیاسی دو نهاد ولایت فقیه و ریاست جمهوری در کنار هم قرار می‌گیرد. نهاد ولایت فقیه تضمین‌کننده اسلامیت نظام سیاسی بوده، ریاست جمهوری به عنوان بالاترین مقام اجرایی، مجری قوانین شناخته می‌شود. بر این اساس، اصالت نظام سیاسی از ناحیه اسلامیت آن تأمین می‌شود و رأی مردم نقشی در مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی ندارد. با وجود این، رأی مردم نقش تدارک مقبولیت نظام سیاسی را بر عهده دارد و رضایت مردم کارآمدی نظام سیاسی را به دنبال دارد.

#### (ب) رویکرد بسیط

در این رویکرد جمهوری اسلامی مفهومی بسیط دانسته می‌شود که حاصل استنباط و استخراج الگوی مردمی خاصی از متون و منابع اسلام است. جمهوریت در این رویکرد به مفهوم پذیرش حاکمیت جمهور یا اکثریت مردم است. اسلام حاکمیت مردم را در طول حاکمیت الهی به رسمیت می‌شناسد و در نتیجه لازم است با رویکردی اجتهادی به سراغ متون و منابع دینی رفته، به استخراج الگوی نظام سیاسی مردمی پرداخت. امام خمینی

دموکراسی واقعی به معنای حاکمیت مردم را از آن اسلام می‌داند و بر این باور است که تحقق اسلام در زندگی سیاسی - اجتماعی به مفهوم تحقق واقعی حاکمیت مردم است. در این رویکرد، پذیرش حق تأسیس نظام سیاسی و ارکان آن از سوی مردم، نه به دلیل پذیرش الگوی جمهوری و اقتباس آن از غرب، بلکه به دلیل پذیرش حاکمیت واقعی مردم است.

در این رویکرد نسبت جمهوریت و اسلامیت نه نسبت شکل و محتوا، بلکه اساساً مفهومی بسیط بوده و در نتیجه هر دو جزء مفهومی جمهوری اسلامی امری محتوایی دانسته می‌شود. هم جمهوریت به مفهوم حاکمیت مردم و هم اسلامیت به مفهوم قانون الهی امری محتوایی هستند. نتیجه کنارهم قرارگرفتن این دو جزء، شکل‌گیری الگویی از نظام سیاسی است که بر اساس آن حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی قرار می‌گیرد و با مراجعه به متون و منابع دینی بر آن استدلال می‌شود. در نتیجه رأی مردم صرفاً نقش مقبولیت‌آوری و کارآمدسازی نظام سیاسی را نداشته، بلکه رأی مردم از این نظر امری محتوایی دانسته می‌شود که نقش مجوزدهی و شرط قطعی‌شدن وجوب و تنجز تکلیف فقیه واجد شرایط برای تشکیل حکومت است؛ به عبارت دیگر با توجه به پذیرش مرجعیت اسلام در زندگی سیاسی - اجتماعی جایگاه رأی مردم با رویکرد اجتهادی و مراجعه به متون و منابع دینی تعیین می‌شود. با توجه به رویکرد اجتهادی امام خمینی، مشروعیت حکومت و حاکم اسلامی در دوران غیبت امری الهی است و رأی مردم نقشی در مشروعیت‌دهی به مفهوم حقانیت‌بخشی ندارد؛ اما این امر به مفهوم نبود نقش محتوایی برای رأی مردم نیست. نقش مردم اعطای مجوز به حاکم

### ۸. آیا قانون اساسی جمهوری اسلامی به مسئله حقوق شهروندی پرداخته است؟

برخی از افراد برای تشریح حقوق شهروندی معمولاً به منشورهای مهمی که درباره حقوق شهروندی منتشر می‌شود، استناد و مطالبشان را بر محور آن پردازش می‌کنند؛ اما درباره مسئله فوق، برای تشریح جایگاه حقوق شهروندی در ایران به قانون اساسی جمهوری اسلامی استناد می‌کنیم؛ چون قانون اساسی به‌طور کلی پیوندی تنگاتنگ با مفهوم شهروندی دارد؛ همچنین قانون بنیادی کشور است که بر تمامی امور و بر همه افراد جامعه، اعم از زمامداران و فرمانبرداران نظارت دارد.

درباره تاریخچه شکل‌گیری قانون اساسی در ایران می‌توان به این مطلب اشاره داشت که؛ با پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی قانون اساسی یکی از مجاری و مبانی اعمال قدرت سیاسی شد؛ به‌طور کلی درباره مفهوم قانون اساسی در مشروطه چنین به نظر می‌رسد که از همنشینی با مفاهیم و واژگانی چون مشروطیت و عدالتخانه و در جانشینی مفاهیمی چون امر ملوکانه و پادشاهی مطلقه مطرح شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز مفهوم قانون اساسی از همنشینی مفاهیم جمهوریت و اسلامیت و جانشینی مفاهیمی چون شاهنشاهی و مشروطیت به وجود آمد. بر این اساس بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورخ ۱۳۵۸/۸/۲۴ تصویب و در همه‌پرسی دوازدهم آذرماه همان سال با ۹۹/۵ درصد آرا به تأیید ملت ایران رسید. این قانون اساسی در دو سطح حاکمیت دینی و سطح حاکمیت ملی طراحی شده است و مدعی است تمامی حقوق شهروندی را بر اساس این دو اصل در نظر گرفته است که در ادامه ابتدا به برخی از اصول قانون اساسی در سطح حاکمیت دینی اشاره می‌کنیم. از آنجاکه قانون اساسی

دارای مشروعیت و حقانیت است؛ به دیگر سخن، تنها روش روی کار آمدن حاکم مشروع و برحق، انتخاب مردم است و رأی مردم برای حاکم نفوذ حکم و فرمان حکومتی را به همراه می‌آورد.

از آنچه گذشت می‌توان به این نتیجه دست یافت که بر اساس این دو رویکرد مفهوم جمهوریت و اسلامیت در الگوی جمهوری اسلامی دو مفهوم سازگار بوده، در نتیجه از نظر مفهومی، الگوی جمهوری اسلامی مفهومی ممکن و غیر پارادوکسکال است. سازگاری مفهومی جمهوری اسلامی در رویکرد نخست از این نظر قابل تبیین است که ترکیب شکل و محتوا امری ممکن است و در چنین ترکیبی اصالت از اسلام و قانون الهی بوده، جمهوریت صرفاً تأمین‌کننده شکل و قالب نظام سیاسی است. اما در رویکرد دوم این سازگاری بنیادی‌تر به نظر می‌رسد؛ چراکه اسلام به عنوان تأمین‌کننده منبع معرفتی الگوی نظام سیاسی نظم مردمی و برخاسته از رأی اکثریت آنان را به رسمیت می‌شناسد و الگویی خاص از نظم مردمی را ارائه می‌کند که از آن به جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی تعبیر می‌گردد. بدین ترتیب، نسبت جمهوریت و اسلامیت در رویکرد نخست نسبت شکل و محتوا خواهد بود که در آن جمهوریت به عنوان الگویی بیرونی ذیل اسلامیت معنا می‌یابد؛ اما در رویکرد دوم جمهوریت بر مبنای اسلامیت و به عنوان الگویی درونی معنایی می‌شود. با وجود این، در هر دو رویکرد سازگاری مفهومی میان جمهوریت و اسلامیت پذیرفته و ارائه می‌گردد.<sup>۱</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: منصور میراحمدی؛ نظریه مردم‌سالاری دینی؛ ۱۳۸۸.

جمهوری اسلامی ایران به دنبال پی‌ریزی نظامی مکتبی است، اصول متعددی از آن به بیان حاکمیت دینی می‌پردازد از جمله: ۱. اصل دوم: جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به الف (خدا یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ ب) وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ ج) معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ د) عدل خدا در خلقت و تشریح؛ ح) امامت و رهبری مستمر و نقش آن در تداوم انقلاب اسلام؛ و) کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا. ۲. اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. ۳. اصل پنجم: در زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد. ۴. اصل دوازدهم: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثناعشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند. ۵. اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مغل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. ۶. اصل بیست و هفتم: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مغل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است. ۷. اصل چهل و چهارم: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه

سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

اما سطح حاکمیت ملی یا اصولی که تداعی‌کننده اصل ایمان و پیمان‌پذیری در شهروندی است عبارت‌اند از: اصل ششم اصل هفتم، اصل پنجاه و ششم، اصل شصت و دوم، اصل هشتاد و چهارم، اصل یکصد، اصل یکصد و چهاردهم، اصل یکصد و هفدهم، اصل یکصد و بیست و دوم و از میان اصول پیش‌گفته، سه اصل محوری ششم، هفتم، و پنجاه و ششم، اصول بنیادین حاکمیت ملی می‌باشند.

البته گفتنی است اگرچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از واژه «شهروند» استفاده نشده است؛ ولی می‌توان گفت اولاً از مواردی برای استناد به حقوق شهروندی می‌شود استفاده برد؛ از جمله موضوعاتی مانند، نفی ستمگری و سلطه‌پذیری، تحقق قسط و عدل، استقلال، ایجاد رفاه، رفع فقر و محرومیت که به حوزه شهروندی ارتباط دارند؛ به طوری که در متن قانون اساسی، ده‌ها بار از مجموعه واژه‌های عادل (اصول ۵، ۱۵۸، ۱۶۲) قسط و عدل (اصول ۲ و ۱۴) عادلانه (اصل ۳) حق (اصول ۲۹ و ۳۱) شرایط مساوی (اصل ۲۸) ریشه‌کن ساختن فقر و محرومیت (اصل ۴۳) عدالت (اصل ۱۵۶) استفاده شده است. ثانیاً از اصول قانون اساسی، می‌توان حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی شهروندان را فهم برداشت نمود به عنوان مثال در باب «حقوق مدنی» می‌توان به اصول ۴۳، ۳۸، ۳۶، ۲۵، ۲۳، ۲۲ قانون اساسی اشاره داشت که در اصل ۲۵ قانون اساسی به ممنوعیت هرگونه

تجسس از جمله بازرسی در نامه‌ها، و در اصل ۲۲ درباره مصونیت تعرض به مسکن و اصل ۲۳ نیز درباره ممنوعیت تفتیش عقاید پرداخته شده است. به هر حال قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب حقوق مدنی، تداوم حیات انسانی را فرع بر حق حیات دانسته و آن حقوق را نیز برای همه (فراتر از رنگ و نژاد و مذهب و...) قایل شده است. بر همین مبناست که در اصل چهل و سوم مقرر می‌دارد: به منظور تأمین استقلال جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسانی در جریان رشد، با حفظ آزادیگی او، باید اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر نه ضابطه استوار شود؛ از این رو در ضابطه اول به تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه اشاره شده است و در ضابطه دوم به تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و در ضابطه چهارم نیز به رعایت آزادی و انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از دیگری پرداخته شده است و در اصل سی و هشتم که ممنوعیت شکنجه را حتی برای نفع عمومی و ایجاد نظم هم ممنوع می‌شمارد، از جمله این اصول است. این اصل مقرر می‌دارد: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی بدون ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود؛ همچنین در اصل سی و دوم قانون اساسی مقرر شده است هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع

قضایی فرستاده و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. داشتن حق داوری عادلانه یکی دیگر از حقوق مدنی به شمار می‌رود که در اصل سی و چهارم، اصل سی و پنجم و اصل سی و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان این حق را مشاهده نمود. یکی دیگر از مواردی که اصول قانون اساسی به حقوق شهروندی به‌طور صریح و با واژه شهروندی پرداخته است، مورد «حقوق سیاسی» را می‌توان نام برد؛ از باب نمونه، حق آزادی بیان از حقوقی است که قانون اساسی در اصل بیست و سوم درباره آن مقرر می‌دارد: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد؛ همچنین می‌توان به اصل بیست و چهارم به عنوان اصل بیان‌کننده آزادی نشر و عقیده اشاره کرد که می‌گوید: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد، تفصیل آن را قانون معین می‌کند؛ همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه در اصل سیزدهم آورده است ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر اساس آیین خود عمل می‌کنند. از آنجاکه در آثار سیاسی اندیشمندان، یکی از مسائل مهم حقوق سیاسی شهروندان را مسئله مشارکت سیاسی ذکر می‌کنند، در این باره نیز، اصل پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت همه‌پرسی این مسئله را پیش‌بینی نموده است؛ لذا در مشارکت به صورت مستقیم، مردم در مسائل بسیار مهم کشور مستقیماً وارد صحنه می‌شوند و به وسیله همه‌پرسی سرنوشت خود را تعیین می‌کنند و در مشارکت غیرمستقیم

می‌توان گفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر پیش‌بینی برخی از زمینه‌های حقوقی قانونی برای ایجاد شهروندی از ظرفیت مناسبی برخوردار است.

خلاصه اینکه با بررسی و ملاحظه تمامی اصول قانون اساسی می‌توان اظهار داشت که مسئولان و قانون‌نویسان جمهوری اسلامی با استناد به کتاب و سنت و با درج قوانین مبتنی بر کتاب و سنت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق شهروندی را بر پایه اصل احترام و ارزش به کرامت والای انسانی، در «چهل اصل» مورد توجه قرار داده‌اند؛ همچنین فصولی از قانون اساسی (همچون فصل سوم «حقوق ملت»، فصل پنجم «حق حاکمیت ملت»، فصل ششم «انتخابات» و فصل هفتم «شوراها») حاوی حقوق ملت می‌باشند که همگی نشانگر و حکایتگر نوع حضور مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود می‌باشد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هسته اصلی حقوق سیاسی که عبارت از «حق رأی و تصدی مسئولیت در سطوح مختلف حکومت (انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن) می‌باشد» و همچنین دیگر حقوق شهروندان از مسائلی هستند که در قانون اساسی ایران نه تنها مغفول نمانده است، بلکه بر آن تأکید زیادی نیز شده است، با اینکه بر مبنای قانون اساسی استنباط کردیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق شهروندان بی‌توجه نبوده و حقوق آن را محترم شمرده است.<sup>۱</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: رضا عیسی‌نیا؛ وضعیت شهروندی در جمهوری اسلامی ایران (مبانی و

اصول)؛ ۱۳۹۵.

(یعنی مردم با تشکیل نهادهایی) نیز می‌توانند در سرنوشت‌شان نقش ایفا نمایند. «در باب مشارکت سیاسی، علاوه بر اصل پیش‌گفته، در اصل ششم نیز می‌خوانیم که کلیه امور در نظام جمهوری اسلامی ایران متکی بر آرای مردم است. اگر «کلیه امور» را به اصطلاح اصولی عام استغراقیه محسوب کنیم، آن وقت اصول (که ناظر بر ولایت فقیه بر اساس نظریه نصب در زمان غیبت است) ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۱۰ را که مسائل ولایت فقیه را مطرح می‌کند را نیز شامل می‌گردد». به عبارتی می‌توان گفت اُس اساس نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت جمعی و آرای عمومی است که با حق مشارکت سیاسی تعریف می‌شود؛ همچنین روح حاکم بر اصول سوم، ششم، بیست‌وششم، بیست‌وهفتم و پنجاه‌ونهم قانون اساسی به نوعی در تعامل با شهروندی قرار می‌گیرد. اما سومین مورد از مواردی که اصول قانون اساسی به حقوق شهروندی به‌طور صریح و با واژه شهروندی پرداخته است، در باب حقوق اجتماعی است. حقوق اجتماعی یا شهروندی اجتماعی که با برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی و مانند آن تعریف می‌شود، نیز می‌توان در اصول سوم، بیست‌ویکم، هشتم تا سی‌ویکم و چهل‌وسوم مشاهده نمود؛ بنابراین می‌توان گفت مسائلی از حقوق اجتماعی شهروندان مانند داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است که در اصل سی‌ویکم آمده است یا ممنوعیت اجبار به اقامت افراد در محلی معین که در اصل سی‌وسوم متذکر شده است یا اصل چهل‌وسوم که در آن وظیفه دولت را ایجاد امکان اشتغال به کار برای همه ذکر می‌کند، از جمله مواردی است که قانون اساسی در حوزه حقوق اجتماعی به جایگاه شهروندان به‌طور غیر صریح پرداخته است. خلاصه اینکه در مجموع

## ۹. آیا قدرت همیشه منفی است؟ و ماهیت قدرت در اندیشه اسلامی از چه الزاماتی برخوردار است؟

فارغ از اینکه هر نظام سیاسی بر اساس چه مکتبی بنا نهاده شده است، قدرت به منزله وسیله‌ای برای رسیدن به آرمان‌ها، در مکاتب و نظام‌های سیاسی مختلف، با دیدگاه‌های هنجاری متفاوتی روبرو شده است. هریک از این دیدگاه‌ها بر اساس نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی‌ای است که در آن مکاتب وجود داشته و نوع نگاه به قدرت نیز، زاینده آن مبانی بوده و بر آن اساس ارائه شده است. از دیرباز برخی اندیشمندان، قدرت سیاسی را فارغ از نوع و شخص حکمرانان و منطبق بر مبانی و آموزه‌های خود، خیر می‌دانستند. آنچه آنان را به این قضیه وا داشته است، پیش‌فرض‌هایی بود که بر تمایل انسان‌ها به شر و تجاوزگری حکایت می‌کرد و به تجاوز مردم به یکدیگر و تهدید نظام اجتماعی و عدم امنیت منجر می‌شد و چون در جامعه افرادی دیده می‌شوند که به علت خصوصیات ذاتی و اوصافی که دارند می‌توانند جامعه را اداره کنند، می‌بایست قدرتی بر اراده مردم مقدم باشد تا در برابر نابرابری‌ها بایستند، از تجاوز و هرج و مرج جلوگیری کند؛ از این‌رو قدرت، جزء ذاتی و ضروری زندگی انسان‌ها بوده، غایت آن به سوی خیر است.

عمده اندیشمندان اسلامی نیز به همین اصل باور داشته و تلقی خیراندیش از قدرت داشته‌اند؛ به گونه‌ای که در منطق اسلام، قدرت از آن خداوند است و به عنوان امانت و به منظور خدمت به دین اسلام و مردم به حاکم اسلامی اعطا کرده است. بر اساس این منطق، قدرت و حکومت، مطلوبیت ذاتی ندارد و برای تأمین اغراض و اهداف اساسی شریعت مطلوب می‌نماید.

امام خمینی همسو با دیگر حکیمان و متألهان، قدرت را در سایه خداوند

دانسته، بر این باور است که هر وجودی ظل وجود مطلق است و از آنجاکه خداوند، هم وجود مطلق است و هم کمال مطلق، هر امر وجودی که ظل وجود اوست، ظل کمال او نیز خواهد بود. مطابق این معنا، قدرت که امری وجودی است نیز، در شمار کمالات وجودی قرار خواهد گرفت.<sup>۱</sup> بر این اساس، قدرت به خودی خود خیر محض است و مایه شر یا فسادآور نیست. قدرت خودش یک کمال است. خدای تبارک و تعالی قادر است. انسان نیز به عنوان مخلوق خداوند، عشق به کمال مطلق دارد و در پی آن می‌رود؛ از این‌رو ممکن است کمال را در قدرت یافته، در پی دستیابی به قدرت مطلق برآید؛ ولیکن انسان ممکن است بر این اساس، به حبّ نفس روی آورد و از آنجاکه حبّ نفس «سرمنشأ تمام خطاهای انسانی و ردایل اخلاقی» محسوب می‌شود،<sup>۲</sup> گرایش انسان به قدرت که مقوله‌ای دائم و پایان‌ناپذیر و نشانه گرایش به ذات حق است، ممکن است به حب جاه و ریاست تبدیل شود. به همین دلیل، امام «حب ریاست، جاه، غلبه و قدرت» را شعبه‌ای از حب نفس می‌داند.<sup>۳</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس این منطق، در اصل صد و بیست و یکم خود که به متن سوگندنامه رئیس‌جمهور اختصاص دارد، آمده است: «... قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است، همچون امین پارسا و فداکار نگاهدار باشم». در نظام سیاسی اسلام نیز شواهد بسیار زیادی بر خیربودن قدرت سیاسی وجود دارد. برخی دیگر از عبارات نیز در متون و آموزه‌های اسلامی وجود دارند که به اهداف و

۱. امام خمینی؛ شرح دعاء السحر؛ ص ۱۰۹ - ۱۱۳

۲. امام خمینی؛ شرح چهل حدیث؛ ص ۷۱.

۳. همان، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.



بود که ملک و سلطنتی به دست آوریم و نه برای اینکه از متاع دنیا چیزی تهیه کنیم، بلکه به خاطر این بود که نشانه‌های ازبین‌رفته را بازگردانیم و صلح و مسالمت را در شهرهای آشکار سازیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در ایمنی قرار بگیرند.

این عبارات نمایانگر این نکته است که حکمران می‌بایست متعهد باشد، آثار دین را در جامعه زنده داشته، دامنه اصلاح را در شهرها بگستراند تا در نهایت بندگان ستم‌دیده خدا امنیت و آسایش یابند و احکام الهی تعطیل و متوقف نشود. امام خمینی در همین راستا و با توجه به این آموزه‌ها درباره ماهیت اخلاقی قدرت و بی‌ارزشی قدرت جز در سایه اهداف عالی نظام اسلامی این‌گونه اظهار داشته است:

عده‌دارشدن حکومت فی حدّ ذاته شأن و مقامی نیست؛ بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است. حضرت امیرالمؤمنین ۷ درباره نفس حکومت و فرماندهی به ابن عباس فرمود: «این کفش چقدر می‌ارزد؟» گفت: «هیچ.» فرمود: «فرماندهی بر شما نزد من از این هم کم‌ارزش‌تر است؛ مگر اینکه به وسیله فرماندهی و حکومت بر شما بتوانم حق (یعنی قانون و نظام اسلام) را برقرار سازم و باطل (یعنی قانون و نظامات ناروا و ظالمانه) را از میان بردارم».<sup>۱</sup>

مطابق این معنا، قدرت به خودی خود خیر و کمال محسوب می‌شود؛ اما این امر ممکن است به قدرت‌طلبی، حب جاه و دورشدن انسان از مبدأ حقیقی

غایات حکومت عنایت داشته، قدرت سیاسی را به عنوان وسیله‌ای معرفی می‌کنند که به تحقق اهداف عالی دین و شریعت کمک می‌رساند. بر اساس این آموزه‌ها، حکومت به خودی خود ارزش ندارد و زمامداری هنگامی ارزشمند می‌شود که در مسیر اهداف الهی قرار گیرد. حضرت علی ۷ در عبارتی گران‌قدر در این باره به علت تصدی حکومت اشاره کرده، این‌گونه می‌فرماید:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمَ أَنِّي لَمْ أَرِدِ الْإِمْرَةَ وَلَا عَلَوُ الْمَلِكِ وَالرِّيَاسَةَ؛ وَإِنَّمَا أَرَدْتُ الْقِيَامَ بِحُدُودِكَ، وَالْأَدَاءَ لَشَرْعِكَ، وَوَضْعَ الْأُمُورِ فِي مَوَاضِعِهَا وَتَوْفِيرَ الْحَقُوقِ عَلَى أَهْلِهَا وَالْمُضَى عَلَى مَنَهِاجِ نَبِيِّكَ وَإِرشَادِ الضَّالِّ إِلَى أَنْوَارِ هِدَايَتِكَ: <sup>۱</sup> خدایا، تو می‌دانی که من حکومت و ملک و ریاست را نخواستم؛ بلکه قیام به حدود تو و پاسداری از شرع و قراردادن امور بر سر جای خود و رساندن حقوق به اهلسش، پیروی روش پیامبرت و ارشاد گمراه به نور هدایت تو را خواهانم. ایشان در عبارتی دیگر از نهج البلاغه فلسفه ولایت و حاکمیت بر امور مسلمان را خاطر نشان کرده و این‌گونه اظهار داشته‌اند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي مَنَّا مَنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ؛ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهِرِ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ؛ فَيَأْمِنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامُ الْمَعْطَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ: <sup>۲</sup> پروردگارا، تو می‌دانی آنچه ما انجام داده‌ایم، نه برای این

۱. ابن‌ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲۰، ص ۲۹۹.

۲. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۳۱.

۱. امام خمینی؛ ولایت فقیه؛ ص ۵۴.

ایشان در همین زمینه و در عباراتی دیگر این‌گونه می‌فرماید: «عهدۀ دارشدن حکومت فی حدّ ذاته، شأن و مقامی نیست؛ بلکه وسیله انجام وظیفه، اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است... برای مردان خدا اگر این وسیله به کار خیر و تحققِ هدف‌های عالی نیاید، هیچ ارزشی ندارد». از جمله مواردی که در این باره مشمول عنایت ایشان واقع شده و در آن، قدرت به‌گونه‌ای حُسن تلقی شده و بر ماهیت ابزارگونه آن تأکید شده است، تذکر ایشان به فرزند خویش درباره قبول مقام است که ایشان در قالب نصیحت به فرزند خویش این‌گونه اظهار می‌دارند: «خدمت به خلق را برای آنکه خلق خدا هستند بنمای... اگر خدای نخواستۀ برای هواهای نفسانی و ارضای شهوات است، از آن اجتناب کن که مقامات دنیوی ارزش آن را ندارد که خود را در راه آنها تباه کنی».

بر اساس نظریه خیراندیشانه به قدرت و حکومت، مسئله مهار قدرت سیاسی به سمت و سوی مهار درونی گرایش می‌یابد؛ زیرا قدرت به خودی خود، مایه شر و فساد نبوده؛ بلکه منشأ فساد، نفس انسان خواهد بود و اگر قدرت، امانتی الهی باشد، نمی‌توان منشأ فساد را در ماهیت قدرت جست‌وجو کرد؛ بلکه باید گریبان حاکم را گرفت که از ادای حق امانت الهی (قدرت سیاسی) ناتوان بوده یا به آن خیانت کرده است. بر اساس این نگرش، ذات قدرت موجب فساد نمی‌شود؛ بلکه در بستر قدرت سیاسی امکان فساد بیشتر بوده، در صورت مهار نکردن درونی، قدرت حاکمان به فساد آلوده می‌شود و به سوء استفاده از قدرت روی می‌آورند.<sup>۱</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سیدسجاد ایزدهی؛ نظارت بر قدرت در فقه سیاسی؛ ۱۳۸۷.

قدرت بینجامد که طبیعتاً مذموم خواهد بود. از این‌رو امام خمینی گرچه اساس و اصل قدرت را خیر فرض می‌کند، قدرت‌های فاسد و به صورت خاص، رژیم شاه را نقد کرده، منشأ بدبختی و عقب‌ماندگی ملت‌ها معرفی و این‌گونه اظهار می‌کند:

اگر چنانچه هیئت حاکمه، کسانی که مقدرات یک کشور در دست آن‌هاست، این‌ها فاسد باشند، مملکت را به فساد می‌کشانند؛ همه بُعدهای مملکت را رو به نیستی و فساد می‌برند. قدرت اگر چنانچه به دست اشخاص غیرمهدّب برسد، خطر دارد. قدرت خودش یک کمال است. خدای تبارک و تعالی قادر است؛ لکن اگر چنانچه قدرت به دست اشخاص فاسد برسد، همین کمال را به فساد می‌کشانند.

خیرانگاری قدرت از سوی امام خمینی، ایشان را به سوی این معنا سوق می‌دهد که قدرت سیاسی، هدف سیاست و حکومت نبوده؛ بلکه ابزاری است که اهداف عالی شریعت را تأمین می‌کند و رابطه فرمانروا و فرمانبردار را در عالی‌ترین شکل آن در قالب برادری دینی معنا می‌کند:

از جمله تحولاتی که باید بشود و شما آقایان باید کوشش کنید، این است که به این کلمه فرماندار مغرور نشوید که شما فرماندار هستید. این کلمه فرماندار، مالِ وقتی است که فرمان باشد و فرمانبر باشد و برادری نباشد و طبقه‌ای، طاغوتی باشد و مردم دیگر فرمانبردار آنها؛ در صورتی که در اسلام مطرح نیست. آنهایی که سرتاسر کشور اسلامی را اداره می‌کردند... این‌طور نبود که معاملاتشان با رعیت، معامله فرمان‌فرما و فرمانبر باشد.

## ۱۰. آیا انقلاب ایران باعث تغییر ساختارها و نگرش‌های کلان شده یا صرفاً به تغییر کارگزاران منجر شده است؟

انقلاب، یعنی تغییر اساسی در سه حوزه اقتصاد، فرهنگ و حوزه اجتماعی سیاسی و به عبارت دیگر، انقلاب وضعیت حاضر را به‌طور کامل نفی و طرد می‌کند و در مقابل می‌کوشد محیط اجتماعی و انسانی جدید و متفاوتی را تجدید بنا کند و این دگرگونی‌ها حاصل نمی‌شود مگر به دنبال تغییرات در وضع روانی و شعور قسمتی از جامعه یا کل آن. بنابراین مسئله این است: تغییری که در ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری روحانیت اتفاق افتاد، آیا موجب شد نظم موجود، گرایش‌ها و سنت‌ها و طرز فکری که حاکم بر جامعه بود، به‌طور کلی تغییر کند؟ ما معتقدیم انقلاب باعث تغییر و نگرش همه‌جانبه شده است؛ از این رو شاهد تداوم انقلابیگری هستیم؛ چون آن سنت‌ها و طرز فکرهای حاکم بر جامعه قبل از انقلاب، هنوز برچیده نشده و فقط رو به ضعف نهاده شده است و انقلابی‌ها باید به‌طور اصولی آن نظم قبلی را برچینند و به تعبیر پارسونز، تا تغییر ساختی اتفاق بیفتد نه تغییر تعادلی؛ چون در تغییر تعادلی به نظام جایگزین نمی‌رسیم؛ ولی در تغییر ساختی به نظام جایگزین باید برسیم.

می‌توان گفت انقلاب، ابتدا و انتهای دارد و انتهای انقلاب تحقق نظم مطلوب است. نتیجه اینکه چون انقلاب و انقلابیگری سعی در زیرورو کردن بنیادین نظام قبلی دارد، روند انقلابی و انقلابیگری نه تنها فقط به نارسایی‌ها و نارضایتی اکتفا نمی‌کند، بلکه به دنبال نفی تمامی ابعاد نظام حاکم و تغییر و دگرگونی بنیادین است تا به نظم مطلوب دست یابد؛ پس انقلابیگری می‌تواند امروزه هم تداوم داشته باشد؛ چون انقلابیون به دنبال نفی هرگونه ستمگری و

ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و به دنبال برقراری قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی در میان امت اسلامی هستند؛ پس تا زمانی که این خواسته تحقق پیدا نکرده است، پایان زمانی‌ای برای انقلابیگری متصور نخواهد بود و اصل دوم قانون اساسی نیز گواه و مؤید این تداوم انقلابیگری جهت تحقق اهداف ذکر شده است.

اندیشه انقلابی و انقلابیگری، تنها با به‌دست‌گرفتن قدرت و حکومت پایان نمی‌پذیرد؛ لذا انقلابیونی همانند شهید بهشتی معتقدند خودآگاهی انقلابی باید ادامه داشته باشد؛ آن‌هم تا سال‌های سال تا بتوان به نظامی توحیدی، اصیل و پویا دست یافت. پس می‌توان مدعی شد سنت انقلابیگری در حرکت انقلابی خود، تنها خواهان تغییر نظام سیاسی یا نفی استبداد (طاغوت) نبود تا بگوییم با تغییر نظام فاسد پهلوی، انقلابیگری هم به پایان رسیده است؛ بلکه آنها خواهان اجرای احکام اسلامی در تمام ابعاد زندگی فردی و جمعی یا سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی و نفی سلطه و استعمار نیز بودند. آنان دولت و جامعه و سازمان‌های موجود در آن را فاسد و منحرف می‌دانستند که باید تغییرات اساسی در آنها صورت گیرد و این پالایش باید به تشکیل جامعه، سازمان و دولت جدید و مطابق خواست اسلامی آنان منجر شود؛ یعنی اگر در جامعه‌ای همچون جمهوری اسلامی ایران، هنوز هم ما با بی‌هنجاری یا ناهنجاری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی مواجهه هستیم، انقلابیون در این عرصه حضور جدی‌ای دارند تا بتوانند احکام اسلامی را در جامعه جاری و ساری سازند و این همان نشانه‌های تغییر نگرش‌های کلان است.

این تغییر نگرش‌های کلان را می‌توان در تدوین قانون اساسی جدید بر

است، اختیاراتی است که به حکومت اسلامی و شخص حاکم اسلامی داده شده است که در شکل حکم حکومتی صورت می‌پذیرد؛ لذا حکم حکومتی مفهومی کلیدی در فقه سیاسی شیعه و به عنوان ابزاری برای پاسخگویی به نیازهای مستحدثه است. فقیه جامع‌الشرایط که متولی و حاکم نظام اسلامی است، دو حیثیت متمایز دارد: از یک سو وی به دلیل داشتن حیثیت اجتهاد، به صدور فتوا و حکم می‌پردازد و از سوی دیگر، در سایه دارابودن حیثیت مدیریت نظام سیاسی، نظام سیاسی را به بهترین وجه اداره می‌کند؛ ولی آنچه این دو فرایند را به یکدیگر پیوند می‌دهد، علاوه بر هدایت شریعتمدار جامعه، عرصه صدور احکام حکومتی در اداره مطلوب امور جامعه است و از این روی حکم حکومتی تنها از سوی فردی صادر می‌شود که متصف به دو ویژگی فقاها و حاکمیت است؛ زیرا حکم حکومتی از یک سو ماهیت استنباط دارد که شارع در فرایند اعتبار، از مکلفین می‌خواهد اموری خاص را انجام دهند و از سوی دیگر، با توجه به اینکه بر خلاف احکام اولیه شریعت که در قالب وجود موضوع دائم و ثابت جعل شده است، احکام حکومتی مقوله‌ای موقت و غیرثابت است و در راستای رفع اضطرار، گونه‌ای تدبیر در امور اجرایی محسوب می‌شود.

بر این اساس حکم حکومتی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه دستورها و مقرراتی که بر اساس ضوابط شرعی و عقلایی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی حاکم اسلامی و برای اجرای احکام و حدود الهی و به منظور اداره جامعه در ابعاد گوناگون آن و تنظیم روابط داخلی و خارجی آن صادر می‌شود».

به لحاظ عقلی، در تأیید حکم حکومتی می‌توان این‌گونه دلیل آورد: ادله

اساس مبانی اسلامی مشاهده کرد که مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی بوده است و انقلابیون در ایران بر اساس مبانی فکر اسلامی، قانون اساسی مترقی و کارآمدی برای سامان‌دهی سیاسی - اجتماعی خود ارائه کرده‌اند. تغییر در ساختار و فرایندهای نظام سیاسی پس از انقلاب نیز نشانگر تغییرات بنیادین است. مدلی ترکیبی از مردم‌سالاری مبتنی بر دین، ارائه‌الگوی جدیدی از حکمرانی است که تلاش کرده است مشارکت و نقش مردم را بر اساس مبانی اسلامی در تصمیم‌سازی‌های نظام سیاسی دخالت دهد. جهت‌گیری‌های داخلی و خارجی این نظام جدید نیز نشان‌دهنده تغییرات بنیادینی است که پس از انقلاب شاهد آن هستیم. در سیاست خارجی تا قبل انقلاب، همگرایی با غرب راهنمای عمل سیاست خارجی بود؛ اما پس از انقلاب، اصل «نه شرقی نه غربی» راهنمای عمل قرار گرفت و نظام جمهوری اسلامی همچنان پس از چهار دهه، از وابستگی به بلوک‌های قدرت خودداری و بر اصل استقلال تأکید می‌کند؛ بنابراین پیروزی انقلاب اسلامی شروع انقلاب بود که در اولین گام به تغییر نظام سیاسی منجر شد؛ اما هدف و آرمان انقلاب اسلامی تغییر بنیادین در همه سطوح جامعه بر اساس مبانی دینی است.

## ۱۱. حکم حکومتی چیست؟ بر اساس چه مبنایی ولی فقیه می‌تواند حکم حکومتی صادر کند؟

اسلام دینی جامع است که برای همه زمینه‌های فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان برنامه و دستورالعمل زندگی دارد و از سویی، اجراکردن اسلام در هر زمان و مکانی اقتضای خاصی دارد؛ از این رو یکی از راهکارهایی که برای اجراکردن دستورهای اسلام در راستای نیازهای زمان، به آن توجه شده

ولایت فقیه، اداره حکومت و نظام سیاسی شیعه در عصر غیبت را بر عهده فقیه جامع‌الشرایط نهاده و تدبیر سعادت‌محور جامعه را از این‌گونه فقیهان خواسته است؛ از این‌رو در نظام سیاسی مطلوب شیعه در عصر غیبت، این وظیفه بر عهده ولی فقیه، به عنوان فردی که مسئولیت اداره نظام سیاسی را بر عهده دارد، نهاده شده است؛ بنابراین با توجه به ادله‌ای که به فقیه جامع‌الشرایط از طرف شارع اذن به حکومت‌کردن داده است، طبعاً نفوذ حکم او نیز مشروع و مرضی شارع خواهد بود؛ چون اذن در شیء، اذن در لوازم آن نیز خواهد بود. بر طبق چنین اذنی، هر عقل سلیمی به لزوم اطاعت از احکام حکومتی گواهی می‌دهد. مطابق این استدلال، فقیه حاکم در فرایند صدور احکام حکومتی که مبتنی بر مصالح متغیر مرتبط است، مصالح مهم جامعه و حکومت را در نظر گرفته و تسهیل در امور زندگی مردم را مد نظر قرار داده است و گره‌های کور جامعه را در جهت سامان‌بخشیدن زندگی از بین می‌برد.

با توجه به روشن‌شدن ماهیت حکم حکومتی، نکته‌ای که درباره حکم حکومتی مبهم است و درباره آن سؤال می‌شود، این است که فقیه حاکم در چه صورتی می‌تواند حکم حکومتی صادر کند؟ و ملاک صدور آن از سوی حاکم چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت احکام اسلام تابع مصالح و مفاسد واقعی‌اند که کشف ملاکات احکام، تابع قواعد و روش‌های فقهی خاصی است. حکم حکومتی نیز که پاسخگوی بخش زیادی از مسائل مستحدثه اجتماعی - سیاسی است، از این قاعده مستثنا نیست. بر این اساس و بنا بر تعریفی که از حکم حکومتی بیان شد، مصلحت جامعه مبنایی است که حاکم اسلامی بر طبق آن حکم حکومتی را صادر می‌کند که این نیز باید در

چارچوب ضوابط شرعی تشخیص داده شود؛ لذا حکم حکومتی در عرض احکام شرعی نیست؛ بلکه در طول احکام شرع قرار می‌گیرد؛ از این‌رو روشن می‌شود شناخت مصالح جامعه از سوی حاکم، به‌وضوح به مسئله شناخت ملاکات احکام بستگی دارد تا تشخیص و صدور این‌گونه احکام خارج از چارچوب ضوابط شرعی نباشد. مطابق این مدعا باید بیان کرد احکام شارع مقدس تابع مصالح، مفاسد، منافع و دفع ضرر بندگان و جوامع انسانی پایه‌ریزی و مقرر شده است و حکم حکومتی هم که در سایه مصالح عمومی جامعه صادر می‌شود، از این قاعده مستثنا نیست و تابع مصالح و مفاسد است. بنابراین ضرورت اِبتِنای احکام حکومتی بر مینا و ملاک خاصی بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه حاکم نمی‌تواند بدون ضابطه در اجرای احکام شرعی مداخله کند یا تکلیف جدیدی بر مردم تحمیل کند. حال بنا بر تعریفی که برای حکم حکومتی بیان شد، ملاک آن، یعنی علتی که حکم حکومتی بر اساس آن صادر شده است، مشتمل بر سه رکن است: ۱. باید از سوی حاکم اسلامی باشد؛ ۲. با توجه به مصالح و نیازهای جامعه باشد؛ ۳. در چارچوب شریعت باشد. بنابراین مصلحت‌های جامعه مبنایی است که حاکم اسلامی بر طبق آن حکم حکومتی را صادر می‌کند که باید در چارچوب ضوابط شرعی تشخیص داده شود، نه اینکه در عرض آنها باشد؛ بلکه باید در طول احکام شرع قرار گیرد.

بنابراین می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که مطابق منطق صدور احکام حکومتی، ولی فقیه علاوه بر آنکه باید احکام اولی و ثانوی اسلام را در چارچوب مد نظر شریعت و اصول قطعی اسلام استنباط و اجرا کند، می‌بایست قوانین متغیر شریعت و اصول قطعی اسلام را نیز استنباط و اجرا

از این رو می‌بایست به ضرورت مشورت حاکم با متخصصان توجه شود.<sup>۱</sup>

## ۱۲. آیا انقلاب ایران کودتای روحانیون علیه شاه بود و روحانیون چه نقشی در این انقلاب داشتند؟

نکته اول اینکه انقلاب اسلامی کودتای روحانیت علیه حکومت پهلوی نبود؛ چون میان انقلاب و کودتا تفاوت وجود دارد. انقلاب با چهار ویژگی شناخته می‌شود: ۱. حضور اکثر مردم، ۲. خشونت، ۳. براندازی نظم حاکم (استحاله ارزش‌های موجود)، ۴. ایجاد نظم مطلوب. البته همه مؤلفه‌های فوق در پرتو ایدئولوژی جدید و رهبری جدید صورت می‌گیرد که چنین چیزی در کودتا وجود ندارد؛ لذا آنچه در ایران رخ داد، انقلابی همه‌جانبه بود که چون مبنای آن بر اساس دین اسلام بود، به انقلاب اسلامی متصف شد.

نکته دوم اینکه اگرچه اقلشار مختلف اجتماعی در ایران در انقلاب ۱۳۵۷ حضور داشته و نقش ایفا کرده‌اند، نقش آنان در مقایسه با نقش روحانیت در رهبری انقلاب بسیار کوچک بوده است؛ بنابراین وقتی به دوران انقلاب نگاه می‌کنیم، این روحانیت بوده که در گستره و عمق، مطالبات و جمعیت بیشتری را با ارزش‌های حاکم به مبارزه دعوت کرد و هدایت و رهبری آن را بر عهده گرفت. البته باید یادآوری کرد در تحلیل از چرایی و چگونگی تحقق انقلاب اسلامی ایران و نقش روحانیت در آن، جریان‌های فکری متفاوت و مختلف، تحلیل‌های مختلف و متفاوتی ارائه کرده‌اند و در این مسیر یا نقش افراد یا نقش ساختارها را برجسته کرده یا توأمان به نقش افراد و ساختار در تحلیل

کند؛ همچنین قوانین متغیر شریعت را در مواردی که مورد نیاز جامعه است و وضعیت مادی و معنوی جامعه را که به سوی سعادت و توسعه و رفاه سوق می‌دهد نیز مد نظر قرار دهد و در فرایند استنباط و با مصلحت‌سنجی دقیق نواقص معایب و آسیب‌های احتمالی در اداره مطلوب جامعه و نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های شریعت را از بین ببرد. بر طبق این استدلال، می‌توان این‌گونه بیان کرد: حکم حکومتی که از سوی حاکم اسلامی با توجه به مصالح جامعه در چارچوب احکام شریعت برای اداره جامعه اسلامی صادر می‌شود نیز، در موضوع جواز صدور آن مصلحت‌اندیشی اخذ شده است تا جامعه اسلامی در عرصه تغییر و تبدل موضوعات که در جوامع انسانی اتفاق می‌افتد، دچار عقب‌افتادگی و اداره جامعه دستخوش معضلات نشود. بدین ترتیب می‌توان مصلحت را پایه مدیریت جامعه و مهم‌ترین ملاک صدور احکام حکومتی دانست؛ یعنی حاکم اسلامی با توجه به قوانین و خواسته‌های مجموعه دین اسلام و با توجه به نیازها و مقتضیات متغیر و گوناگون جامعه، به صدور حکم حکومتی مبادرت کند.

در پایان باید به این نکته توجه کرد که وقتی حکومت اسلامی تأسیس شد، تشخیص موضوعات برای تشخیص مصالح و مفاسد در جامعه اسلامی در اختیار ولی فقیه است؛ بنابراین ملاک صدور احکام حکومتی با توجه به مصالح جامعه است و صدور چنین حکمی منوط به وجود مصلحت اسلام و نظام و مصلحت مسلمانان است؛ بنابراین احکام حکومتی به علت اینکه مربوط به مسائل اجتماعی است، تشخیص و نحوه اعمال و اجرای این امور از سوی حاکم اسلامی یا ابزار ولایی اوست؛ لذا با توجه به تکثر و تنوع موضوعات جامعه و پیچیدگی آنها، مشورت از جایگاه مهمی برخوردار می‌شود؛

۱. برای مطالعه بیشتر رک: محمدجواد ارسطا؛ نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران؛

۱۳۹۴. علی اکبر کلانتری؛ احکام ثانوی در تشریح اسلام؛ ۱۳۷۸.

انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند. بر همین اساس برخی از تحلیلگران نقش روحانیت را آگاهانه یا ناآگاهانه نادیده انگاشته و بر نقش بازیگران دیگری غیر از روحانیت متمرکز شده‌اند؛ مثلاً تحلیلگری که با رویکرد مادی و مارکسیستی به تحلیل انقلاب اسلامی می‌نشیند، بر این باور است که در انقلاب ایران، روحانیت و حوزه علمیه نه تنها نقش‌آفرینی نکرده، بلکه نمی‌تواند نقشی در آفرینش حوادث انقلاب داشته باشد یا اگر هم نقشی می‌آفریند، به دلیل از دست دادن موقعیت اقتصادی‌اش بوده است؛ اما در تحلیل نظریه‌های مذهبی همچون نظریه آیت‌الله جوادی آملی، معتقدند بدون نقش روحانیت اصلاً چنین برخورد و مقابله‌ای با نظام سیاسی پهلوی به وجود نمی‌آمد؛ چراکه این روحانیت و حوزه علمیه بود که بار رسالت فهم و ترویج و تحکیم دین را بر عهده داشت و در این راه به عنوان نیروی مقاومت در مقابل کانون قدرت قیام کرد.

می‌توان مدعی شد امام خمینی بر اساس ایدئولوژی و رهبری جدید در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور یافت و مردم را بر اساس آن ایدئولوژی هدایت کرد که نتیجه آن این شد که مردم به نقد ارزش‌های موجود پرداختند و در صدد تحقق ارزش‌ها و هنجارهای جایگزین آن شدند. بر این اساس مشاهده می‌کنیم از سال‌های ۱۳۴۲ به بعد، به‌ویژه از سال ۱۳۴۳، جریان کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی تا سال‌های ۱۳۵۷، امام خمینی مبارزه سیاسی را به حد آشتی‌ناپذیری رساند و کار را به جایی رساند که شاه نباید در رأس هرم قدرت باشد؛ لذا می‌فرمود: «تکلیف همه مسلمین وحدت کلمه و اول اینکه این (شاه) نباشد» یا در جای دیگر می‌افزاید: «اگر این (شاه) برود، عبیدالله هم بیاید، بهتر از این است». شاه در دوران براندازی روحانیون

انقلابی، دست به تاکتیک‌هایی زد تا جلو براندازی حکومت پهلوی را بگیرد و در این راه از سه تاکتیک بهره برد: ۱. آزادسازی سیاسی، ۲. دولت نظامی، ۳. دولت شبه‌نظامی.

دولت آشتی ملی را ایجاد کرد تا به تاکتیک اول دست پیدا کند. این دولت را که مهندس جعفر شریف‌امامی پیگیری و ایجاد کرد، خواست با اعمال و اقداماتی همچون قطع رابطه دولت با حزب رستاخیز، لغو تقویم شاهنشاهی و تعطیلی قمارخانه‌ها رضایت انقلابیون را به دست بیاورد. حتی محمدرضا شاه در این دوران گفت حکومت ایران راه را برای یک دولت دموکراتیک و لیبرال هموار می‌سازد؛ اما آنان با وجود این اقدامات و فعالیت‌های نرمش‌گرایانه، موفقیت به دست نیاوردند؛ لذا در دوران دولت آشتی ملی بود که حادثه هفدهم شهریور اتفاق افتاد و دولت نظامی را ایجاد کردند و در نهایت دولت شبه‌ملی را تشکیل دادند تا شاید بتوانند جلو حرکت انقلابیون را بگیرند؛ ولی موفقیتی به دست نیاوردند و این روحانیون انقلابی بودند که در نهایت موفق شدند. گفتنی است در دوران دولت آشتی ملی بود که امام خمینی از عراق اخراج شد و به پاریس مهاجرت کرد و از این به بعد شاهد اجرای تاکتیک دوم شاه، یعنی اجرای حکومت نظامی بودیم. در این دوره بود که دولت نظامی ارتشبد از هاری به وجود آمد و شاه به ملت و انقلابیون پیام داد که مطالباتشان را پاسخ خواهد داد: «من پیام انقلاب ملت ایران را شنیدم و آنچه را که شما برای به دست آوردنش قربانی داده‌اید، تضمین می‌کنم»؛ از این رو هم شاه و هم رئیس دولت برای جلوگیری از سقوط، از روحانیون راهنمایی خواستند و دست دوستی به سوی آنها دراز کردند. ارتشبد از هاری می‌گوید: «من به نام رئیس دولت دست تقاضا به سوی آیات عظام دراز کرده، از

پیشگاه مقدسشان ارشاد و راهنمایی و کمک می‌خواهم» و شاه نیز می‌گوید: «من در اینجا از آیات عظام و علمای اعلام که رهبران روحانی و مذهبی جامعه و پاسداران اسلام، به‌ویژه مذهب شیعه هستند، تقاضا دارم تا با راهنمایی‌های خود و دعوت به آرامش و نظم برای حفظ تنها کشور شیعه جهان بکشند». بعد از اعلام نظر رئیس دولت عملاً هم اقداماتی را انجام داد و برخی از زندانیان سیاسی را آزاد کرد؛ ولی امام خمینی در مقابل نرمش‌های دولت از هاری و محمدرضا شاه موضع محکمی گرفت و روحانیونی را که از روی سادگی به بخشش شاه حکم می‌دادند، خائن معرفی و اعلام کرد «که اگر یک روحانی یک سیاسی بخواهد بگوید شاه امروز آمده است توبه کرده است، حُب دیگر ببخشید، این را مردم خائن می‌دانند». در این دوره امام خمینی به اقدامات دولت حساسیت بیشتر نشان می‌داد و به دیگران نیز توصیه می‌کرد که نسبت به اقدام آنان هوشیاری خود را از دست ندهند و بدانند که این اقدامات (از جمله دستگیری و زندانی کردن هویدا) برای تبرئه شاه از یک عمر خیانت است و ملت آگاه ایران فریب این خیمه‌شب‌بازی را نمی‌خورد.

حالا که امام خمینی به تغییر نظام پهلوی مصرّ بود، باید نظام جایگزین را معرفی می‌کرد؛ بنابراین اگرچه وی در سالیان پیش در آثار خود و در مواضع خود به نوع حکومتی که جانشین حکومت پهلوی بشود اشاره کرده بود، در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۵۷ این چنین اعلام می‌کند که تلاش خواهد کرد جمهوری اسلامی در ایران برقرار شود؛ چون هدف ما برقراری جمهوری اسلامی است و برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است و تصفیه وزارتخانه‌ها و حذف ماده‌هایی است که رضاشاه و شاه فعلی با سرنیزه در قانون گنجانده‌اند و

حذف مواد مربوط به سلطنت مشروطه است. سومین تاکتیک محمدرضا شاه برای بقای خود در مقابل انقلابیون تشکیل دولت ملی بود؛ لذا دکتر شاپور بختیار را که از اعضای جبهه ملی بود، روی کار آورد و امام آن را هم نپذیرفت و با آن هم به مبارزه برخاست تا اینکه کاملاً نظام پهلوی را برچید و نظام سیاسی جمهوری اسلامی را مستقر کرد.

درباره نقش روحانیت در انقلاب اسلامی، نه تنها باید به نقش مجتهدین و مراجع اشاره داشت، بلکه باید به نقش آفرینی‌هایی که فضلا و طلاب، یعنی کسانی که نقش مبلغان و دعوت‌گران را داشته‌اند، نیز پرداخت؛ چون بدون اشاره به فعالیت‌های آنان، برگ‌هایی از تاریخ سیاسی روحانیت در ایجاد انقلاب پنهان می‌ماند و این درحاشیه‌ماندن موجب می‌شود عده‌ای حکم صادر کنند که روحانیت در تحقق انقلاب، جمع انگشت‌شماری را آن‌هم فقط در سطح مرجع ولایی به همراه داشته است؛ اما اگر این گونه نقش روحانیت در انقلاب را توصیف و تحلیل کنیم، آن وقت می‌بینیم قشر عظیمی از این صنف در تحقق انقلاب نقش ایفا کرده است.

در انقلاب اسلامی ایران، مساجد و وعاظ مساجد، نقشی جدی در آگاه کردن مردم درباره دستگاه حاکمه و ظلم‌ها و بی‌قانونی و ضدیت با اسلام و احکام اسلامی که انجام می‌داد، داشته است؛ از جمله آن وعاظ می‌توان حاج شیخ عباسعلی اسلامی را نام برد که با همکاری جمعی از بازاریان و مردم، جمعیت پیروان قرآن را در اواسط دهه ۱۳۲۰ تشکیل داد که از بطن آن، جامعه تعلیمات اسلامی شکل گرفت. او با اینکه در دهه سی با فداپیمان اسلام و کاشانی همکاری کرده بود و چندین بار به زندان افتاده، با شروع نهضت امام خمینی نیز به فعالیت خود ادامه داد و در مساجد مختلف تهران



مستندکردن آن به اسناد انقلاب اسلامی، می‌توان به اسناد ساواک نگاهی انداخت که می‌کوشیدند آنان نتوانند علیه دولت اقداماتی انجام دهند؛ لذا چون تحریم و مواجهه علما با رفراندوم مقارن بود با ماه رمضان (هفتم بهمن ۱۳۴۱، مطابق با اول رمضان ۱۳۸۲ بود)، نخست‌وزیر در ششم بهمن، یعنی یک روز قبل از ماه مبارک رمضان، خطاب به استانداران و فرمانداران در بخشنامه‌ای اعلام کرد: «هوشیار باشید! به محض اینکه کوچک‌ترین ناراحتی‌ای پیدا شد، فوری مسببان را دستگیر کنید و به تهران بفرستید و به وعظ تذکر دهید فقط باید به امور دینی بپردازند. به محض انحراف از این دستور، با کمال شدت اقدام و متخلف را دستگیر کنید».

وعاظ و طلاب جوان انقلابی، جلساتشان را به منظور پیگیری ایده‌های امام خمینی نه تنها متوقف نکردند، بلکه با انگیزه بیشتری حرکت خود را ادامه دادند؛ لذا بعد از اینکه امام خمینی در جلسه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۲ که متشکل از نمایندگان علمای شهرستان‌ها و عده‌ای از وعاظ در منزلشان بود، اعلام کردند دولت قادر نیست برای عزاداری شیعیان محدودیت‌هایی فراهم کند؛ لذا تعدادی از وعاظ را به نقاط مختلف اعزام کردند تا علیه حکومت پهلوی تبلیغ کنند؛ مثلاً عباسعلی اسلامی از وعاظ مشهور تهران را به عراق و مکه اعزام کردند تا اعلامیه امام خمینی را به زبان‌های خارجی در میان مردم و حجاج توزیع کند یا حاج سیدمحمدرضا سعیدی را به آبادان و کشورهای قطر، کویت، بحرین و پاکستان اعزام کردند تا در آنجا علیه نظام پهلوی تبلیغ کند.

در ۵ محرم که مطابق با ۸ خرداد ۱۳۴۲ بود، سیدعبدالکریم هاشمی نژاد در مسجد مروی، بر لزوم اصرار روحانیون در وضع قوانین مملکتی طبق

مانند مسجد هدایت، بازار، سیدعزیزالله، فخرالدوله، صدریه، امیرالمؤمنین، الهادی، خاتم‌الانبیاء و پانار مجالس وعظ مختلفی برپا کرد و در آن جلسات انتقادات شدیدی علیه سیاست دولت‌های وقت کرد. یکی از آن مواردی که وعاظ و طلاب مبلغ، از جمله شیخ عباسعلی اسلامی، در انقلاب اسلامی نقش ایفا کرده‌اند، ماجرای مدرسه فیضیه است. در این باره گفته شده است که در آخرین روزهای اسفند ۱۳۴۱، تعدادی از وعاظ مشهور از جمله شیخ عباسعلی اسلامی به قم آمدند و در مدرسه فیضیه با طلاب به تصمیم‌گیری پرداختند. امام خمینی درباره نقش شیخ عباسعلی اسلامی، یکی از وعاظ و مبلغین در حوادث انقلاب اسلامی از جمله بهمن ۱۳۴۱ که مصادف بود با لیالی قدر و اینکه رژیم پهلوی دوم نتوانست مانع از تبلیغ و رسالت و فعالیت آنان شود، می‌گوید رژیم پهلوی در تهران مانع او شد و نگذاشت او منبر برود تا حقایق را بیان کند؛ ولی او به بندر انزلی (بندر پهلوی) رفته، در مسجد قائمیه آن شهر به سیاست‌های حکومت پهلوی حمله کرد و شدت حملات و انتقادهای وی چنان بود که دستگاه ساواک وی را بلافاصله دستگیر و چند هفته زندانی کرد.

حجت‌الاسلام فلسفی در جریان حوادث انقلاب اسلامی، از جمله در حادثه تحریم رفراندوم (انقلاب سفید شاه - ملت) حضوری جدی داشت. فلسفی در منزل آیت‌الله بهبهانی پشت تریبون رفت و با جملاتی شدید از نظام پهلوی انتقاد کرد و انقلاب شاه و ملت را بر خلاف قرآن مجید و تجاوز به امام زمان دانست. یک روز بعد از رفراندوم، فلسفی از منبر رفتن در مسجد سیدعزیزالله منع شد و بسیاری از وعاظ تهران دستگیر شدند.

درباره اهمیت و نقش وعاظ در نقش‌آفرینی حوادث انقلاب اسلامی و

قانون اساسی تأکید می‌کرد و شیخ علی‌اصغر مروارید یکی دیگر از وعاظ تهران در ۶ محرم ۱۳۴۲ در هیئت اصفهانی‌ها در تهران، شدیداً از عملکرد دولت انتقاد کرد و اظهار داشت از مراجع تقلید دستور دارد از امشب علیه دستگاه جبار و هیئت حاکمه قیام کنند.

بعد از تبعید امام خمینی، حرکت‌های اسلامی و مخالفت با حکومت و حمایت از رهبری امام خمینی نه تنها به پایان نرسید، بلکه مراجع و فقها به مناسبت سالگرد حوادثی نظیر فاجعه مدرسه فیضیه قم یا مناسبت‌های مذهبی، راه انقلابیون را ادامه می‌دادند یا از طرق برگزاری مجامعی مثل تشکیل مجمعی در مسجد جمکران در شب‌های پنجشنبه و جمعه، یا مجمعی در مسجد الجواد تهران و مسجد هدایت تهران؛ همچنین شهید باهنر با تشکیل جلسات هفتگی از سال ۱۳۴۶ در مکتب حسین که به صورت سیار در منازل شخصیت‌های مذهبی در تهران برگزار می‌شد، سخنرانی می‌کرد و به بهانه جلسات تفسیر قرآن کریم، دست به افشاگری و مخالفت علیه سیاست‌های پهلوی دوم می‌زد؛ البته سندی از اسناد ساواک نمایانگر این مطلب است که اولاً این چنین جلساتی در سرتاسر ایران برگزار می‌شده است و فقط محدود به تهران نبوده و نمی‌شده است؛ ثانیاً هدف از این جلسات، طرفداری از امام خمینی و مبارزه با حکومت بوده است. مؤید گفتار ما این گزارش ساواک است که در آن این چنین آمده است: «جلسات مذهبی که در پوشش تفسیر قرآن در گرمه تشکیل می‌گردد و در اصل، هدف تشکیل دهندگان آن، طرفداری از خمینی و ایجاد روح بدبینی نسبت به دولت می‌باشد، کماکان ادامه دارد».

کلام آخر درباره نقش روحانیت در رویش، پویش و فرجام انقلاب

اسلامی ایران را با این کلام از امام خمینی به پایان می‌رسانیم که امام در زمینه نقش روحانیت در بسیج انقلابی توده‌ها، در یکی از مصاحبه‌های خویش با حامد الگار این چنین می‌گوید:

در تمام مراحل، روحانیت نقش اول [را] داشت... همه اینها بودند؛ لکن آنکه ملت را بسیج کرد، آن روحانیون بودند؛ یعنی هر محله‌ای یک مسجد یا چهار مسجدی که دارد، چهار تا روحانی دارد، مردم به آن اعتقاد دارند... اگر این روحانیت را از این نهضت از اول بر می‌داشتیم، اصلاً نهضتی نمی‌شد، مردم به کس دیگری گوش نمی‌دادند...

یا جان استمپل، از وابستگان سفارت آمریکا در ایران، در کتاب خود درباره نقش روحانیت در انقلاب اسلامی ایران می‌نویسد: «یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش توده است. در کشور ۳۵ میلیونی ایران تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی وجود دارند. سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر، از طریق شبکه مسجد انجام می‌گرفت که توسط روحانیون رده بالا سازمان می‌یافت».<sup>۱</sup>

### ۱۳. منظور از قید مطلقه در ولایت مطلقه فقیه چیست؟

بایستی میان مفهوم مطلقه در عبارت ولایت مطلقه فقیه و مفهوم مطلقه در حکومت‌های مطلقه تفکیک قائل شد. ولایت مطلقه فقیه، به معنای آزاد و

۱. برای مطالعه بیشتر رک: رضا عیسی‌نیا؛ تجربه سیاست‌ورزی حوزه علمیه قم از ۱۳۵۷؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (در دست انتشار).

رها بودن فقیه و مستبد به رأی بودن وی نیست؛ بلکه در مقابل ولایت مقیّده است که اختیارات ولی فقیه را به امور حسبه محدود می‌کند؛ اما مطلقه به این معناست که ولایت فقیه همه شئون را دارد که معصومین (علیهم‌السلام) از آن جهت که حاکم‌اند، داشته‌اند. توضیح اینکه معصومین (علیهم‌السلام) شئون مختلفی همچون امامت و زعامت دینی و ولایت سیاسی دارند. از دیدگاه امام خمینی، شأن ولایت سیاسی معصومین (علیهم‌السلام) و گستره اختیاراتشان بر اساس فضیلت شخصی ایشان نبوده؛ بلکه به میزانی بوده که یک حاکم اجتماعی، برای اداره جامعه نیازمند اختیارات است؛ بنابراین همچنان‌که تفاوت فضیلت پیامبر اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع)، ارتباطی با حوزه اختیاراتشان به عنوان حاکم ندارد، تفاوت فضیلت ولی فقیه با معصومین نیز دخلی به حوزه اختیارات وی به عنوان حاکم ندارد.

اصل ۵۷ قانون اساسی به ولایت مطلقه اشاره دارد. بر این اساس از سوی برخی این پرسش مطرح شده است که ولایت مطلقه فقیه به معنای حاکمیت بی‌چون و چرای یک فقیه بر جامعه اسلامی است و این شیوه از حکومت، فرقی با حکومت دیکتاتوری ندارد؛ از این رو برخی تلاش کرده‌اند ولایت فقیه را با حکومت مطلقه یکی بدانند و آن را مشابه حکومت‌های استبدادی و مطلقه بدانند.

به نظر می‌رسد آن چیزی که منشأ تلقی ناصواب از اصطلاح ولایت مطلقه فقیه شده، شباهت لفظی آن با حکومت مطلقه است. در تعریف حکومت مطلقه چنین آمده: «گونه‌ای از حکومت که در آن اراده شخص حاکم، مافوق همه چیز و همه کس است و حاکم با اراده شخصی می‌تواند قوانین را ملغی و بی‌اثر سازد، نوع نظام و حکومت را تغییر دهد و در همه قوای عمومی کشور

هرگونه که خواست، دخالت کند؛ بلکه اراده و خواست او عین قانون است». این تشابه لفظی نیز سبب شده است برخی ولایت مطلقه را با حکومت مطلقه استبدادی یکسان قلمداد کنند. حال آنکه نظام مبتنی بر ولایت فقیه از چنین چیزی مبرا است؛ چنان‌که به وضوح در کلام بنیان‌گذار نظام ولایت فقیه نیز به آن اشاره شده است و صریحاً حکومت از نوع مطلقه را مردود شمرده است. حضرت امام در تبیین آن چنین می‌فرماید:

حکومت اسلامی نه استبدادی، نه مطلقه بلکه مشروطه است؛ البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی. مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا مقید به مجموعه شرایطی هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است.

در کلامی دیگر از حضرت امام، درباره حیطه اختیارات ولی فقیه چنین آمده است: «تمامی اختیاراتی که در زمینه حکومت و سیاست برای پیامبر اکرم (ص) و ائمه (علیهم‌السلام) ثابت است، برای فقیه عادل نیز ثابت است». با توجه به این جملات، می‌توان بر اساس ملازمه عقلی میان اختیارات پیامبر و ائمه و ولی فقیه، حیطه اختیارات ولی فقیه را استنباط کرد و اگرچه حضرت امام به کلمه ولایت مطلقه در سخنانش اشاره‌ای نکرده است، ولی می‌توان استنباط کرد مقصود از ولایت مطلقه همان اختیاراتی است که در این عبارت بیان شده است؛ زیرا معقول نیست فقیه (که شخصی غیر معصوم است) در زمینه حکومت و سیاست اختیاراتی بیشتر از معصوم ۷ داشته باشد؛ پس هرگاه تمام اختیارات حکومتی امام معصوم ۷ برای فقیه نیز اثبات شد، همان

مصدق ولایت مطلقه خواهد بود؛ زیرا بالاتر از این مقدار دیگر اختیاراتی وجود ندارد که آن را مطلقه بدانیم. مطابق این ملازمه عقلی، آنچه به روشنی قابل استناد است، این است که تنها تمامی اختیارات پیامبر ۹ و ائمه علیهم‌السلام در زمینه امور حکومتی و سیاسی برای فقیه ثابت است؛ ولی اگر جز این مورد، اختیاراتی برای آن حضرات علیهم‌السلام ثابت باشد، برای فقیه ثابت نخواهد بود؛ زیرا آن چیزی که در دین اسلام به لحاظ عقلی و نقلی برای پیامبر اکرم ۹ و ائمه علیهم‌السلام درباره اختیارات آنان ثابت شده است، از یک سو به دلیل برخورداری از مقام عصمت است که بر اساس آن بر مردم ولایت دارند و از سوی دیگر به دلیل دارا بودن منصب رهبری و سرپرستی جامعه است؛ لذا ولایت خود را در این زمینه اعمال می‌کنند؛ بنابراین مطابق این استدلال، قلمرو اختیارات ولایت پیامبر و ائمه با دیگران فرق دارد؛ به این صورت که آنان بر اساس مقام عصمت خود، مجاز به تصرف در امور خصوصی مردم بودند و ولایت بر اموال و جان‌های آنان داشتند؛ یعنی می‌توانستند به مردم در امور شخصی‌شان امر و نهی کنند؛ مثلاً به کسی دستور دهند همسرش را طلاق دهد یا اموالش را بفروشد یا شغل معینی را عهده‌دار شود؛ اما بر اساس ولایت و حکومت خود بر جامعه، فقط مجاز به تصرف در امور عمومی مردم‌اند؛ چراکه حکومت، اصولاً عهده‌دار تنظیم امور اجتماعی مردم است؛ یعنی اموری که ناشی از زندگی اجتماعی است.

حال درباره ولی فقیه، از این دو قسم ولایتی که برای پیامبر و ائمه ثابت شده است، فقط قسم دوم، یعنی ولایت ناشی از مقام حکومت و سرپرستی جامعه که یک ولایت جعلی اعتباری است، به فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت منتقل شده است و معقول نیست فقیه در زمینه حکومت و سیاست

اختیاراتی بیشتر از معصوم داشته باشد. پس هرگاه تمام اختیارات حکومتی امام معصوم را برای فقیه اثبات کردیم، همان مصداق ولایت مطلقه خواهد بود؛ زیرا بالاتر از این مقدار دیگر اختیاراتی وجود ندارد که آن را مطلقه بدانیم. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که مراد از ولایتی که به فقیه داده شده است، آن ولایت الهی‌ای نیست که برای معصوم وجود دارد؛ بلکه فقط ولایت ناشی از مقام حکومت و سرپرستی جامعه است که به فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت منتقل شده است؛ چنان‌که حضرت امام نیز تصریح می‌کند: «منظور از ولایتی که به فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت انتقال پیدا کرده است، ولایت کلیه الهیه نیست».

بنابراین با توجه به استدلال‌هایی که بیان شد، ولایت مطلقه به هیچ وجه به معنای حکومت مطلقه نیست؛ زیرا حکومت مطلقه یعنی حکومتی که پایبند به اصول قانونی نیست و هر زمان که بخواهد، به حقوق اتباع خود تجاوز می‌کند؛ درحالی‌که ولایت مطلقه چنین نیست و مطابق دیدگاه امام ولایت فقیه دست‌کم دو شرط مهم دارد:

۱. لزوم رعایت محدوده امور عمومی و اجتماعی؛ زیرا فقیه در این محدوده یعنی منطقه امور خصوصی و شخصی ولایتی بر مردم ندارد.
۲. لزوم رعایت مصالح عمومی مردم؛ زیرا اصولاً تشریح ولایت برای حفظ مصالح اشخاص تحت ولایت است، نه تأمین مصلحت و منفعت ولی.

حضرت امام در این باره بیان می‌کند:

اسلام بنیان‌گذار حکومتی است که در آن نه شیوه استبداد حاکم است که آرا و تمایلات نفسانی یک تن را بر سراسر جامعه تحمیل کند و نه شیوه مشروطه و جمهوری که متکی بر قوانینی باشد که

اداره و رهبری جامعه است. بنابراین قلمرو آن تنها امور حکومتی و عمومی جامعه است و در نتیجه امور خصوصی و شخصی افراد را در بر نمی‌گیرد. مطابق این دیدگاه، ولایت مطلقه حداقل دو قید مهم دارد: «محدود بودن به امور عمومی» و «لزوم رعایت مصالح عمومی»؛ در نتیجه ولایت مطلقه با حکومت مطلقه که به معنای حکومت استبدادی است، کاملاً متفاوت است.

آن چیزی که تا کنون بیان شد، استدلال‌های عقلی درباره اختیارات ولی فقیه به منظور تبیین قید مطلقه بود؛ اما درباره حیطه اختیارات ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران و تبیین قید مطلقه در اصل ۵۷، می‌توان گفت اگرچه در این اصل به ولایت مطلقه اشاره شده است، این به معنای بی‌حدومرز بودن نیست؛ بلکه دامنه قدرت ولی فقیه در اصول دیگر قانون اساسی، به دو شکل محدود شده است: یکی اصل چهارم، یعنی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد» و دیگری مکانیسم‌های نظارتی بر ولایت فقیه است که دو مکانیسم نظارتی در این زمینه وجود دارد: یکی شرط عدالت که به مثابه نظارت درونی است و دیگری مجلس خبرگان رهبری که وظیفه نظارت بر رهبری را دارد.<sup>۱</sup>

گروهی از افراد جامعه برای تمامی آن وضع می‌کنند؛ بلکه حکومت اسلامی نظامی است ملهم و منبعث از وحی الهی که در تمام زمینه‌ها از قانون الهی مدد می‌گیرد و هیچ‌یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه را حق استبداد رأی نیست. تمام برنامه‌هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شئون و لوازم آن، برای رفع نیازهای مردم به اجرا در می‌آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی حتی درباره اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری و ساری است. بلی این نکته را باید بیفزاییم که حاکم جامعه اسلامی می‌تواند در موضوعات بنا بر مصالح کلی مسلمانان یا بر طبق مصالح افراد حوزه حکومت خود عمل کند. این اختیار هرگز استبداد به رأی نیست؛ بلکه در این امر، مصلحت اسلام و مسلمانان است.

بنابراین مطابق دیدگاه تئوریکین نظام ولایت فقیه، در واقع آنچه در نظام ولایتی حاکم است، احکام و قوانین اسلامی است که ولی فقیه حق ندارد رأی و نظر شخصی خود را در احکام الهی دخالت دهد. بر این اساس «مطلق بودن» هرگز به معنای نامحدود بودن ولایت فقیه نیست؛ بلکه اختیارات او مقید به موازین اسلام و محدود در چارچوب فقه و شریعت و مصالح امت می‌شود؛ چنان‌که حضرت امام خمینی به صراحت می‌فرماید: «شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد. در اسلام قانون حکومت می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ هم تابع قانون بود؛ یعنی تابع قانون الهی». بنا بر آنچه از ادله در این باره به دست می‌آید، این‌گونه می‌توان استدلال کرد که مقصود از اطلاق ولایت، بی‌قید و شرط بودن نیست؛ چون اصل تشریح این اختیارات فقط برای

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمدجواد ارسطو؛ نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران.

## فصل دوم

### عملکرد داخلی نظام جمهوری اسلامی

در این فصل به مهم‌ترین پرسش‌هایی که ناظر به سیاست داخلی جمهوری اسلامی توسط مخاطبان مطرح شده پرداخته می‌شود. ارائه آمارهای این فصل بر اساس منابع رسمی است و طبیعی است که توضیح بیشتر درباره هر یک از سوالات نیاز به مجال بیشتری دارد که در این فصل به صورت اختصاری به آن پرداخته شده است.

#### ۱. وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

پس از تشکیل سازمان ملل در سال ۱۹۴۵، شورای اقتصادی و اجتماعی – که یکی از هفت رکن اصلی سازمان است – مطابق ماده ۶۸ منشور در فوریه ۱۹۴۶ کمیسیون حقوق بشر را تأسیس کرد. این کمیسیون توانست پس از دو سال بحث و بررسی در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برساند. این سند که مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده است، سندی الزام‌آور نیست؛ به همین دلیل با تلاش‌هایی که برای تصویب اسناد الزام‌آور بین‌المللی صورت گرفت، در ۱۶

دسامبر ۱۹۶۶ دو میثاق بین‌المللی «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده است، در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا گردیده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فصل مستقلی با عنوان «حقوق ملت» پیش‌بینی شده است که در ۲۴ اصل، حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی طبقات مختلف اجتماعی شامل گروه‌های زبانی، مذهبی، نژادی و قومی به رسمیت شناخته شده است و طبق این اصول، تمام شهروندان اعم از زن و مرد از حمایت یکسان حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند و این موضوع، سنگ بنای نظام جمهوری اسلامی در زمینه ارجح‌نهادن به حقوق بشر است. جمهوری اسلامی ایران اسناد بین‌المللی را که به‌نحوی به حقوق اقلیت‌ها و عدم اعمال تبعیض درباره آنها پرداخته‌اند، تصویب کرد و به اجرای مفاد آنها متعهد است؛ از جمله این اسناد می‌توان به منشور ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات نسل‌کشی، کنوانسیون بین‌المللی رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون حقوق کودک، مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار و کنوانسیون رفع تبعیض در امر آموزش (یونسکو) اشاره کرد.

علاوه بر اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی، اصل سیزدهم قانون اساسی بر آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیمات دینی اقلیت‌های رسمی تأکید نموده است. اقلیت‌های دینی می‌توانند برای انجام مراسم دینی خود از تعطیلات استفاده نمایند. مطابق بخشنامه مورخ ۳ دی ۱۳۶۶ سازمان

امور اداری و استخدامی کشور، تعطیلات خاص برای زرتشتیان پنج روز، یهودیان شش روز، مسیحیان آشوری هشت روز، مسیحیان ارمنی کاتولیک هفت روز و مسیحیان ارمنی گریگوری شش روز پیش‌بینی شده است. در گستره ایران برای مسیحیان با جمعیت حدود ۱۲۰ هزار نفر دارای ۲۵۰ کلیسا (هر ۴۰۰ نفر یک کلیسا)، برای یهودیان هشتاد کنیسه با جمعیت حدوداً هفت هزار نفر وجود دارد که به ازای هر نود نفر یک کنیسه وجود دارد. به ازای هر پانصد نفر از هموطنان اهل سنت یک مسجد وجود دارد؛ همچنین در کل کشور حدود شصت هزار مسجد اهل تشیع وجود دارد که به ازای هر ۱۱۰۰ نفر، یک مسجد اختصاص دارد. بر اساس قانون احزاب، انجمن‌های اقلیت‌های دینی تأسیس می‌شوند که به مسائل فرهنگی، اجتماعی، عبادی و اقلیت‌های دینی می‌پردازند و تاکنون ۵۷ انجمن اقلیت دینی از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب مجوز فعالیت گرفته‌اند. چندین دوره گفتگوی بین دینی با محور همزیستی مسالمت‌آمیز، یعنی گفتگو با مسیحیان کاتولیک، گفتگو با مسیحیان پروتستان و ارتدکس و گفتگو با ارامنه ایران تحت عنوان «همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان و مسیحیان ارمنی» همه ساله از سوی وزارت ارشاد و سازمان فرهنگ و ارتباطات برگزار می‌شود. هفت نشریه ارامنه به نام‌های روزنامه آلیک، فصلنامه پیمان و ماهنامه‌های آراکس، آارات، آپاگا آینده، ماهنامه لویس نور و دو هفته‌نامه هویس به زبان ارمنی و فارسی در تهران منتشر می‌شوند. انتشارات کانون یوحنا متعلق به کلیسای کاتولیک کلدانی نیز از ناشران معتبر متون مربوط به مسیحیت هستند. جامعه آشوریان نیز ماهنامه پیام آشوریان را منتشر می‌کند. هفت نشریه مختص اقلیت زرتشتی مانند هفته‌نامه ۱ مرداد، ماهنامه پارس امروز، پارس‌نامه، ماهنامه فروهر و چیستا

رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است. در این زمینه، تدریس زبان آذری در دانشگاه تبریز و زبان کردی در دولت یازدهم عملی شد.<sup>۱</sup>

## ۲. در قانون اساسی ایران حقوق اقلیت‌های مذهبی (اهل سنت) چگونه ترسیم شده است؟

منظور از اقلیت‌های مذهبی، اقلیت‌هایی هستند که به یکی از مذاهب اسلامی غیر از شیعه اثناعشری معتقدند که در اصل دوازدهم قانون اساسی از آنها (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی) و زیدی نام برده شده است. این مذاهب در قانون اساسی حقوق ذیل را دارا می‌باشند:

### الف) برابری حقوق با دیگر افراد عضو «جامعه ایران»

قانون اساسی در بخش اعظم اصول مربوط به حقوق افراد و آزادی‌ها، از فرد بدون تمایز خاص (حتی زن و مرد یا با اعلام هر دو) سخن می‌گوید؛ بنابراین محمول آن همه ملت و از جمله اقلیت‌های دینی بوده است؛ اما دست‌کم در اصول ۱۹ و ۲۰ به صراحت از این برابری یاد می‌شود. در اصل نوزدهم آمده است «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» و در اصل بیستم پس از تأکید حمایت یکسان قانون از «افراد ملت»، با قید «رعایت موازین اسلام» برخورداری یکسان از حقوق انسانی، سیاسی،

مشغول به فعالیت هستند. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده می‌توانند انتخاب نمایند. بر طبق اصل ۶۴ قانون اساسی اقلیت‌های دینی صاحب پنج کرسی نمایندگی در مجلس شورای اسلامی هستند که با توجه به جمعیت حدود ۲ دهم درصد (کمتر از نیم درصد)، ۱۵۰ هزار نفر می‌باشند که در واقع به ازای هر سی هزار نفر یک نماینده دارند. در صورتی که مسلمانان در جمعیت هشتاد میلیون نفری، صاحب ۲۸۵ کرسی نمایندگی بوده و به ازای هر ۲۸۰ هزار نفر صاحب یک نماینده هستند (۲۸۰ هزار نفر در برابر سی هزار نفر).

به منظور تقویت همبستگی ملی و توجه جدی به اقلیت‌های دینی، همواره کمک‌های مالی دیگری نیز برای تقویت تشکل‌های خود از سوی دولت دریافت می‌کنند. بر اساس تصویب مجلس شورای اسلامی، در بودجه سالانه ردیفی برای مساعدت مالی به اقلیت‌های دینی در نظر گرفته شده است. دانش‌آموزان اقلیت‌های دینی از تعطیلات اعیاد مذهبی خود استفاده می‌کنند و بنا به تقاضای نماینده کلیمیان، روزهای شنبه برای مدارس خاص کلیمی تعطیل گردیده است (تعطیلات آخر هفته در ایران پنجشنبه و جمعه است). در حال حاضر پنج مدرسه یهودیان، ۳۸ مدرسه زرتشتیان و بیش از پنجاه مدرسه خاص ارمنه و سایر مسیحیان فعالیت دارند؛ همچنین اقلیت‌های دینی طبق تبصره ۳ ماده ۳ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، می‌توانند مدارس غیرانتفاعی ایجاد کنند. اصول ۱۵، ۲۰، ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی در ارتباط با موضوع هویت قومی است. طبق اصل پانزدهم، زبان و خط رسمی کشور فارسی است؛ اما استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و

۱. محمدامین رضازاده؛ همایش «حقوق بشر؛ مسئولیت همگانی»؛ خبرگزاری مهر.



در مجموعه «انجمن‌های اسلامی» جای داده است؛ لذا حق انتخاب‌کردن برای اقلیت‌های مذهبی و مشارکت سیاسی آنها هم مطابق اصول متعدد قانون اساسی (اصل ششم، اصل سوم، بند هشتم و اصل بیستم)، همانند دیگر آحاد جامعه است و تفاوتی ندارد.

### ۳. جمهوری اسلامی ایران در برابر اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه اهل سنت چه عملکردی داشته است؟

عمده جمعیت اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان در شرق کشور، حنفی‌مذهب هستند. شهرهای زاهدان، چابهار، ایرانشهر، خاش، سراوان، سرباز و کنارک بیشترین جمعیت اهل تسنن در این استان را در خود جای داده‌اند. رتبه دوم از نظر سکونت اهل سنت، استان کردستان در غرب ایران، هم‌مرز با عراق است. بیشتر اهل سنت این استان، شافعی‌مذهب و ساکن شهرهای سنندج، سردشت، مریوان، بانه و نقده هستند. مهاباد آشنویه و... در استان آذربایجان غربی در غرب ایران هم‌مرز با عراق و ترکیه نیز پذیرای بخش دیگری از اهل سنت در ایران است. ترکمن‌های اهل سنت در بندر ترکمن و در شمال شرقی ایران، یعنی استان گلستان زندگی می‌کنند. عمده پیروان اهل سنت در این استان ترکمن هستند.

بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی و با اهتمام جدی نظام جمهوری اسلامی، نه‌تنها هیچ مانعی برای تعلیم و تربیت دینی اهل سنت وجود ندارد، بلکه تلاش همواره بر این بوده تا زمینه و امکانات لازم برای تحصیل علوم دینی اهل سنت فراهم شود. نگاهی گذرا به آمار مقایسه‌ای ایجاد مدارس علوم دینی در مناطق مختلف سنی‌نشین کشور دلیل روشنی بر این موضوع

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای همگان به‌طوریکسان مقرر می‌دارد. این دو اصل، بر تساوی «مردم ایران» و حقوق آنان تأکید دارد و تفاوت‌های «رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها» را سبب امتیاز نمی‌داند و طبعاً در زمره «مانند اینها» باید تفاوت دینی و مذهبی را نیز جای داد.

### ب) آزادی عقیده و انجام شعایر مذهبی

قانون اساسی در اصل دوازدهم به این حق اقلیت‌های مذهبی توجه کرده و متذکر می‌شود پیروان مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خود آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعای مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند. در یکی از آرای وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۶۳ به ماده واحده «اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم» اشاره شده و در آن رأی آمده است که «جز در مواردی که مقررات راجع به انتظامات عمومی باشد، باید «قواعد و عادات مسلمة و متداول در مذهب آنان در دادگاه‌ها» رعایت شود؛ بنا بر این، قانونگذار ضمن توجه به آزادی عقاید پیروان مذاهب غیرشیعه اثناعشری، آزادی ابراز آنها و تعلیم و انتقال آن به فرزندان اقلیت‌های مذهبی، در روابط میان آنان، به اجرای احکام مذهب خود حکم داده است.

### ج) حقوق اجتماعی و سیاسی

اصل بیست‌وششم قانون اساسی در سخن‌گفتن از «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده» از اقلیت‌های مذهبی سخن به میان نمی‌آورد و ظاهراً این حق را

قبل از انقلاب در این استان از سیصد نفر تجاوز نمی‌کرده است. هم‌اکنون عالی‌ترین سطوح دینی در حوزه‌های علمیه اهل سنت سیستان و بلوچستان تدریس می‌شود. در کنار مدارس علوم دینی اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان، مؤسسات و کانون‌های فرهنگی نیز فعال هستند. کتابخانه‌های مجهز سالن‌های مطالعه، خدمات بی‌نظیری را به اهل سنت ارائه می‌دهد. یکی دیگر از مسائل مهم در بررسی حقوق اقلیت‌ها، آزادی آنان در انجام مراسم مذهبی و آیینی است. در حال حاضر در کشور قریب به سیزده هزار مسجد متعلق به اهل سنت وجود دارد که با یک محاسبه ساده می‌توان گفت به ازای هر پانصد نفر سنی یک مسجد وجود دارد. بیشترین مسجد در استان سیستان و بلوچستان فعال است.

بنا بر بررسی‌های آماری تطبیقی از نشریه‌های اهل سنت ایران و نیز آمارهای مساجد به‌دست‌آمده توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی استان‌ها، بیشترین میزان این مساجد به استان سیستان و بلوچستان با ۳۷۰۰ مسجد و پس از آن کردستان و آذربایجان غربی با ۲۰۰۰ و ۱۵۰۰ مسجد است. استان‌های هرمزگان با ۱۲۰۰، گلستان با ۱۵۶۰، خراسان (مجموعه سه استان) با ۷۴۶، کرمانشاه با ۴۲۰، بوشهر با ۱۳۵ و گیلان با ۹۵ مسجد در رتبه‌های بعدی تعداد مساجد قرار دارند و در استان‌های فارس ۲۹۰، کرمان و خوزستان هم هموطنان اهل سنت تعدادی مسجد دارند. این در حالی است که در قبل از انقلاب در زاهدان فقط یازده مسجد اهل سنت بوده است.

از نظر استخدام در نهادها و اداره‌های دولتی و حکومتی نیز هیچ محدودیتی بر سر راه اهل سنت نیست؛ همچنان‌که بسیاری از مسئولان شهری و استانی در مناطق سنی‌نشین در اختیار برادران اهل تسنن است؛ افزون بر

است، تا جایی که در برخی استان‌ها به نسبت جمعیت مدارس علوم دینی اهل سنت، چندین برابر حوزه‌های علمیه شیعیان است. برای رفع دغدغه معیشت طلاب علوم دینی اهل سنت، آنان تحت پوشش خدمات رفاهی قرار دارند؛ از جمله این خدمات بیمه عمر، بیمه تکمیلی، اعطای تسهیلات بانکی، وام ازدواج، سهمیه عمره، بن معیشت طلاب متأهل، تجهیز مدارس به رایانه و تجهیز کتابخانه مدارس و... است. محصلان مدارس دینی اهل سنت، معاف از خدمت سربازی می‌باشند و مدرک فارغ‌التحصیلی معتبر به فارغ‌التحصیلان اعطا می‌شود.

در دوران پیش از انقلاب تعداد مدارس علمیه در استان سیستان و بلوچستان محدود بوده و از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد و علاقه‌مندان به تحصیل علوم دینی برای فراگیری این علوم، اغلب به کشورهای هندوستان و پاکستان مهاجرت می‌کردند. کیفیت مدارس دینی نیز به دلیل محدودیت‌های مختلف و کمبود علمای برجسته در حد پایینی بود.

پیروزی انقلاب اسلامی و رشد روزافزون مدارس دینی در استان سیستان و بلوچستان باعث شد طالبان علوم دینی از مهاجرت به کشورهای خارجی برای فراگیری علوم دینی بی‌نیاز شوند و مدارس متعددی در شهرهای مختلف استان راه‌اندازی شود. هم‌اکنون شمار مدارس دینی و حوزه‌های علمیه در استان به بیش از صد واحد می‌رسد. رشد کیفی حوزه‌های علمیه باعث شده است بسیاری از هموطنان اهل سنت از نقاط مختلف کشور و حتی کشور افغانستان و ایالت بلوچستان پاکستان برای تحصیل علوم دینی به مراکز دینی ایران مراجعه کنند. تعداد محصلان علوم دینی در این استان هفت هزار نفر تخمین زده می‌شود؛ این در حالی است که رقم محصلان علوم دینی

#### ۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه حقوقی برای اقلیت‌های دینی در نظر گرفته است؟

قانون اساسی ایران، سه اقلیت دینی کلیبی، مسیحی و زرتشتی را به رسمیت می‌شناسد. مهم‌ترین حقوقی که اقلیت‌های دینی بنا بر قانون اساسی از آن برخوردارند، عبارت‌اند از:

##### الف) برابری حقوق با دیگر آحاد جامعه

قانون اساسی در بخش اعظم اصول مربوط به حقوق افراد و آزادی‌ها از فرد بدون تمایز خاص (حتی زن و مرد و یا با اعلام هر دو) سخن می‌گوید و بنابراین محمول آن همه ملت و از جمله اقلیت‌های دینی بوده است. اما دست‌کم در اصول ۱۹ و ۲۰ به‌صراحت از این برابری یاد می‌شود. در اصل نوزدهم آمده است که «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» و در اصل بیستم پس از تأکید حمایت یکسان قانون از «افراد ملت»، با قید «رعایت موازین اسلام» بر خورداری یکسان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای همگان به‌طوریکسان مقرر می‌دارد.

##### ب) آزادی در پایبندی به عقاید دینی خود و عمل به شعایر آن

اصل سیزدهم قانون اساسی به بیان حق اقلیت‌های دینی اختصاص یافته و در آن مقرر شده است اقلیت‌های دینی شناخته‌شده، با رعایت «حدود قانونی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات

آن امکان حضور اهل تسنن در نهادهای نظامی، اطلاعاتی و امنیتی نیز قابل توجه است. هم‌اکنون بیش از پنج هزار نفر از برادران اهل سنت تنها در سپاه کردستان عضو هستند. طبق برخی آمارها بیش از ۶۰٪ بخشداران و نزدیک به ۹۸٪ اعضای شوراهای شهر و روستا در استان سیستان و بلوچستان اهل سنت می‌باشند. شمار درخور توجهی از شهرداران سنی‌مذهب هستند و برخی فرمانداران، برخی مدیران کل و حتی معاونان استاندار از برادران اهل سنت هستند. بسیاری از مدیران مناطق و مدارس و از آموزگاران استخدام‌شده توسط وزارت آموزش و پرورش در استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان از اهل سنت می‌باشند. ۹۰٪ اعضای شوراهای حل اختلاف از معتمدان اهل سنت در مناطق سنی‌نشین انتخاب و توسط دادگستری استان‌ها برای آنها حکم صادر شده است. فارغ‌التحصیلان حقوق اهل سنت به تعداد لازم توسط قوه قضائیه انتخاب می‌شوند و در محاکم به عنوان دادیار، بازپرس و قاضی به خدمت اشتغال دارند.

هم‌اکنون در مجلس شورای اسلامی، بیست نفر از نمایندگان اهل سنت هستند. اهل سنت در مجلس خبرگان رهبری نیز حضور دارند. در این مقوله اقلیت‌های مذهبی از حق دیگری نیز برخوردار می‌باشند و آن اینکه در صورت اکثریت‌داشتن در منطقه‌ای خاص و تشکیل شورای اسلامی، آن منطقه می‌تواند به اجرای احکام شرع مطابق مذهب خود بپردازد. در اصل دوازدهم قانون اساسی آمده است: «در هر منطقه که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب»؛ لذا امکان اجرای اجتماعی و عمومی احکام مذهب آنها نیز فراهم است.

دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند». در این اصل منظور از احوال شخصیه باید همان باشد که در اصل پیشین (اصل دوازدهم) آمده است و شامل ازدواج، طلاق، ارث و وصیت می‌شود. منظور از تعلیمات دینی هم باید آموزش تعالیم دینی اقلیت مربوطه در مدارس یا مراکز خاص آن اقلیت باشد.

### ج) حقوق اجتماعی و سیاسی اقلیت‌های دینی

تشکیل انجمن‌ها و نهادهای مختلف برای پیشبرد اهداف و آمال دینی اقلیت‌ها، البته با قیودی که برای همه شهروندان وجود دارد، در قانون اساسی مقرر شده است. در اصل بیست‌وششم و در بیان آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های اسلامی، از انجمن‌های اقلیت‌های دینی نیز سخن به میان آمده است. این حقی است که از آن به «آزادی تشکل و حزب» نام برده می‌شود؛ همچنین درباره عضویت اقلیت‌های دینی در انجمن‌ها و اصناف نیز قانون اساسی منعی را روا نکرده است. غیر از تشکیل جمعیت و انجمن، اقلیت‌های دینی می‌توانند در تشکل‌های موجود نیز وارد شوند و به فعالیت بپردازند (البته در مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی به این نکته تصریح شده است).

از سوی دیگر، با توجه به برخی اصول مانند بند ۸ ماده سوم که مشارکت عامه را مقرر می‌دارد و اصل بیستم که ناظر بر برابری آحاد ملت می‌باشد و همین‌طور اصل ششم قانون اساسی که اداره کشور را با اتکا به آرای مردم می‌داند، روشن می‌شود حق مشارکت سیاسی اقلیت‌ها برای انتخاب مقامات و مسئولان کشور، همانند دیگر آحاد ملت است. این مشارکت زمانی به کمال می‌رسد که اصل شصت‌وچهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «...زرتشتیان و

کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند».

اگر توجه شود که اقلیت‌های دینی در ایران کمتر از یک درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، متوجه می‌شویم نسبت نمایندگان آنها با توجه به ترکیب جمعیتی، چند برابر میزان متناسب آنهاست. این راه، یکی از ترتیبات حفظ حقوق و تضمین مشارکت سیاسی گروه‌های اقلیت محسوب می‌شود که در اصطلاح «کرسی‌های تضمین شده» خوانده می‌شود (۱۳).

این نکته نیز شایان ذکر است که نمایندگان منتخب اقلیت‌های دینی در مجلس، از همان حقوق و اختیارات نمایندگان دیگر برخوردارند؛ به این معنا که عام‌بودن اصل نمایندگی و پابندی به دفاع از قانون اساسی، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها (اصل شصت‌وهفتم، قسم‌نامه) و اظهار نظر در همه امور کشور و امور خارجی (اصل هشتاد و چهارم) درباره آنها نیز صادق می‌باشد؛ همچنین نمایندگان اقلیت‌های دینی در مقام سوگند یادکردن، «با ذکر کتاب آسمانی خود» این عمل را به جا خواهند آورد و این حرمتی است که به کتب دینی آنان نهاده می‌شود.

علاوه بر نکته‌هایی که گفته شد، قانون اساسی با استناد به آیه هشتم سوره ممتحنه، دولت جمهوری اسلامی و مسلمانان را موظف می‌کند با افراد غیرمسلمان با «اخلاق حسنه» و «قسط و عدل اسلامی» رفتار نمایند و آنها را به رعایت «حقوق انسانی» این افراد فرا می‌خواند (اصل چهاردهم). با اینکه اصل مذکور کلی است و حالت توصیه دارد، حاکی از روح نگرش قانون اساسی به اقلیت‌های دینی است.

**کلیساهای:** جمع کل کلیساهای موجود در ایران نزدیک به ۲۵۰ کلیساست که دویست کلیسای آن متعلق به ارمنیان می‌باشد. منصوبین ارمنی که فقط پنجاه کلیسا در تهران دارند، جمعیتی مابین نودهزار تا صد هزار نفر در ایران دارند.

**رسانه‌های جمعی:** جامعه ارمنی ایران با کمک دولت جمهوری اسلامی، مجله، روزنامه و... به زبان و فرهنگ خویش نشر می‌کند. قدیمی‌ترین مجله منتشر شده از سوی جامعه ارمنی، قدمتی شصت‌ساله دارد که در تهران انتشار می‌یابد.

**ارامنه در مجلس شورای اسلامی:** با وجود جمعیت کم، ارامنه دو نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند، یکی به عنوان نماینده ارامنه جنوب و دیگری نماینده ارامنه شمال که این روند از زمان پس از انقلاب تا به امروز ادامه داشته است. بر اساس اصل ۶۴ قانون اساسی، ارامنه حق انتخاب دو وکیل در مجلس شورای اسلامی دارند.

**مدارس:** ارامنه در ایران نزدیک به پنجاه مدرسه دارند که با بودجه مستقیم دولت ایران به منظور آموزش و تعلیم فرهنگ و زبان ارمنی اداره و استفاده می‌شوند. در این مدارس ارامنه ایران از مقطع ابتدایی به زبان مادری و آموزه‌های دینی و اعتقادی خویش به تحصیل می‌پردازند. تحصیل در این مدارس برای دیگر اقشار جامعه ممنوع است؛ ولی ارامنه علاوه بر مدارس خویش می‌توانند در دیگر مدارس نیز به تحصیل بپردازند و هیچ محدودیتی در این باره برای آنان وجود ندارد؛ همچنین رشته زبان و ادبیات ارمنی تقریباً در همه مؤسسه‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها وجود دارد.

جامعه تقریباً نودهزار نفری ارامنه در ایران، حدوداً پنجاه مرکز و انجمن

## ۵. جمهوری اسلامی ایران درباره اقلیت‌های دینی چه عملکردی داشته است؟

گزارش‌های موجود حکایت از این دارد که اقلیت‌های دینی در ایران از امکانات مناسبی برای زندگی برخوردارند. جمعیت مسیحیان ایران در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱، بر اساس داده‌های نتایج آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران ۱۰۹.۴۱۵ و ۱۱۷.۷۰۴ نفر اعلام شده است؛ ولی منصوبین دین مسیحی در ایران به صورت رسمی از طرف جمهوری اسلامی به دو شاخه اصلی تقسیم و شناخته می‌شوند. این تقسیم‌بندی به صورت مسیحیان ارمنی و مسیحیان آسوری یا آشوری می‌باشد که در زیر به تفکیک توضیح داده می‌شود.

**مسیحیان ارمنی:** ارمنیان در ایران علاوه بر اینکه اقلیت دینی شناخته می‌شوند، اقلیت قومی نیز محسوب می‌شوند. ارمنیان که از قرن شانزدهم در قالب کوچ‌ها و مهاجرت‌های پراکنده به سوی مرکز ایران آمده‌اند، در اوایل به کلیسای سریانی وابسته بودند. کلیسای ارمنی که از لحاظ اعتقادی با کلیسای ارتدوکس یکی می‌باشد، در سه شهر بزرگ ایران کلیسا دارند؛ همچنین بخشی از جامعه ارمنی با قبول مذاهب کاتولیک و پروتستان، کلیساهای کاتولیک و پروتستان خود را نیز تأسیس کردند. کلیسای ارمنی ایران تابع و وابسته به دو کلیسای بزرگ است: کلیسای آچمیادزین واقع در جمهوری ارمنستان و دیگری کلیسای آنتلیاس واقع در کشور لبنان. جمعیت ارمنی ایران، سه کلیسای مرکزی در سه شهر تهران، اصفهان و تبریز دارد؛ اما افزون بر آن جمعیت ارمنی در ایران امتیازات و امکانات وسیع فرهنگی، ورزشی و اجتماعی دارند که تماماً از طرف دولت جمهوری اسلامی به آنها تخصیص داده شده است.

«التهار» چاپ بیروت و روزنامه «ایران» چاپ شده است، کل جمعیت کلیمیان ایران را بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار نفر بیان می‌کند. در ادامه به مهاجرت ۲۵۰ هزار نفر از کل رقم یادشده به اسراییل و هشتاد هزار نفر به ایالات متحده آمریکا اشاره می‌کند و تعداد کلیمیان باقیمانده در ایران را ده هزار نفر بیان می‌کند.

به گفته نجف‌آبادی بیشتر جامعه کلیمی در ایران در سه شهر بزرگ تهران، اصفهان و شیراز در حال سکونت هستند. این در حالی است که سایت رسمی اینترنتی همان انجمن (انجمن کلیمیان تهران)، جمعیت کلیمیان مسکون در تهران را پانزده هزار نفر و شیراز را بین ده تا دوازده هزار نفر بیان می‌دارد. مهاجرت کلیمیان ایران البته از قرن نوزدهم به بعد از راه هندوستان به ایالات متحده آمریکا شروع گشته بود؛ ولی آن‌گونه که معلوم است این تراکم مهاجرت کلیمیان پس از انقلاب اسلامی ایران به صورت بسیار چشمگیر افزایش و ادامه یافته است. کلیمیان ایران اگرچه به اندازه ارمنیان ایران نیستند، ولی کنیسه‌های مخصوص به خود دارند که فقط در تهران شانزده کنیسه و در اصفهان نزدیک به چهارده کنیسه وجود دارد. مسائل و مشکلات اجتماعی - سیاسی و حقوقی کلیمیان ایران از طرف سه مرجع رسمی جامعه کلیمی اداره می‌گردد:

۱. مرجع دینی کلیمیان،

۲. تنها نماینده مجلس جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی ایران،

۳. هیئت‌مدیره انجمن کلیمیان تهران.

کلیمیان ایران به غیر از کنیسه‌ها و عبادتگاه‌های خود در ایران، دارای مدارس خصوصی، انجمن‌های فرهنگی، خانه جوانان، انجمن زنان و

فرهنگی - ورزشی دارد. این انجمن‌ها با بودجه مستقیم دولت تأسیس شدند و در خدمت جامعه ارمنی ایران هستند؛ همچنین ارمنیان ایران قبرستان‌های مخصوص به خود و خانه سالمندان نیز دارند.

**مسیحیان آشوری (آشوری):** آشوریان یا آسوریان قبل از میلاد در بین‌النهرین، عراق امروزی، عربستان و ایران زندگی کرده‌اند. در حال حاضر آشوریان که منصوب به دین مسیحی هستند در ایران، عراق و ایالات متحده آمریکا پراکنده‌اند و جمعیت کل ایشان از یک و نیم میلیون نفر تجاوز نمی‌کند. جامعه آشوری در ایران جمعیتی بالغ بر سی هزار نفر و دارای ۶۵ کلیساست. کلیسای اصلی این جامعه دینی، کلیسای شرق آشور و از لحاظ اعتقادی همسان با کلیسای ارتدوکس است. جمعیت سی هزار نفری آشوریان ایران، یک نماینده مجلس در هر دوره مجلس شورای اسلامی دارد؛ همچنین مدارس و در حدود بیست مرکز و انجمن فرهنگی - ورزشی دارد که با بودجه مستقیم دولت تأسیس و اداره می‌شوند.<sup>۱</sup>

**کلیمی (یهودی):** یهودیان ایران با نام کلیمی نیز شناخته می‌شوند. تاریخ حضور یهودیان در ایران از ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ سال تخمین زده می‌شود. کلیمیان ایران که از دوره مشروطیت دوم در مجلس ایران یک نماینده مجلس داشتند، پس از انقلاب اسلامی نیز این حق خود را بر اساس قانون اساسی دارند. جمعیت کلیمیان ایران به‌ویژه پس از قرن نوزدهم تا به امروز به دلیل مهاجرت روزافزون در حال تغییر است. در بخشی از مصاحبه «همایون نجف‌آبادی» رئیس «انجمن کلیسای تهران» در سال ۲۰۱۳ که در روزنامه

۱. سایت رسمی اینترنتی انجمن آشوریان ایران.

بَغَيْرِ عِلْمٍ؛<sup>۱</sup> البته آنان که فرزندان خود را به سفاهت و نادانی کشتند، زیانکارند» و «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءَهُمْ: <sup>۲</sup> و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان، [عمل ظالمانه] کشتن فرزندانشان را بت‌های ایشان نیکو جلوه داد». با ظهور دین مبین اسلام تمام ضدیت‌ها، نگرش‌های منفی و تحقیرها درباره شخصیت زن به پایان رسید و احترام و حقوق کامل به زنان و شخصیت آنها بازگشت. در ادامه به برخی حقوق و ارزش‌هایی که اسلام به زن عطا کرده است، اشاره می‌شود:

#### الف) حق کمال برای زن

ملاک برتری انسان‌ها نه جنسیت و نه ثروت و نه مقام آنهاست؛ بلکه تقوا و ارزش‌های اخلاقی فرد است که مقام وی را کامل‌تر می‌کند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ: <sup>۳</sup> ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست».

#### ب) توجه به استعداد و شخصیت زن

کسی نمی‌تواند منکر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد شود و اختلاف‌گرایی و تمایلات و استعدادها را آنها را انکار کند. اسلام به این تفاوت‌ها دقت کرده،

۱. انعام: ۱۴۰.

۲. انعام: ۱۳۷.

۳. حجرات: ۱۳.

دانشگاهیان، کتابخانه و فروشگاه‌های مخصوص فروش گوشت، خانه سالمندان و بیمارستان هستند؛ همچنین دارای انتشارات مخصوص به خویش، مجلات و روزنامه‌ها نیز هستند که از مهم‌ترین آنان مجلات «تاموز» و «افق بینا» می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### ۶. در دین اسلام و قوانین جمهوری اسلامی، زنان از چه حقوقی برخوردارند؟

از آنجاکه دین رسمی در ایران، اسلام است و بر اساس منویات آن، قوانین و نظام حقوقی خود را ترسیم کرده است، به نظر می‌رسد برای رسیدن به پاسخ سؤال فوق بیان دیدگاه اسلام درباره زنان ضروری باشد. به‌طور کلی موضوع برتری مرد بر زن و رعایت نکردن حقوق برابر یا حاصل نگاه‌های فمینیستی است یا رد پای نگرش‌های ضد زنانه در آن دیده می‌شود؛ اما کسانی که زن و مرد را بشناسند و تفاوت‌های موجود در استعداد، شخصیت و خلقت آنها را دریابند، می‌دانند این اختلاف‌ها به معنای نابرابری نیست. پیامبر اسلام ۹ با تکیه بر وحی، دینی را برای بشر به ارمغان آورده است که زن در آن به اندازه مرد، احترام و منزلت دارد. نگاهی تاریخی به این موضوع نشان می‌دهد زن در میان عرب‌های جاهلی وضعیت نامناسبی داشته، با فجیع‌ترین وضع زندگی می‌کرده، مانند کالایی خرید و فروش می‌شده و از هرگونه حقوق اجتماعی و فردی حتی حق ارت محروم بوده است؛ همچنین زنده‌به‌گور کردن دختران مرسوم بوده است. به همین منظور آیاتی چند از قرآن کریم در مذمت و نکوهش آنان بیان شده است؛ از جمله: «قَدْ حَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا

۱. سایت رسمی انجمن کلیمیان تهران.

به شما زنان اجازه داده است برای برطرف کردن حوایج خود از خانه خارج شوید»؛<sup>۱</sup>

- بیعت زنان با پیامبر ۹ بعد از فتح مکه؛
- شرکت حضرت فاطمه زهرا 3 در تشییع جنازه بعضی مسلمانان و مخالفت نکردن رسول اکرم ۹؛
- حضور پررنگ حضرت زینب 3 در دفاع از حریم ولایت و آن روشنگری‌های تاریخی.

#### د) حق علم‌آموزی

دین اسلام علم‌آموزی را نه فقط برای مردان، بلکه به زنان نیز توصیه می‌کند و این حق را برای آنها محترم می‌شمارد. حضرت محمد ۹ می‌فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة: فراگیری علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان لازم و ضروری است».<sup>۲</sup>

#### ه) حق مالکیت برای زنان

ویل دورانت در توصیف وضعیت زنان در غرب می‌نویسد: «نخستین قدم برای آزادی مادران بزرگ ما قانون ۱۸۸۲ میلادی بود. به موجب این قانون زنان بریتانیا از آن پس از امتیاز بی‌سابقه‌ای برخوردار می‌شدند و آن اینکه پولی را که به دست می‌آوردند، حق داشتند برای خود نگه دارند».<sup>۳</sup>

قوانین و احکام را برای زن و مرد با توجه به استعدادهایشان وضع نموده است. هماهنگی بین قوانین و حقوق و ظرفیت و استعداد بشر چه مرد و چه زن، از ظرافت‌هایی است که دین اسلام به کار برده است؛ از این رو در مواجهه با قوانین اسلام باید از جزءبینی و یک‌سونگری پرهیز شود و به آنها به صورت مجموعی و کلی نگریسته شود تا جایگاه واقعی هر یک از زن و مرد شناخته شود؛<sup>۱</sup> برای مثال در قانون ارث در ظاهر یک نوع نابرابری دیده می‌شود؛ اما وجوب نفقه بر عهده مردان گذاشته شده است. در یک نگاه مجموعی به این دو حکم متوجه می‌شویم که زن‌ها می‌توانند آنچه را به ارث می‌برند، در ملک شخصی خود نگه دارند؛ ولی مردها موظف‌اند از تمام مایملک خود در راه معاش زندگی استفاده کنند که در این صورت به نظر می‌رسد در نهایت زنان بهره بیشتری از مردان می‌برند.<sup>۲</sup>

#### ج) حق حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

اسلام حضور زن در جامعه و امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را جایز می‌داند، هر چند این امر را مشروط به حفظ عفت می‌کند که البته این شرط نیز احترام به شخصیت خود زن است و هیچ محدودیتی به همراه نمی‌آورد. ذکر چند نمونه تاریخی می‌تواند این مدعا را اثبات کند:

- پاسخ رسول اکرم ۹ به برخی از اصحاب که زنان را از خروج از منزل نهی می‌کردند: «انه لقد اذن لکن ان تخرجن لحوائجکن: همانا خداوند

۱. زیبایی‌نژاد و سبحانی، ص ۵۰.

۲. علامه طباطبایی؛ المیزان؛ ذیل آیه ۳۴ سوره نساء.

۱. صحیح بخاری؛ ج ۷، ص ۴۹.

۲. شیخ طوسی؛ امالی؛ مجلس ۱۷، ح ۴۰، ص ۴۸۶.

۳. ویل دورانت؛ لذات فلسفه؛ ترجمه عباس زریاب؛ ص ۱۵۸.



بیشتری که به عهده مردان گذاشته است، اختیارات بیشتری نیز برای آنان قایل شده باشد. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست؛ اما با تشابه و یکنواختی حقوق آن‌ها مخالف است.<sup>۱</sup>

### جایگاه زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران

زن در ایران و قانون ایران نیز از جایگاه مطلوبی برخوردار است. در اصل سوم قانون اساسی دولت ایران موظف است همه امکانات خود را در امور مختلف به‌طور مساوی، هم برای زنان و هم برای مردان به کار گیرد. در اصل دهم زن از حالت ایزاری خارج شده و به نقش مهم وی در امر خانواده و جایگاه شریف مادری اشاره شده است. اصل بیستم صریحاً اشاره می‌کند که همه افراد ملت اعم از زن و مرد به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل بیست‌ویکم که کاملاً به زنان اختصاص دارد و حقوق زن را در تمام جهات تضمین می‌کند. در ضمن با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان، در سال ۱۳۸۳ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد که این منشور با الهام از شریعت معتدل و جامع اسلام و مبتنی بر قانون اساسی و اندیشه‌های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، تدوین گردید و در سال ۱۳۸۵ با عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در

اما اسلام هزار و چهارصد سال پیش، حق مالکیت را برای زنان به رسمیت شناخته است؛ خداوند متعال به‌صراحت می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُؤُا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ: <sup>۱</sup> مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی از آنچه به دست می‌آورند، دارند [و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود]»؛ همچنین برای آنان با توجه به انتظار و نیازشان، در چارچوب شریعت حق ارث معین شده است: «وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ: و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [به ارث] می‌گذارند، سهمی است».<sup>۲</sup>

نکته دیگری که در بحث از حقوق میان زن و مرد لازم است به آن توجه شود، اینکه تساوی همیشه به معنای تشابه نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ»<sup>۳</sup> رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «الناس كلهم سواء کاستان المشط: مردم - اعم از زن و مرد - مانند دندانه‌های شانه با هم برابرند»؛ اما لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، تشابه صددرصد آنها در حقوق نیست. زن و مرد در حقوق عمومی و حقوق انسانی برابرند؛ اما آیا با توجه به تفاوت‌های موجود و غیرقابل‌انکار و غیرقابل‌زوال، نباید هیچ‌گونه تقسیم کار و وظیفه و اختصاص کارکردی در میان باشد؟ تساوی، غیر از تشابه است. تساوی، برابری است و تشابه، یکنواختی. اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی و ارزشی برای مردان نسبت به زنان قایل نیست؛ اما با توجه به تلازم حق و تکلیف، ممکن است به دلیل تکالیف

۱. نساء: ۳۲.

۲. نساء: ۷.

۳. نساء: ۱.

۱. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام؛ ص ۱۴۳.

تاریخی و حرکت‌های جمعیتی، ترکیبی از اقوام را در خود جای داده است. طرح‌های ملت‌سازی از اواخر قاجاریه به مرحله اجرا درآمده است و در دوران پهلوی مبتنی بر پارادایم کلاسیک همسان‌سازی ادامه یافت.

در جهان امروز، فرایند جهانی‌شدن و امکانات گسترده ارتباطی و رشد فناوری‌های جدید، آگاهی‌های عمومی را افزایش داده است. این وضعیت موجب شده است تا در روند جهانی‌شدن، ناسازواری سایه افکند. جهانی‌شدن از یک سو برای همسان‌سازی فرهنگی جوامع مختلف تلاش می‌کند و از سوی دیگر زمینه شکل‌گیری مقاومت در برابر تفوق فرهنگی را مهیا ساخته است. فرهنگ‌های محلی و بومی از این فضا و امکانات برای شناساندن خود بهره می‌گیرند و نوعی فرهنگ جهانی - محلی را پدید آوردند، در نتیجه طرح‌های قدیمی ادغام خرده‌هویت‌ها، کاربرد چندانی ندارد. اکنون گزینه اثرگذار در همزیستی میان اقوام و مذاهب و شکل‌دادن به هویت‌های ترکیبی است. در عین حال این اهمیت دارد که مرزهای هویتی یا تفاوت‌های قومی و مذهبی چگونه به چالش و ستیزه می‌انجامد و شکاف‌ها فعال می‌شوند؟

در ابتدا پیش از آنکه وضعیت خرده‌هویت‌های قومی، مذهبی، زبان و... را در ایران بررسی کنیم، مقدمه‌ای در این زمینه بیان می‌کنیم.

در کنار اقدام دولت‌ها در ملت‌سازی و حل مسائل قومی و... از طریق یکپارچه‌سازی / همسان‌سازی برخی نیروهای سیاسی و اجتماعی نیز از دهه بیست در جهت بهره‌گیری از این مسائل و برافروختن تنش‌های سیاسی علیه حکومت، قوم‌گرایی را در ایران ترویج کردند. در ادبیات و مفاهیم مارکسیست‌ها و چپ‌های ایرانی، واژگانی مانند «خلق‌های ایرانی» و

عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در مجلس تصویب شد و به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید. این منشور می‌تواند مبنای معرفی و تبیین جایگاه زن در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی نیز قرار گیرد. حقوق فردی زنان، حقوق زنان پیرو مذاهب دیگر، حق دختران در داشتن والدین شایسته، حق مسکن، پوشاک، اشتغال، حقوق ازدواج، هزینه‌های بارداری، حقوق مادی زنان در طلاق، مهریه و نفقه، حقوق اجتماعی زنان مانند حق مشارکت زنان در سیاستگذاری، قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به‌ویژه درباره مسائل زنان، همچنین حق تبادل اطلاعات و ارتباطات فرهنگی سازنده در ابعاد ملی و بین‌المللی، حق تحصیل و استفاده از امکانات آموزشی، حق کامل مالکیت، حق تعیین مهریه، حق شکایت در دادگاه و به‌طورکل تمام حقوق متصور برای یک انسان که باید در جامعه دارا باشد، در این منشور ذکر شده است.<sup>۱</sup>

## ۷. آیا خرده‌هویت‌های قومی، دینی، زبانی در جمهوری اسلامی ایران تنش‌زا بوده‌اند؟

کمال مطلوب هر دولت ملی، برخورداری از یک ملت یکپارچه است که در میان اعضای آن تفاوت‌های چشمگیر زبانی، مذهبی و نژادی وجود نداشته باشد و همگان به یک هویت ملی فراگیر تعلق خاطر داشته و به آن وفادار باشند. این تفاوت‌ها نه تنها در ایران، بلکه مسئله ملی در بسیاری کشورهاست. ایران نیز سرزمینی است که در جریان تحولات گوناگون

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: زیبایی‌نژاد و سبحانی؛ درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام؛ ۱۳۸۱.

به تدریج جذب هویت عام‌گرا (وفاداری‌های ملی) شده و از طریق مهندسی اجتماعی، یک ملت یکپارچه «ساخته» می‌شود. در این دیدگاه باید دو جنبه را از هم متمایز ساخت: یکی اینکه چنانچه این فرایند به صورت طبیعی رخ دهد، ادغام خرده‌هویت‌ها در هویت ملی با کمترین چالش روبروست، بدون آنکه خرده‌هویت‌ها از بین بروند، یک فرهنگ ملی مشترک و وفاداری‌های ملی شکل می‌گیرد. در جنبه دوم در جریان نوسازی، ادغام هویت‌های خاص‌گرا و اقلیت‌های قومی - مذهبی در هویت ملی با اجبار همراه باشد. در این صورت انواع ناسیونالیسم‌های قومی و بنیادگرایی مذهبی و مانند آن سر بر می‌آورند و به کارزار با دولت نوساز می‌پردازند؛ مانند آنچه در زمان پهلوی رخ داد و نمونه بارز آن یکجانشینی عشایر (تخت قاپو) توسط رضاشاه بود که اگرچه با توفیق همراه نشد، موجب تنش‌های بسیاری میان عشایر و دولت مرکزی و سرکوب آنها شد.

در پاسخ به این دیدگاه نیز باید گفت نوسازی اگرچه چالش‌هایی را در پی دارد، به خودی خود هویت‌ها را به مخاطره نمی‌اندازد. نوسازی در ایران پس از انقلاب از دهه هفتاد شمسی آغاز گردید. حتی اگر برخی ارزش‌های جدید مخاطراتی در هویت ایجاد کرد، هیچ‌گاه به ادغام هویت‌های خاص‌گرا در هویت ملی اقدام نکرد. وجه غالب برنامه‌های نوسازی و توسعه در سه دهه اخیر بر نوسازی اقتصادی استوار بوده است، اگرچه پیامدهای فرهنگی و سیاسی نیز داشته است، این برنامه‌ها هیچ‌گاه نه در ایران، نه در هیچ کشور جهان به سمت ادغام هویت‌های فروملی در هویت ملی پیش نرفته است؛ بلکه هویت‌های فروملی و خاص‌گرا در فرایند توسعه در عصر جهانی شدن تقویت شدند و این امر دلیلی بر شکل‌گیری چالش در سطح این جوامع نبوده است.

«ملیت‌های ایرانی» رایج شد؛ سپس این واژگان به کنش‌های سیاسی راه یافت و به شکل‌گیری گروه‌های قوم‌گرا انجامید و تا جایی پیش رفت که جنبش‌های تجزیه‌طلبانه از سوی جریان‌هایی به رهبری «پیشش‌وری» در آذربایجان و «قاضی محمد» در کردستان ظهور یافتند.

حال پرسش این است که چگونه خرده‌هویت‌های قومی و مذهبی به تنش تبدیل شدند و وفاداری‌های ملی را به چالش می‌کشاند؟

در این باره چند دیدگاه وجود دارد: ۱. یکی از رایج‌ترین تبیین‌ها مربوط به توزیع نابرابر منابع ملی و بی‌توجهی دولت‌های مرکزی به نیازهای معیشتی و توسعه‌ای مناطق سکونت گروه‌های قومی است که موجب نارضایتی و تنش در میان آنان و دولت مرکزی می‌باشد. این دیدگاه اگرچه بخشی از مسئله را بازگو می‌کند، نمی‌تواند تبیین دقیقی از عوامل شکاف و چالش‌های قومی باشد؛ چراکه کم‌برخورداری یا محرومیت نسبی در سکونتگاه‌های غیراقلیت‌نشین قومی یا مذهبی نیز مشاهده شده است و لزوماً مرزهای محرومیت منطقه‌ای با مرزهای مناطق اقلیت‌نشین انطباق ندارد؛ برای مثال مناطق آذری‌نشین به‌طور معمول مناطق برخوردار و تا حدی دارای ثروت هستند. آذربایجان شرقی از جمله مناطق فارس‌نشین و از استان‌های ثروتمند نسبت به سایر مناطق کشور می‌باشد. در منطقه خوزستان که اقوام عرب ایرانی در آنجا سکونت دارند و نسبتاً محروم هستند، هیچ‌گاه در قالب قومیت اعتراض نداشته‌اند و همراه با سایر اقوام و حتی فارس‌ها اعتراض‌هایی را سامان داده‌اند.

۲. دیدگاه دیگری، فرایند نوسازی و توسعه را عامل کارزار اقلیت‌ها با دولت مرکزی می‌داند. در این فرایند هویت‌های خاص‌گرا (قومی، مذهبی)

بلکه این جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مرکز‌گرای است که در این مناطق فعال هستند، بدون آنکه نمایندگی مردمان این مناطق را به عهده داشته باشند. اقوام ترک ایرانی که بزرگ‌ترین قوم به شمار می‌آید، قرن‌هاست در دولت‌های مرکزی نقش برجسته‌ای داشته و مناطق ترک‌نشین هیچ‌گاه چالش قومیتی را تجربه نکرده است؛ اما در سال‌های اخیر جریان پان‌ترکیسم تلاش دارد این مناطق را درگیر کارزارهای قومی سازد. اقوام عرب ایران در خوزستان نیز چنین وضعیتی را تجربه کرده است. آنان اغلب به دلیل مشکلات اقتصادی و معضلات زیست‌محیطی، اعتراض‌هایی را سامان می‌دهند؛ اما گروه‌های خلق عرب که به‌طور عمده در خارج از مرزها استقرار دارند، برای ایجاد شکاف‌های قومی - زبانی در تلاش‌اند. بی‌گمان برخی اختلال‌ها در سطح هویت ملی وجود دارد؛ اما کمتر به شکاف‌های قومی مربوط است که باید این موضوع را بر پایه دیگر علت‌ها بررسی کرد.

#### ۸. احزاب در قانون ایران و اندیشه رهبران جمهوری اسلامی ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ۲۶ درباره حزب بیان می‌دارد که احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچ‌کس را نمی‌توان به شرکت در آن منع کرده یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. همین اصل و تصریح به حزب و جواز آن در قانون اساسی می‌تواند به عنوان رویکرد مثبت به حزب مورد توجه قرار گیرد. در اصل ۲۷ قانون

تبیین دیگری که می‌تواند به توضیح موقعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی و رابطه آن با شکاف‌های احتمالی پردازد، وجود نخبگان قومی و سازمان‌های سیاسی قومیت‌گرا را علت بروز تنش یا ناآرامی در میان قومیت‌ها به شمار می‌آورد. ریشه این تبیین در رویکرد ابزارگرا قابل جست‌وجوست. ابزارگرایان قومیت و استفاده از احساسات قومی را وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف خود می‌دانند. از نظر آنان تمایزهای قومی و مذهبی مبنای خوبی برای بسیج‌سازی مردم می‌باشد؛ بنابراین زمانی که میزانی از نارضایتی در میان اعضای جوامع اقلیت به وجود بیاید، ابزارگرایان برای تحریک احساسات مردمان این جوامع را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. البته این نخبگان قومیت‌گرا ممکن است از اعضای این جوامع یا خارج از آن بوده باشند. بیشترین مشکل در ایران بر پایه این تبیین قابل توضیح است؛ برای مثال در سطح قومیت‌ها و اقوام ایرانی شکاف عمیق وجود ندارد؛ اما مشکلات و مسائل اقتصادی و معضلات زیست‌محیطی به اعتراض‌هایی در مناطق قومی منجر شده است. این موضوع به ابزاری برای جریان‌های قومیت‌گرا تبدیل شده است. متأسفانه در حال حاضر جریان‌ها و سازمان‌های خارجی رقیب یا ستیزه‌جو نیز به صف نخبگان و جریان‌های قومیت‌گرای داخلی پیوسته‌اند و فرصتی را برای تضعیف و فشار علیه نظام سیاسی جمهوری اسلامی پدید آورده‌اند. اینان اگرچه پایگاه اجتماعی چندانی ندارند، در برهه‌هایی که عوامل ثانویه شکل‌گیری منازعات در این مناطق شکل می‌گیرد، وارد کارزار می‌شوند و تلاش می‌کنند سطح نزاع‌ها را با تفسیری قوم‌گرایانه تشدید کنند.

در حال حاضر شکاف‌های قومی و مذهبی در ایران مشاهده نمی‌شود؛

اساسی برگزاری راهپیمایی و تشکیل اجتماعات به شرط آنکه بدون حمل سلاح باشد و مغل مبانی اسلامی نباشد، آزاد است. در اجرای اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و برای تأمین حدود و مقررات مربوط به تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و تأمین آزادی مشروع، قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در هفتم شهریور ۱۳۶۰ در مجلس تصویب شد.

این نخستین قانون درباره احزاب سیاسی است که در ۱۹ ماده و ۹ تبصره و ۱۸ بند تنظیم شده است. دومین قانون احزاب، قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مشتمل بر ۲۳ ماده و ۴۸ تبصره است که پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۹۵/۸/۸ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. این قانون حاوی پیشرفت‌های قابل توجهی در حوزه قانون‌گذاری احزاب در ایران است؛ اما مهم‌ترین متن ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات توسط مقام معظم رهبری در ۱۸ بند در تاریخ ۹۵/۷/۲۴ - که به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است - در چند بند به احزاب و تشکل‌های سیاسی اشاره دارد.

در بند ۹ سیاست‌های کلی انتخابات، تعیین چارچوب‌ها و قواعد لازم برای فعالیت قانون‌مند و مسئولانه احزاب و تشکل‌های سیاسی و اشخاص حقیقی در عرصه انتخابات مبتنی بر اصول و مبانی جمهوری اسلامی ایران به نحوی که رقابت انتخاباتی به افزایش مشارکت آگاهانه، اعتماد، ثبات و اقتدار نظام منجر شود، بیان شده است؛ همچنین در بند ۱۱، نظارت شورای نگهبان بر فرایندها، ابعاد و مراحل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری از جمله تأیید نهایی صلاحیت

داوطلبان رسیدگی به شکایات و تأیید یا ابطال انتخابات به منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان تبیین شده است. این سیاست‌های کلی می‌تواند چارچوبی برای قانون انتخابات آتی باشد تا قواعد لازم را برای فعالیت قانونمند و مسئولانه احزاب و تشکل‌های سیاسی و اشخاص حقیقی در عرصه انتخابات ایجاد کند؛ بنابراین قانون اساسی و قوانین عادی این اجازه را به فعال سیاسی می‌دهد تا کنش سیاسی را در قالب سازمان حزب بنا نهد. با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم سابق، گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی صدها حزب و گروه در عرصه سیاسی کشور به وجود می‌آیند. ساختار حکومت بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی و مبتنی بر رأی و نظر مردم شکل می‌گیرد که مهم‌ترین حزب در این دوره حزب جمهوری اسلامی است. قدرتمندترین حزب بر اساس مرامنامه و اساس‌نامه، حزبی مذهبی سیاسی بود و الگوی این حزب، الهام‌بخش بیشتر احزاب و سازمان‌های مذهبی سیاسی در ایران گردید و در حال حاضر شهری‌شدن، افزایش سطح تحصیلات، صنعتی‌شدن و افزایش ارتباطات جمعی باعث ارتقای آگاهی عمومی و توسعه کمی و کیفی احزاب سیاسی شده است.

درباره نگرش حضرت امام به حزب با توجه به سخنان ایشان می‌توان به دو رکن اساسی در مورد حزب اشاره کرد: یکی اینکه حزب ایده اسلامی داشته باشد و دیگر اینکه در عرصه فعالیت سیاسی و رقابت، چارچوب مقررات شرعی را مد نظر قرار دهد. ایشان می‌فرماید احزاب، گروه‌ها، جمعیت‌های سیاسی و مذهبی مادامی که اعمالشان بر ضد جمهوری اسلامی، اسلام و نقض حاکمیت ملت و نقض ملیت کشور نباشد، در چارچوب

جمهوری اسلامی می‌تواند آزادانه اظهار نظر کنند؛ ولی خرابکاری در امور سیاسی را تحمل نخواهیم کرد.<sup>۱</sup>

با توجه به سیره نظری و عملی حضرت امام، ایشان اصل آزادی احزاب را فراهم آوردند تا گروه‌ها و سلايق گوناگون بتوانند در درون نظام جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای مشروط به فعالیت بپردازند. در همین زمینه حضرت امام می‌فرمایند: «البته دو تفکر هست و باید هم باشد، دو رأی هست باید هم باشد، سلیقه‌های مختلف باید باشد؛ لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد و من عرض کردم مثل طلبه‌ها که با هم مباحثه می‌کنند، آن‌وقتی که مباحثه کردند، جاروجنجال جوری بود که انسان خیال می‌کرد دشمن هم هستند. وقتی مباحثه تمام می‌شد می‌نشستند به دوستی‌کردن و انس. اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است؛ اگر در یک مجلس اختلاف نباشد، این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه جاروجنجال اینها باید باشد؛ لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته بشویم؛ درعین حال که اختلاف داریم دوست هم باشیم». در مجموع حزب صحیح و تحزب از دیدگاه امام دو رکن اساسی دارد: ایده اسلامی و پایبندی به مصالح دینی و ملی و کارویژه‌های مثبت.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز حزب و تحزب را امر شرعی می‌داند که از سیره پیامبر ۹ و معصومین ۷ نشئت می‌گیرد. ایشان معتقدند پیامبر ۹ رسالت خود را با ایجاد حزب پیش برد؛ حزبی که مراحل گوناگون را برای رسیدن به حکومت طی کرد. پیغمبر در مکه مسلمان‌هایی را که به وجود آورد،

۱. روح‌الله خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۱۰، ص ۲۴۸.

درحقیقت حزبی به وجود آورد. بعد هم که اسلام ظاهر شد، دعوت پیامبر شکل حزبی بود؛ یعنی به همان معنایی که حزب در فرهنگ امروز جهانی دارد و بعد از اینکه پیامبر به حکومت رسید، حزب دیگر قهراً با آن فلسفه باقی نماند و شکل حکومت پیدا کرد. بعد از پیامبر امیرالمومنین ۷ یقیناً حزب داشت... بنده در زندگینامه ائمه در بحث‌هایی که در دوران اختناق از سال ۵۰ تا ۵۶ بارها برای اجتماعات بزرگ و کوچک گفته و ثابت کرده‌ام، تشیع در روزگار نخستین، درحقیقت حزب امامت و حزب ائمه بود.<sup>۱</sup>

رهبر معظم انقلاب حزب را به دو گونه تصور می‌کنند: یک حزب عبارت است از کانال‌کشی برای هدایت‌های فکری، حالا فکری چه به معنای سیاسی، چه فکری به معنای دینی و عقیدتی. اگر کسانی این کار را بکنند خوب هست، قصد این نیست که قدرت را در دست بگیرند، می‌خواهند جامعه را به یک سطحی از معرفت، به یک سطحی از دانایی سیاسی و عقیدتی برسانند. این چیز خوبی است. البته کسانی که یک چنین توانایی را داشته باشند، به‌طورطبیعی در مسابقات قدرت در انتخابات قدرت هم آنها صاحب‌رأی خواهند شد، آنها برنده خواهند شد؛ لیکن این هدفشان نیست، این یک جور حزب است.

اما در مقابل این حزب رهبر انقلاب یک نوع حزب دیگری را هم تصور می‌کنند که احزاب کنونی غربی به معنای باشگاه‌هایی برای کسب قدرت است: اصلاً حزب یعنی مجموعه‌ای برای کسب قدرت. یک گروهی با هم همراه می‌شوند از سرمایه و پول و امکانات مالی خودشان بهره‌مند می‌شوند یا

۱. روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۳۰/۱۱/۶۱؛ ص ۱۰.

اسلامی، ملت ایران در زمینه علمی پیشرفت‌های عظیمی به دست آورده‌اند. بی‌سوادی اکثریت ملت ایران در دوره پهلوی به آن حدی بود که امام خمینی؛ در ۷ دی ۱۳۵۸ در پیامی برای «مبارزه عمومی با بی‌سوادی» تأکید کردند: «از جمله حواجی اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن، بلکه مهم‌تر از آنهاست، آموزش برای همگان است. مع‌الأسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند، چه رسد به آموزش عالی. مایه بسی خجالت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می‌کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد».<sup>۱</sup> اما با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه علمی در سطوح مختلف به وجود آمد که بر این اساس، ایران را در جایگاه دوازدهم علم جهان قرار داد.

چنان‌که آمارها حاکی از ۲۴ برابر شدن تعداد دانشجویان، افزایش تعداد دانشجویان از ۱۷۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به ۳/۴ میلیون در سال تحصیلی ۱۳۹۵، سیزده برابر شدن تعداد دانشجویان به ازای هر صد هزار نفر، از ۲۴۸ نفر به ۵۴۸۶ نفر افزایش یافته، ۱۶/۵ برابر شدن سهم ایران از تولید مقالات ISI است. سهم ایران از تولید مقالات خارج ISI از ۱/۰ درصد (۶۶۹ مقاله) در سال ۱۳۵۷ به ۶۵/۱ درصد (۲۳ هزار مقاله) در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است؛ افزایش بی‌سابقه ظرفیت دانشگاه‌ها از پانزده واحد دولتی به ۶۱۵ واحد (۱۱۵ واحد دولتی و ۵۰۰ واحد غیردولتی) و افزایش تعداد مدارس از ۴۷

از دیگران کسب می‌کنند یا بندوبست‌های سیاسی می‌کنند برای اینکه به قدرت برسند. یک گروه هم رقیب اینهاست، کارهای مشابه اینها را انجام می‌دهند تا آنها را از قدرت پایین بکشند، خودش بشود جایگزین. الان احزاب در دنیا غالباً این گونه‌اند.<sup>۱</sup> لذا این حزب را تأیید نمی‌کنند.

## ۹. جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته در زمینه علمی چه دستاوردهایی داشته است؟

با گذشت زمان از پیروزی انقلاب اسلامی، سخن از دستاوردهای این انقلاب در حوزه‌های مختلف ضرورت پیدا می‌کند. این ضرورت به‌ویژه امروزه با مقایسه دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران با رژیم گذشته بیش از پیش ضرورت پیدا کرده است؛ چراکه عده‌ای سعی دارند با نادیده گرفتن دستاوردهای انقلاب اسلامی، ضمن ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه و به‌ویژه در نسل جوان نسبت به آینده، از طریق سیاه‌نمایی، بزرگ‌کردن مشکلات، زیر سؤال بردن یا کم‌ارزش جلوه‌دادن دستاوردهای انقلاب و ناکارآمدنشان دادن نظام دینی، عملاً کشور را به دوران قبل بازگردانند. یکی از حوزه‌هایی که پیشرفت کشور در چهار دهه گذشته در آن بسیار مشهود بود و متخصصان داخلی تمام همت خود را به کار گرفتند، بخش علمی بود.

در دوره پهلوی بسیاری از مردم ایران بی‌سواد بودند و رژیم جز مبارزه شعاری با بی‌سوادی که نتیجه اندکی داشته و قابل ملاحظه نبود، کاری از پیش نمی‌برد. امروز و با گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان اصفهان؛ ۱۳۸۰/۸/۱۲.

۱. روح‌الله خمینی؛ صحیفه؛ ج ۱۱، ص ۴۴۶.

هزار به ۱۹۴ هزار واحد برای پاسخگویی به رشد دویست درصدی دانش‌آموزان و مقابله با بی‌سوادی اشاره دارد.

بر اساس گزارش سایماگو طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵، رتبه جهانی تولید علم ایران در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ از پنجاه و سوم به شانزدهم در جهان ارتقا یافته است. رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته انرژی اتمی از ۸۳ به یازدهم و تعداد مقالات از ۱ به ۴۱۸ مورد ارتقا یافته است؛ همچنین رتبه جهانی تولید علم ایران در رشته نانو و نانو تکنولوژی از پنجاه و هفتم جهان به شانزدهم و تعداد مقالات از ۱ به ۶۸۷، در رشته بیوتکنولوژی از ۵۶ به چهاردهم جهان و تعداد مقالات از ۱۱ به ۶۱۸، در رشته مهندسی هوا و فضا از ۴۳ به یازدهم جهان و تعداد مقالات در این زمینه از ۴ به ۳۴۱، در رشته پزشکی از ۵۴ به نوزدهم جهان، در رشته شیمی از ۴۸ به یازدهم جهان و در رشته فیزیک و نجوم از ۶۴ به نوزدهم جهان ارتقا یافته است.

علاوه بر این، در حالی که نرخ باسوادی در سال ۱۳۵۵، ۴۷/۲ درصد بوده است، این میزان در سال ۱۳۹۰، به ۹۳/۲ درصد رسیده است. در سال ۱۳۵۵، ۴۷ هزار و ۴۷ مدرسه دانش‌آموز می‌پذیرفت و در سال ۱۳۹۰، ۹۱ هزار و ۸۳۰ مدرسه مشغول فعالیت بودند؛ همچنین در سال ۵۵، هفتصد مرکز آموزشی فنی و حرفه‌ای در کشور فعالیت می‌کرد و این میزان در سال ۱۳۹۰ به شش هزار و ۹۸۳ واحد رسیده است. افزایش تعداد مراکز آموزش استعدادهای درخشان در کشور از دو مورد در سال ۱۳۵۰ به ۶۷۰ مرکز در سال ۱۳۹۰، افزایش دانشجویان محصل در ۲۲۳ واحد دانشگاهی از ۱۷۰ هزار دانشجوی در سال ۱۳۵۵ به چهار میلیون دانشجوی و ۲۵۴۰ واحد دانشگاهی، افزایش تعداد رشته‌های کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های موجود

کشور از ۱۸۲ رشته در سال ۱۳۵۵ به ۱۰۳۳ در سال ۱۳۹۰، ارتقای رتبه علمی ایران از پنجاه و دوم جهان در سال ۵۵ به هفدهم جهان در سال ۱۳۹۰، از دیگر مواردی است که حاکی از پیشرفت چشمگیر ایران بعد از انقلاب داشته است.

مطابق با آمار نظام استنادی اسکوپوس در سال ۲۰۰۷ مصادف با سال ۱۳۸۶ شمسی ۱۵۰۲۴ عنوان مقاله در ایران تولید شده است. در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ این میزان به ترتیب به ۱۹۴۹۲ و ۲۴۰۶۳ عنوان مقاله افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵ میزان تولیدات علمی به چهل هزار و ۵۵۶ مقاله رسیده است. ضمن آنکه کسب ۳۶۲ مدال در المپیادهای مختلف علمی جهان بهترین مؤید بر پیشرفت علمی کشور در سال‌های اخیر می‌باشد. این وضعیت به نحوی است که ایران در سال ۵۵ در هیچ عرصه‌ای قطب علمی نبود؛ اما در سال ۹۰ در ۱۴۲ حوزه به قطب علمی رسیده است.

رشد روزافزون و حضور فعال کشور در عرصه‌های علمی به طوری که تا سال ۱۳۹۱ بیش از ۲۶۱۹۶ اختراع در کشور ثبت شده است. پژوهشگران ایرانی از نظر پژوهشی با ثبت ۸۵۱۳ مقاله علمی، در ردیف شانزدهم تولید علم و در زمره دانشمندان و پژوهشگران ممتاز جهان قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی آیسسکو، جمهوری اسلامی ایران در میان ۵۷ کشور اسلامی از لحاظ علمی و پژوهشی و ثبت اختراع در رتبه اول کشورهای اسلامی قرار دارد.

در حوزه فناوری هسته‌ای، ایران بعد از پیروزی انقلاب و به خصوص در سال‌های اخیر گام‌های بزرگی را برداشته است. در ۲۰ بهمن ۱۳۸۱ رئیس‌جمهور وقت کشور خبر از تهیه سوخت هسته‌ای به دست متخصصان



در زمینه فناوری و تحقیقات «سلول‌های بنیادی»<sup>۱</sup> ایران اکنون جزو ده کشور برتر جهان محسوب می‌شود و محققان ایرانی توانسته‌اند پیشرفت‌های خوبی را در این زمینه داشته باشند. آنها توانسته‌اند از سلول‌های بنیادی حتی در پیوندهای مغز و استخوان، پوست و ترمیم بافت آسیب‌دیده قلب استفاده کنند؛ همچنین در پژوهش‌کده رویان اصفهان شبیه‌سازی سلول‌های بنیادی انجام شده است. استفاده از سلول‌های بنیادی در پیوند قرینه چشم، تکثیر سلول‌های بنیادی بند ناف به منظور درمان سرطان یا صدمات بافت قلب، عصب و سلول‌های استخوانی، ترمیم ضایعات نخاعی، شبیه‌سازی و تولید سلول‌های بنیادی جنین از جمله دستاوردهای بزرگ کشور ما در عرصه فناوری‌های نوین است. هم‌اکنون سلول‌های بنیادین جنینی و علم شبیه‌سازی نیز در کشور به دانشی بومی تبدیل شده است و شبیه‌سازی حیوانات در سال‌های اخیر باعث شده است تا ایران در زمینه سلول‌های بنیادی در جمع کشورهای مطرح در این زمینه قرار گیرد.

پیشرفت ایران در حوزه بیوتکنولوژی نیز در سال‌های پس از انقلاب چشمگیر بوده است. حدود سی سال از عمر این فناوری در ایران می‌گذرد و ایران نیز سرمایه‌گذاری‌هایی را برای تربیت نیروی انسانی و ایجاد چند مرکز تحقیقاتی آغاز کرده است. مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی و انستیتو پاستور از مؤسسات قدیمی ایران هستند که در زمینه تولید سرم و واکسن از زیست‌فناوری استفاده می‌کنند؛ اما اولین مرکز تخصصی بیوتکنولوژی، دو دهه پیش در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

ایرانی برای نیروگاه‌های هسته‌ای ایران را داد. در فروردین ۱۳۸۵ محمود احمدی‌نژاد اعلام کرد که ایران موفق به غنی‌سازی اورانیوم به میزان ۳۰۵ درصد شده است. در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۹۰ (۱۵ فوریه ۲۰۱۲) ایران از ساخت میله سوخت هسته‌ای بیست درصد غنی‌شده و بارگذاری آن در رآکتور تحقیقاتی ۵۵ مگاواتی تهران خبر داد. این پیشرفت‌ها باعث شد تا در سال ۲۰۱۳، بریتیش پترولیوم با معرفی ۲۹ کشور تولیدکننده انرژی هسته‌ای جهان، از رتبه ۲۸ ایران میان تولیدکنندگان انرژی هسته‌ای در سال ۲۰۱۳ خبر دهد و اعلام کرد ایران با افزایش سه برابری تولید انرژی هسته‌ای‌اش در این سال از هلند پیشی گرفته است.

پیشرفت‌های پزشکی ایران بعد از انقلاب اسلامی و با تکیه بر متخصصان داخلی، یکی دیگر از موفقیت‌ها در زمینه تولید علم و فناوری است؛ چنان‌که فراهم‌شدن امکانات تولید داخلی واکسن آنفلوآنزا و آنتی‌بوتولسم برای اولین بار، افزایش تعداد پزشکان از پانزده هزار نفر پیش از انقلاب به بیش از ۱۱۱۰۰۰ نفر و رفع کامل نیاز کشور به جذب پزشک خارجی، تغییر و تبدیل کشور به قطب منطقه‌ای توریسم سلامت و پذیرش و درمان بیماران خارجی در انواع بیماری‌ها، دستیابی به دانش کشت سلول‌های بنیادین، قرارگرفتن در ردیف کشورهای برتر پیوند کلیه و درمان بیماری‌های چشمی، کسب تجارب ارزشمند برای مقابله با انواع عوارض و بیماری‌های ناشی از عوامل شیمیایی و تولید داروهایی خاص از جمله زخم پای دیابتی و تولید دارو برای درمان کم‌خونی بیماران تالاسمی برای نخستین بار در جهان را می‌توان از مهم‌ترین پیشرفت‌ها و دستاوردهای پزشکی در سال‌های پس از انقلاب یاد کرد.

1. Stem Cells.

هم به صورت بومی است. تا کنون چند ماهواره با ماهواره‌بر تولید داخل در مدار زمین قرار گرفته و در آینده ماهواره‌های پیشرفته‌تر از سوی جمهوری اسلامی به فضا پرتاب خواهد شد. ایران اکنون جز شش کشور طراح، سازنده و پرتاب‌کننده ماهواره در جهان است. دستاوردهای ارزشمند در حوزه نانو، لیزر و... از دیگر آثار پیشرفت‌های علمی و فناوری ایران بعد از انقلاب است. علم نانو تحولات بزرگی را در جهان ایجاد کرده است و در ایران این نوع علم از جایگاه و موقعیت خوبی برخوردار شده است. با توجه به حوزه‌های کاربرد نانو از قبیل تولید و انباشت دارو، تشخیص بیماری‌ها، سم‌زدایی از آب، افزایش بهره‌وری در کشاورزی، انباشت و نگهداری محصولات کشاورزی و مواد غذایی، کنترل آفات و سالم‌سازی هوا، در آینده آثار این دستاوردها در زندگی مردم قابل لمس خواهد بود.

به گفته جعفر مهاد رئیس گروه دانش‌شناسی و علم و اطلاعات دانشگاه شیراز با توجه به آمار موجود، ایران تا خردادماه ۱۳۹۵ با انتشار دوهزار و ۴۳۱ مقاله در حوزه نانوفناوری بعد از کشورهای چین، آمریکا، هندوستان، کره جنوبی و آلمان در جایگاه ششم قرار داشته است. این جایگاه باعث شده است تا در این زمینه ایران رتبه اول را در بین کشورهای اسلامی به خود اختصاص دهد. ایران اکنون رتبه دوازدهم جهانی را در حوزه نانو دارد. زیست‌فناوری در ایران بعد از انقلاب و به‌ویژه در پانزده سال اخیر در تجاری‌سازی محصولات موقعیت‌های خوبی در سطح منطقه و بین‌المللی کسب کرده است. زیست‌فناوری حوزه‌ای است که در ایران بعد از انقلاب اوج گرفت و تحقیقات محققان از آن زمان به بعد آغاز شد؛ درحالی‌که محققان خارجی، خیلی زودتر تحقیقات خود را شروع کردند. با وجود اینکه

شکل گرفت. بعد از آن مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و مؤسسات تحقیقاتی دیگر در بخش‌های مختلف، به‌ویژه دانشگاه‌ها فعال‌تر شدند. در دهه هفتاد گروهی از سوی وزارتخانه‌های علوم، جهاد کشاورزی و بهداشت و درمان به خارج اعزام شدند و با بازگشت این گروه، فعالیت‌های تحقیقاتی رونق گرفت. در سال ۱۳۷۹ گروه بیوتکنولوژی به درخواست متخصصان در وزارت علوم تشکیل شد و برنامه ملی بیوتکنولوژی نتایج فعالیت این گروه است. شرکت «سینازن» اولین و بزرگ‌ترین شرکت خصوصی بیوتکنولوژی در ایران است که از سال ۱۳۷۳ فعالیت خود را آغاز نموده است و تا سال ۱۳۹۲ بیش از هشت فرآورده دارویی نو ترکیب را وارد بازار کرده است.

حوزه «هوافضا»<sup>۱</sup> یکی دیگر از حوزه‌هایی است که ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های اخیر پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. ایران با اینکه فعالیت خود را در این حوزه بسیار دیر آغاز کرد، اکنون موفق شده است در میان نه کشور صاحب چرخه کامل فناوری ماهواره در دنیا قرار گیرد.

در سال ۹۱ دانشمندان و متخصصان فضایی کشورمان توانستند با فرستادن حیات به فضا و تحقیقات زیستی، موفقیت بزرگی را در زمینه هوافضا برای کشورمان به ارمغان بیاورند و این موفقیت در سال ۹۲ با پرتاب کاوشگر «پژوهش» حامل دومین میمون فضایی ادامه یافت و باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران یک گام دیگر به اعزام انسان به فضا نزدیک‌تر شود. اکنون جمهوری اسلامی در منطقه، تنها کشور دارای این دانش و فناوری، آن

1. Aerospace.

افزایش راه‌های اصلی و فرعی کشور از ۳۶ هزار کیلومتر به بیش از ۲۱۰ هزار کیلومتر در سال ۱۳۹۴، دوبرابر شدن میزان راه‌آهن کشور، افزایش میزان راه‌آهن کشور از ۴/۶ هزار کیلومتر به نزدیک ده هزار کیلومتر، بیست برابر شدن ظرفیت بنادر کشور، ارتقای ظرفیت بنادر از ده میلیون تن به بیش از دویست میلیون تن در سال ۱۳۹۴، سی برابر شدن سدهای مخزنی کشور، تعداد سدهای مخزنی کشور از سیزده سد به حدود چهارصد سد بزرگ در سال ۱۳۹۵، چهارده برابر شدن تولید برق کشور، افزایش تولید برق کشور از بیست به ۲۸۰ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۱۳۹۴ و برق‌دار شدن ۹۹/۹ درصد روستاها (۱۰۰ درصد روستاهای بالای بیست خانوار و ۹۹/۳ درصد روستاهای زیر بیست خانوار)، افزایش دسترسی به آب تصفیه‌شده، در سال ۲۰۱۵ به ۹۶/۲ درصد، ۳۵ برابر شدن شمار مشترکان تلفن ثابت، از ۸۵۰ هزار اشتراک در قبل از انقلاب به حدود سی میلیون اشتراک، تعداد دفاتر خدمات ارتباطات و فناوری اطلاعات روستایی به هشت هزار و ۴۴۳ دفتر در آذرماه ۱۳۹۴ بودیم.

پیش از انقلاب تنها ۳/۱ میلیون مشترک برق، اعم از خانگی و عمومی و صنعتی و کشاورزی وجود داشت؛ این در حالی است که این رقم در سال ۱۳۹۲ به ۳۰/۴۱۴/۰۰۰ مشترک رسیده است. شبکه سراسری توزیع برق ایران، فاصله زمین تا ماه را به صورت چهل برابری پوشش می‌دهد. هم‌اکنون میزان تولید برق در ایران به‌گونه‌ای است که در مقاطعی از سال به کشورهای همسایه برق صادر می‌شود. وضعیت آبرسانی در سال ۱۳۵۷ میزان تولید آب ۱/۵ میلیون متر مکعب آب و تعداد انشعابات ۲/۷ میلیون بوده است؛ اما این رقم تا سال ۱۳۹۴ در کل کشور ۴۵۰ هزار کیلومتر شبکه آبرسانی شهری و روستایی وجود داشته است و نرخ دسترسی به آب لوله‌کشی سالم در مناطق

تحقیقات در حوزه زیست‌فناوری بعد از انقلاب نمایان شد، پیشرفت‌های خوبی در راستای تولید محصول و صادرات آنها در چندین حوزه از جمله داورها و کودهای زیستی پدیدار شده است. درحالی‌که قرار بر کسب رتبه اول در این حوزه در سال ۱۴۰۴ بوده است، این مسئله در سال ۱۳۹۱ رقم خورد و به گفته دبیر ستاد توسعه زیست‌فناوری، رتبه ایران در دنیا از لحاظ تولید محصول در حوزه زیست‌فناوری هفدهم است.

#### ۱۰. جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته در زمینه اقتصادی و زیرساختی چه عملکردی داشته است؟

اقتصاد ایران و وضعیت اقتصادی مردم با انقلاب اسلامی به‌طورکلی متحول گردید. هرچند هم‌اکنون به دلایلی کشور با مشکلات اقتصادی و از جمله به دلیل تحریم‌ها و فشارهای خارجی دست و پنجه نرم می‌کند، وضعیت اقتصادی ایران و میزان برخورداری مردم در حوزه‌های گوناگون با دوران قبل از انقلاب بسیار متفاوت است. پس از انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از نهادهای انقلابی با هدف رفع فقر و محرومیت به‌ویژه از مناطق روستایی و شهرهای کوچک تشکیل شد و هریک از نهادها در ایجاد تحول در وضعیت اقتصادی مردم و کشور نقش مؤثری ایفا کردند. جهاد سازندگی، بنیاد مسکن، کمیته امداد حضرت امام خمینی؛ نمونه‌هایی از این نهادها می‌باشند. با انقلاب اسلامی، بسیاری از شاخص‌های زندگی در ایران به دلیل دستاوردهای اقتصادی و خدمات‌رسانی جمهوری اسلامی بر اساس سیاست پیشرفت و عدالت تغییر کرد.

چنان‌که در بخش زیرساخت‌ها، شاهد شش برابر شدن راه‌های کشور،

تن در سال ۱۳۵۷ به ۴۸/۱ میلیون تن در سال ۱۳۹۴، ۲۴ برابر شدن تولید فولاد خام، افزایش میزان تولید فولاد خام ۶۸۰ هزار تن در سال ۱۳۵۷ به ۱۶/۷ میلیون تن در سال ۱۳۹۴، پانزده برابر شدن تولید محصولات فولادی، و تولید یک میلیون تن محصولات فولادی در سال ۱۳۵۷ به ۱۵/۷ میلیون تن در سال ۱۳۹۴، افزایش میزان تولید ناخالص داخلی ۱۱۹ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۵۶ به ۲۰۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۳، افزایش نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۵۶، از حدود ۳/۷ - درصد به ۴/۵ درصد سال ۱۳۹۵ از دیگر شاخصه‌هایی است که بیانگر پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در زمینه تولید ملی بوده است.

در زمینه کشاورزی نیز، قبل از انقلاب به دلیل نابودی کشاورزی سنتی ایران، بسیاری از نیازمندی‌های روزانه مردم از قبیل مرغ از فرانسه، گوشت از استرالیا، تخم‌مرغ از رژیم صهیونیستی، سیب از لبنان، مواد لبنی از دانمارک و... وارد می‌شد. بر اساس آمار در رژیم گذشته کشور تنها قادر بود غذای ۳۳ روز را در داخل تهیه کند. اکنون با توجه به دو برابر شدن جمعیت، کشور می‌تواند غذای سیصد روز را در داخل تهیه نماید و با روندهای موجود در آینده به صد درصد خواهد رسید.

در زمینه دارویی، قبل از انقلاب عمدتاً با کمک شرکت‌های خارجی کمتر از ۲۵ درصد داروی مورد نیاز در داخل کشور تولید می‌شد و از طرفی نیز بسیاری از بیماران برای معالجه به خارج از کشور اعزام می‌شدند؛ ولی اکنون با تکیه بر توان داخلی بیش از ۹۶ درصد داروهای مورد نیاز در داخل کشور تولید می‌شود و جمهوری اسلامی ایران نیز به یکی از صادرکنندگان دارو تبدیل شده است.

روستایی نیز افزایش یافته است که با توجه به پراکندگی وسیع خانواده‌های روستایی در کشور، دستاورد عظیمی محسوب می‌شود.

بررسی شاخص‌های مهم بخش گاز و گازرسانی تا سال ۱۳۸۷ حاکی از افزایش مصارف داخلی گاز طبیعی (خانگی، تجاری، صنایع عمده و نیروگاهی) از ۶/۸ میلیون متر مکعب در روز به ۳۶۲/۴ میلیون متر مکعب در روز، افزایش ظرفیت پالایش و نهم‌زدایی (تجمعی) از ۳۶ میلیون متر مکعب در روز به ۴۹۷/۵ میلیون متر مکعب در روز، افزایش مصرف گاز در نیروگاه‌ها از چهار میلیون متر مکعب در روز به ۱۱۷/۱ میلیون متر مکعب در روز، افزایش احداث خطوط انتقال گاز طبیعی از ۲۹۰۰ کیلومتر به ۳۰۱۵۳ کیلومتر، افزایش میزان انشعابات نصب‌شده از پنجاه هزار انشعاب به ۷۰۰۱۸۱۵ انشعاب، افزایش جمعیت تحت پوشش گازرسانی از ۲۲۵ هزار نفر به ۵۵ میلیون و ۸۶ هزار نفر، افزایش خانوارهای تحت پوشش گاز طبیعی از ۵۱ هزار خانوار به ۱۴ میلیون و ۳۹۷ هزار و ۲۰۰ خانوار، افزایش تعداد شهرهای گازرسانی‌شده از پنج شهر به ۷۴۴ شهر و افزایش تعداد روستاهای گازرسانی‌شده از یک روستا به ۷۳۶۴ روستاست که نشان‌دهنده حجم عظیم سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش است.

همچنین در زمینه تولید ملی، صادرات غیرنفتی ۵۷ برابر شده است و افزایش صادرات غیرنفتی از ۵۴۳ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۳۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ رسیده است. ۵/۶ برابر شدن تولید و مونتاژ خودرو، افزایش تولید و مونتاژ ۱۵۰ هزار دستگاه خودرو در سال ۱۳۵۷ به تولید و مونتاژ حدود ۹۷۷ هزار دستگاه خودرو در سال ۱۳۹۴، سی برابر شدن تولید محصولات پتروشیمی، افزایش تولید محصولات پتروشیمی از ۱/۶ میلیون

شده است و از ۱۴/۴۳ میلیون لیتر در روز به ۴۳/۱۸ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است.

البته ناگفته نماند پس از سال ۱۳۸۸ با توجه به طرح تحول اقتصادی و همچنین سرمایه‌گذاری‌های جدید در واحدهای پالایشگاهی کشور، آمارهای تولید مربوط به بنزین و چهار فراورده اصلی دیگر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است.

تولید گاز مایع پس از انقلاب و تا پایان سال ۱۳۸۸، نسبت به قبل از انقلاب با رشدی بالغ بر ۱۴۳ درصد تقریباً ۲/۴ برابر شده و از ۳/۴۴ میلیون لیتر در روز به ۸/۳۶ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است. تولید نفت سفید پس از انقلاب نسبت به قبل از آن با رشدی بالغ بر ۳۹/۱ درصد تقریباً ۱/۴ برابر شده و از ۱۳/۳۱ میلیون لیتر در روز به ۱۸/۵۲ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است. تولید نفت گاز پس از انقلاب و تا پایان سال ۱۳۸۸ نسبت به ۶۷ سال قبل از انقلاب (۱۲۹۱ تا ۱۳۵۷) با رشدی بالغ بر ۲۵۴/۸ درصد تقریباً ۳/۵ برابر شده و از ۲۵ میلیون لیتر در روز به ۸۸/۷ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است.

مقایسه خوراک مورد مصرف در پالایشگاهی ایران شامل نفت خام و میعانات گازی پس از انقلاب و تا پایان سال ۱۳۸۸ نسبت به ۶۷ سال قبل از انقلاب (۱۲۹۱ تا ۱۳۵۷) با رشدی بالغ بر ۱۲۸/۶ درصد تقریباً ۲/۳ برابر شده و از ۷۴۷ هزار بشکه در روز به ۱۷۰۸ هزار بشکه در روز افزایش یافته است. مقایسه شاخص‌های مهم بخش پتروشیمی تا ۱۳۸۷ و در طی سه دهه پس از انقلاب میزان تولید محصولات پتروشیمی از یک میلیون و ۶۰۴ هزار تن در سال به سی میلیون و چهل هزار تن در سال، مقدار فروش داخلی

پیشرفت‌های صنعت نفت نیز پس از انقلاب بسیار چشمگیر بوده است؛ به نحوی که پس از انقلاب تا پایان سال ۱۳۸۸ تولیدات پنج فراورده اصلی پالایشی، نسبت به قبل از انقلاب با رشدی بالغ بر ۱۳۵/۵ درصدی حدود ۲/۴ برابر شده است. در این مدت مجموع تولید پنج فراورده اصلی (گاز مایع، بنزین، نفت سفید، نفت گاز و نفت کوره) از ۹۹/۷۴ میلیون لیتر در روز به بیش از ۲۳۵.۷۳ میلیون لیتر در روز افزایش یافته است.

همچنین ذخایر هیدروکربوری مایع تا قبل از انقلاب ۱۴۵/۹۴ میلیارد بشکه بوده که بعد از انقلاب و تا سال ۱۳۹۰ به ۱۵۴/۸ میلیارد بشکه رسیده و ذخایر قابل استحصال گاز طبیعی از ۱۲/۷۵ تریلیون متر مکعب در ابتدای سال ۵۷، به بیش از ۳۳ تریلیون متر مکعب در سال ۱۳۹۰ رسیده است که نشان‌دهنده برداشت صیانتی از میادین نفتی و سرمایه‌گذاری‌های جدید است. در سه دهه اخیر ۳۶/۴ میلیارد بشکه نفت خام و ۲۱۹۴ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی استخراج شده است.

در تولید و فروش نفت، گاز، مایعات و میعانات گازی، تزریق گاز و حفاری و تولید بنزین نیز پیشرفت چشمگیری رخ داد؛ چنان‌که متوسط تولید گاز غنی از ۱۱۰ میلیارد متر مکعب به ۵۵۱/۹ میلیارد متر مکعب، میزان تولید مایعات و میعانات گازی و نفتی که از ۳۱/۳ هزار بشکه در روز به ۴۴۸/۲ هزار بشکه در روز، تزریق گاز به میادین نفتی که از ۲/۷ میلیون متر مکعب در روز به ۷۷/۷ میلیون متر مکعب و عملکرد حفاری از متوسط ۱۱۷ هزار متر در سال قبل از انقلاب به ۴۹۱/۶ هزار متر تا سال ۱۳۹۰ رسیده است. تولید بنزین پالایشگاهی پس از انقلاب و تا پایان سال ۱۳۸۸ نسبت به قبل از انقلاب تا ۱۳۵۷ نیز با رشدی بالغ بر ۱۹۹/۲ درصد تقریباً سه برابر

محصولات پتروشیمی از ۵۷۰ هزار تن در سال به هفت میلیون و ۵۵۶ هزار تن در سال، ارزش فروش داخلی محصولات پتروشیمی از یک میلیارد و صد میلیون تومان به چهل میلیارد و ۵۶ میلیون تومان، مقدار صادرات پتروشیمی از ششصد هزار تن به دوازده میلیون و ۲۶۸ هزار تن و ارزش صادرات محصولات پتروشیمی از ۴۶ میلیون دلار به هفت میلیارد و ۸۵۵ میلیون دلار افزایش را نشان می‌دهد.

افزایش مصرف بنزین و جوابگونی بودن تولید داخلی سبب شد تحریم صادرات بنزین به ابزاری برای تحمیل خواسته‌های غرب به ایران تبدیل شود که البته با کنترل مصرف و اجرای طرح‌های توسعه‌ای پالایشگاه‌های کشور با شکست روبرو شد و امروزه شاهد صفرشدن واردات بنزین هستیم.

اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و سپس اصلاح قیمت بنزین سبب شد میانگین مصرف روزانه بنزین کشور از ۷۳/۶ میلیون لیتر در روز در سال ۱۳۸۶ به کمتر از شصت میلیون لیتر در سال ۱۳۹۱ کاهش یابد. هم‌اکنون تولید بنزین موتور در کشور به بیش از ۶۰ تا ۶۵ میلیون لیتر [به همراه افزایش اکتان و اختلاط در انبار] در روز رسیده است و با در نظر گرفتن متوسط مصرف روزانه حدود شصت میلیون لیتر در داخل می‌توان گفت تولید در حال پیشی گرفتن از مصرف است که البته با بهره‌برداری از هفده طرح پالایشگاهی که در دست اجراست، به مرور توان صادرات بنزین ایران افزایش خواهد یافت.

## فصل سوم

### عملکرد خارجی جمهوری اسلامی ایران

وقوع انقلاب اسلامی علاوه بر تحولات داخلی باعث تغییر بنیادین در جهت‌گیری‌های خارجی نیز شد. اصل راهنما در این سیاست خارجی، «اصل نه شرقی نه غربی» و اتخاذ رویکرد استقلال‌طلبانه بر اساس منافع ملی و مصالح اسلامی بود؛ از این رو سیاست خارجی ایران با مؤلفه‌هایی مانند عدالت‌طلبی، مبارزه با استکبار، رد سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حمایت از مستضعفان جذابیت زیادی برای ملت‌ها و دولت‌هایی داشت که از سلطه یکی از دو بلوک شرق و غرب ناراضی بودند. از سویی این ظرفیت فکری در انقلاب اسلامی بازتاب بسیاری بر بازیگران رسمی و غیررسمی داشت که تحت مقوله صدور انقلاب مطرح شد. با تثبیت جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر نیز، الگوی امنیت پایدار جمهوری اسلامی برای بسیاری از کشورهای بحران‌خیز منطقه جذابیت فراوانی داشت و زمینه حضور مستشاری جمهوری اسلامی در برخی کشورها را فراهم کرده است. در این فصل به مجموعه‌ای از پرسش‌ها در این زمینه می‌پردازیم.

### ۱. مهم‌ترین اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی چیست؟

سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی تابعی از وابستگی به بلوک غرب تعریف می‌شد. حضور در ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در صورت تأیید آمریکا صورت می‌پذیرفت. تنها وضعیت دولت پهلوی در سیاست خارجی چنین نبود؛ بلکه همه کشورها یا در بلوک شرق قرار داشتند یا وابستگی آنها به بلوک غرب بود و راهی برای اتخاذ یک سیاست خارجی مستقل برای کشورها متصور نبود. پیروزی انقلاب اسلامی باعث برجسته‌شدن یک اصل بنیادین در سیاست خارجی شد که همه جهت‌گیری‌ها را تحت تأثیر قرار داد. این اصل با عنوان «نه شرقی نه غربی؛ جمهوری اسلامی» مطرح شد و نشانگر مسیر جدیدی بود که ملاک تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، وابستگی به غرب و شرق نیست؛ از این رو امام خمینی فرمود: «از همان بدو انقلاب و از قبل و از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته شد مسیر، مسیر انبیا بود. مسیر راه مستقیم<sup>۱</sup> نه شرقی نه غربی" بوده و جمهوری اسلامی بوده و تا کنون هم ملت ما به همان مسیر باقی است». بخش اول اصل نه شرقی نه غربی، جنبه سلبی و به معنای نفی هرگونه سلطه بر کشور توسط غرب یا شرق است و بخش دوم "جمهوری اسلامی" رویکرد ایجابی دارد.

بر اساس این اصل جمهوری اسلامی در سیاست خارجی سلطه هیچ کشور خارجی را نمی‌پذیرد و همان‌طور که سلطه‌جویی ندارد، سلطه دیگران را نیز قبول نمی‌کند. این مبنا سیاست خارجی جدیدی را طلب می‌کند که در فضای جنگ سرد و بعد از آن، سیاست خارجی مستقلی دنبال شود که در برخی موارد با منافع یک یا هر دو بلوک شرق و غرب تعارض پیدا کند.

همکاری دو بلوک در جنگ تحمیلی علیه ایران یکی از این موارد است. اصل نفی سلطه غرب و شرق مبنای قرآنی دارد که در آیه ۱۴۱ سوره نساء نیز آمده است: «ولن يجعل الله للكافرين على المسلمين سبيلا». بر اساس همین مبنای قرآنی است که امام خمینی در تحریر الوسیله اعتقاد دارد: «اگر روابط تجاری با کفار موجب ترس بر حوزه اسلام شود، ترک این روابط بر مسلمانان واجب می‌شود. در اینجا فرقی میان استیلاء سیاسی یا فرهنگی و معنوی دشمن وجود ندارد. اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود و برقرار می‌گردد، موجب تسلط کفار بر نفوس بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی اینها گردد، برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود، باطل است». <sup>۱</sup> بر اساس همین فهم از اسلام است که در اصول قانون اساسی نیز سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی در سیاست خارجی نفی شده است:

**اصل یکصد و پنجاه و دوم:** سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.

**اصل یکصد و پنجاه و سوم:** هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.

**اصل یکصد و پنجاه و چهارم:** جمهوری اسلامی ایران سعادت

۱. روح‌الله خمینی؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۱۸۵.

دو بخش از ملت‌های قرار داشت. در مرحله اول ملت‌های مسلمان که تحت سلطه رژیم‌های غیرمردم‌سالار بودند و از ظلم و ناعدالتی رنج می‌بردند، با این مفاهیم ارتباط برقرار می‌کردند. در واقع آنها تحقق اصول اسلامی را در ایران، الگویی برای رفع چالش‌ها و محرومیت‌های خود تلقی می‌کردند؛ از این رو طبیعی است که انقلاب ایران برای آنها جذابیت داشته باشد؛ لذا بسیاری از ملت‌های مسلمان که وضعیت مشابهی مانند جامعه ایران قبل از انقلاب داشتند، با ادبیات مطرح شده توسط رهبران انقلاب اسلامی ارتباط برقرار می‌کردند و با رجوع به مبانی اسلامی وظیفه خود را تداوم این راه می‌دانستند. در این مسیر وظیفه رهبران انقلاب اسلامی نیز ارائه این مفاهیم اسلامی برای رفع بحران‌های معاصر بود. انقلابیون وظیفه خود را رساندن پیام عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی به همه ملت‌های مسلمان می‌دانستند؛ به همین دلیل امام خمینی می‌فرماید: «گفتار اسلامی باشد تا صادر بشود این جمهوری اسلامی در سایر کشورها، صدور با سرنیزه، صدور نیست. صدور با زور، صدور نیست. صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی در اینجاها رشد پیدا بکنند».

بنابراین در این رویکرد، ملت‌های مسلمان مخاطب پیام‌های انقلاب قرار می‌گیرند و صدور انقلاب به معنای رساندن محتوای فرهنگی انقلاب به این مخاطب است و حضرت امام در این زمینه نیز اعتقاد دارد: «مسئله دیگر صدور انقلاب است که بارها گفته‌ام ما با کسی جنگی نداریم. امروز انقلاب ما صادر شده است. در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته‌اند. باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن‌گونه که هست به دنیا معرفی نماییم. وقتی ملت‌ها اسلام را شناختند، قهراً به آن روی می‌آورند و ما چیزی

انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنا بر این در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

بنابراین مهم‌ترین اصل راهنما در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصل «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» است که راه جدیدی را در فضای دوقطبی در برابر جامعه بین‌الملل قرار داد. بر اساس این اصل بازیگری جدید در صحنه بین‌المللی فعال شد که برخلاف دیگر بازیگران به هیچ‌یک از دو بلوک غرب و شرق وابستگی نداشت و به دنبال الگوی جدیدی مبتنی بر مبانی اسلامی بود که مهم‌ترین مؤلفه‌های آن در سیاست خارجی، استقلال، نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حمایت از مستضعفان، جنبش‌های آزادی‌بخش و همزیستی مسالمت‌آمیز بود.<sup>۱</sup>

## ۲. صدور انقلاب که توسط رهبران انقلاب اسلامی مطرح شد به چه معناست؟

انقلاب‌هایی که مبتنی بر اندیشه و مبانی فکری قومی هستند، بازتاب آنها محدود به مرزهای ملی آنها نیست. در چنین انقلاب‌هایی شعارها، اهداف و آرمان‌های مطرح شده معمولاً مورد استقبال ملت‌های دیگر نیز قرار می‌گیرد. انقلاب اسلامی نیز با توجه به مبانی فکر اسلامی، اندیشه‌ها و آرمان‌های جدیدی را مطرح کرد که مهم‌ترین آنها حمایت از مستضعفان، عدالت‌طلبی، مبارزه با استکبار و استبداد بود. به صورت طبیعی این آرمان‌ها مورد توجه

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: منوچهر محمدی؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۷۷.



انقلاب را به شکل متعارف در عرف سیاسی و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی بشود آن را صادر کرد یا با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد؛ این غلط است؛ ما از اول، این راه را بستیم. مسئله جمهوری اسلامی، مسئله بازتولید معارف والای اسلامی است تا مسلمان‌ها احساس هویت کنند، احساس شخصیت اسلامی کنند، با تعالیم اسلام که نجات‌بخش بشریت است، آشنا شوند... استکبار و دستگاه‌های استعماری در طول دو بیست سال سعی کردند این مفاهیم را از یاد مسلمان‌ها ببرند؛ آنها را از هویت خودشان غافل کنند تا بتوانند دست تجاوز را به محیط سیاسی آنها، به محیط اقتصادی آنها، به فرهنگ بومی آنها دراز کنند و تناول کنند. انقلاب اینها را به یاد امت اسلامی آورد.<sup>۱</sup>

### ۳. چرا جمهوری اسلامی ایران با دولت صهیونیستی در منطقه اختلاف دارد؟

رژیم اشغالگر قدس یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بحران‌زا در منطقه خاورمیانه است و جمهوری اسلامی به دلایل مختلفی با آن مخالفت دارد. مهم‌ترین نکته، تشکیل غیرقانونی این رژیم است که در سال ۱۹۴۸ رخ داده است. در واقع پروژه‌ای انگلیسی از اعلامیه بالفور ۱۹۱۹ آغاز شد که نتیجه آن تعهد انگلیسی‌ها به تشکیل کشوری یهودی در سرزمین فلسطینیان مسلمان بود. پس از آن با مدیریت انگلیس و در نهایت آمریکا پروژه‌ای دنبال شد که نتیجه آن اخراج بسیاری از فلسطینی‌ها از سرزمین تاریخی‌شان و ورود یهودیان و

جز پیاده‌شدن احکام اسلام در جهان نمی‌خواهیم». در این گفتگویی که انقلاب اسلامی مطرح می‌کرد، علاوه بر ملت‌ها، دولت‌ها نیز مخاطب این پیام فکری - فرهنگی بودند. به این معنا که اگر دولتی نیز از مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی رضایت نداشت یا در معادلات قدرت سلطه بیگانگان را پذیرفته بود، با پیروزی انقلاب اسلامی و شعار استقلال‌طلبی مطرح‌شده در آن برای بسیاری از کشورهای جهان سوم جذابیت داشت؛ لذا مخاطب این پیام دولت‌ها بودند و حضرت امام نیز در این زمینه می‌فرماید: «معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهد».

بنابراین صدور مد نظر رهبران انقلاب اسلامی، رساندن پیام و اهداف انقلاب به دولت‌ها و ملت‌هایی است که تحت سلطه قدرت‌های استکباری هستند. در این نگاه صدور سخت و دخالت در امور دیگر کشورها مد نظر نیست؛ هرچند مخالفان انقلاب اسلامی ایران، بازتاب‌های فراملی را به عنوان دخالت در امور دیگران ترویج می‌کنند، واقعیت این است که حضرت امام فرمود: «مسئله دیگر صدور انقلاب است که بارها گفته‌ام ما با کسی جنگی نداریم. امروز انقلاب ما صادر شده است. در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته‌اند. باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن‌گونه که هست به دنیا معرفی نماییم. وقتی ملت‌ها اسلام را شناختند، قهراً به آن روی می‌آورند و ما چیزی جز پیاده‌شدن احکام اسلام در جهان نمی‌خواهیم» و مقام معظم رهبری نیز در این زمینه فرموده‌اند: «هدف این نیست که ما

۱. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۸۹/۰۸/۰۳. برای مطالعه بیشتر رک: سیدجلال دهقانی فیروزآبادی؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۹۱.

ترور دانشمندان ایرانی توسط سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی بر می‌گردد که برای مقابله با پیشرفت علمی به حذف اندیشمندان ایران می‌پردازد؛ اما ایران علاوه بر مخالفت با جنایت‌های این رژیم به صراحت و مکرراً پیشنهاد حل مسئله فلسطین را به دنیا ارائه داده است. این پیشنهاد نیز نشان‌دهنده منطق صریح و قانونی و اصولی ایران است که همه افکار جهانی آن را می‌پذیرند؛ اما ابرقدرت‌ها مانع آن هستند. «ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند».<sup>۱</sup> بنابراین «این پیشنهاد این است که همه صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در یک همه‌پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه فلسطینی‌هایی که سال‌ها مشقت آوارگی را تحمل کرده‌اند نیز در این همه‌پرسی شرکت کنند. دنیای غرب باید بداند نپذیرفتن این راه حل، نشانه پایبند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم می‌زنند و این آزمون افشاگر دیگری علیه آنان خواهد شد».<sup>۲</sup> حمایت بدون شرط و چشمداشت ایران از فلسطین، نشان‌دهنده صداقت ایران در مواضع انسانی او در عرصه بین‌الملل است؛ بنابراین مخالفت‌های ایران با رژیم صهیونیستی مخالفت با مشروع نبودن در مرحله تأسیس این رژیم است که به صورت جعلی و با حمایت قدرت‌های سلطه‌گر در این منطقه تأسیس و باعث شهادت و آواره شدن مردم فلسطین شده است. در مرحله تداوم نیز جمهوری اسلامی با این رژیم به دلیل اینکه عامل ایجاد بحران در منطقه و دخالت در

صهیونیست‌های سراسر دنیا به این منطقه شد. این رژیم با اشغال‌گری و تجاوز سرزمین و خاک مردم فلسطین را تصرف کرد و اکنون نیز با زور اسلحه و جنایت این روند را ادامه می‌دهد. روشن است چنین اقدامی محکوم و مخالفت با آن کاملاً منطقی و عقلانی است. ایران این روند را یک روند غیرقانونی و بدعت بین‌المللی می‌داند و بر این اساس هیچ‌گاه این رژیم را به رسمیت نشناخته و آن را غاصب و اشغالگر می‌داند.

از سویی رژیم صهیونیستی از ابتدای تشکیل غیرقانونی‌اش، همیشه عاملی برای تزلزل در ثبات و امنیت منطقه بوده است. این رژیم در طول هفتاد سال حیاتش همواره در حال تجاوز و جنایت بوده است و با حمایت ابرقدرت‌هایی مانند آمریکا یک تهدید دائمی برای منطقه است. از طرفی خطر این رژیم در راه‌اندازی جنگ و بمباران، با داشتن بیش از سیصد کلاهک هسته‌ای بیش از سطح منطقه، خطری برای بشریت است. وقتی عامل بیشتر بحران‌های خاورمیانه رژیم جعلی اسرائیل است، طبیعی است ایران با آن مخالفت کند. از آنجاکه تأسیس اسرائیل اقدامی ناهمگون با نظم موجود منطقه بوده است، برای اینکه این موضوع غیرقانونی به صورت کامل در منطقه قبولانده شود، این رژیم ناچار است نظم موجود را به هم بزند تا جایی که منطقه‌ای جدید با مختصات جدید به نفع اسرائیل ایجاد شود. از مصادیق این موضوع طرح خاورمیانه بزرگ و انواع حمله‌ها برای ساقط کردن دولت‌های هدف، بمباران و بمب‌گذاری و ترور در کشورهای مختلف، نابود کردن مخالفان، اختلاف‌افکنی و... است که موجب نفی ثبات و ایجاد ناامنی در منطقه بوده است. بخش دیگری از اختلاف به

۱. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۷۹/۷/۹.

۲. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۸۷/۱۲/۱۴.

دفاع از مسلمانان و هر مظلومی، بر هر مسلمانی واجب دانسته شده است. در قانون اساسی ایران که بر اساس اصول اندیشه اسلامی و ارزش‌ها و تکالیف آن بنا نهاده شده است، حکومت نباید در قبال کشتار و تضییع حقوق مسلمانان بی‌گناه و مظلوم و اشغال سرزمین‌های آنان بی‌توجه باشد و سکوت نماید.<sup>۱</sup> بر این اساس برای ایران مردم فلسطین موضوعیت ندارند؛ بلکه هرکس و جامعه‌ای که مصداق این موضوع قرار گیرد، به دلیل این وظیفه اسلامی مورد حمایت ایران قرار خواهد گرفت.

رهبر جمهوری اسلامی ایران در این باره چنین می‌گوید: «طرح مسئله فلسطین برای جمهوری اسلامی یک امر تاکتیکی نیست؛ یک امر بنیانی است [که] از اعتقاد اسلامی ناشی می‌شود. وظیفه ماست که این کشور اسلامی را از سلطه و چنگ قدرت غاصب و پشتیبان‌های بین‌المللی اش دریاوریم، به دست مردم فلسطین بسپاریم؛ این وظیفه دینی است، وظیفه همه مسلمان‌هاست؛ همه ملت‌های اسلامی، همه دولت‌های اسلامی وظیفه دارند که این کار را انجام بدهند؛ این یک وظیفه اسلامی است».<sup>۲</sup> از طرفی در اندیشه اسلامی مقابله با استکبار و ظلم وظیفه مسلمانان است و به دلیل این اصل مهم، این موضوع در قانون اساسی کشور ایران نیز گنجانده شده<sup>۳</sup> است و نهادهای جمهوری اسلامی ایران موظف به عمل به آن هستند.

۱. «جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

۲. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۲۵.

۳. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری... دفاع از حقوق همه مسلمانان می‌باشد» (اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

امور داخلی کشورها و ترور دانشمندان مخالفت دارد. این مخالفت‌ها از جنس اختلافات عادی کشورها نیست که با مذاکره حل شود. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی تأسیس این رژیم را غیرقانونی و ظالمانه می‌داند، مقابله تا نابودی این رژیم را استراتژی خود قرار داده است و یکی از عوامل محبوبیت جمهوری اسلامی در بین ملت‌های مسلمان، ثبات در حمایت از مردم فلسطین است. در حالی که بسیاری از کشورها عربی و اسلامی با این رژیم وارد تعامل و مذاکره شده‌اند، جمهوری اسلامی به دلیل اختلاف بنیادین با رژیم صهیونیستی در صف مقدم حامیان فلسطین قرار دارد.

#### ۴. دلیل حمایت جمهوری اسلامی از فلسطین چیست؟

رژیم صهیونیستی همواره یکی از هم‌پیمانان رژیم پهلوی بود که بسیاری از مناسبات منطقه‌ای با هماهنگی این دو بازیگر و با نظارت و مدیریت آمریکا صورت می‌پذیرفت. یکی از اولین پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی لغو همه‌جانبه مناسبات با این رژیم بود و سفارت کشور فلسطین در تهران تشکیل شد. حمایت جمهوری اسلامی از مردم فلسطین یک حمایت راهبردی و درازمدت بوده است که با وجود تفاوت در جهت‌گیری دولت‌ها، هیچ‌گاه تغییر نکرده است. این حمایت بلندمدت و راهبردی حداقل با سه دلیل توسط جمهوری اسلامی دنبال شده است:

در تفکر اسلامی، مسلمانان یک امت واحد هستند و مرزهای جغرافیایی، زبانی، رنگ و... محدوده‌های اعتباری هستند که سبب جدایی آنها از یکدیگر نیست. اسلام همه انسان‌ها را در مقابل یکدیگر مسئول و پاسخگو می‌داند و

بر خلاف القائات رسانه‌های جریان سلطه که سعی دارد مواضع بین‌المللی ایران را بر اساس طایفه‌گرایی مذهبی نشان دهند، این حمایت و تقویت دائم مردم فلسطین که بیشتر آنها و جریان فعال سیاسی آنها غیرشیعی هستند، نشان می‌دهد کنش ایران در این رابطه فراتر از این مسائل و فارغ از مسائل مذهبی و طایفه‌گرایی مذهبی و موضوع عرب و عجم است. درواقع ایران در مهم‌ترین موضع بین‌المللی خود صادقانه از مظلوم دفاع و با ظلم مقابله کرده است؛ درحالی‌که این موضع در جهت تقویت جریان شیعی هم نبوده است و ایران هم برای این حمایت هزینه زیادی داده است. این نشان می‌دهد حمایت ایران از گروه‌هایی که شیعی هستند، برای گسترش شیعه و رقابت با مذاهب دیگر نیست و این القائات را رسانه‌های ذی‌نفع برای حمله به ایران و ایجاد ترس و تفرقه میان مردم منطقه و مسلمانان ترویج کرده‌اند، تا در نتیجه ایجاد اختلاف منافع خودشان را برداشت کنند.

#### ۴. چرا ایران در برخی کشورها مانند سوریه حضور نظامی دارد؟

بر خلاف قدرت‌هایی که به صورت غیرقانونی و با نیت ایجاد بحران وارد سوریه شدند، ایران به درخواست دولت سوریه و به شکل کاملاً قانونی در سوریه حضور پیدا کرد و بارها این مطلب به صورت رسمی توسط خود حکومت سوریه نیز اعلام شد. حتی ایران اعلام کرد هر موقع دولت سوریه تشخیص دهند به ادامه این حضور نیازی نیست، از سوریه خارج می‌شویم. این نشان می‌دهد این حضور یک حضور مشروع و قانونی و موجه و بنا بر دعوت رسمی یک حکومت قانونی است. بر خلاف این، آمریکا، اسرائیل، عربستان و برخی از کشورهای دیگر، حضور بدون مجوز از سوی دولت

دومین دلیل حمایت ایران از فلسطین، وظیفه انسانی است؛ حتی اگر اسلام حمایت از مظلوم را بر عهده مسلمانان نگذاشته بود، انسانیت و اخلاق حکم می‌کند از مظلوم حمایت شود و جلوی ظلم گرفته شود. البته اسلام هم چون طرفدار و مدافع اخلاق و انسانیت است، دفاع از آن را وظیفه دانسته است. انسانیت و اخلاق زبان مشترک همه بشریت است و همه طرفدار مظلوم و مخالف ظلم هستند؛ مگر کسانی که در پی سلطه و تجاوز هستند و منافع خودشان را به انسانیت و اخلاق ترجیح می‌دهند. مردم فلسطین از ابتدای تأسیس رژیم جعلی اسرائیل مورد ظلم و تجاوز بوده‌اند. صهیونیست‌ها هزاران تن از آنها را کشته‌اند و هزاران هکتار از اراضی آنها را تصاحب کرده‌اند و این قتل و تجاوز و جنایت همچنان هم ادامه دارد. فلسطینی‌ها نیز در طول این هفتاد سال به حمایت افراد طرفدار آزادی و انسانیت نیاز داشته‌اند و ایران یکی از معدود حامیان دائمی آنها در میان حکومت‌ها بوده است.

از دیگر دلایل حمایت ایران از فلسطین این است که رژیم جعلی اسرائیل، دشمن مشترک ایران و فلسطین بوده است و همان‌گونه که علیه مردم فلسطین ظلم و جنایت می‌کند، علیه مردم ایران نیز انواع ظلم‌ها و جنایت‌ها را انجام داده است. مردم ایران قربانی دائم توطئه‌های مکرر اسرائیل بوده‌اند. حمایت از صدام در جنگ، ترور دانشمندان و مسئولان فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، هواپیمارمایی، مشارکت فعال در بمب‌گذاری‌ها و انفجار و کودتاها و ترورهای علیه ایران، جاسوسی، ایران‌هراسی در دنیا، بخشی از این توطئه‌ها و جنایت‌هاست؛ بنابراین تقابل ایران با رژیم صهیونیستی، از جایگاه یک قربانی و برای حفظ منافع ملی خود و یک اقدام متقابل است و از طرفی

و بازدید در میداین نبرد، از الزامات تاکتیکی لازم برای آموزش نیروهاست و این مسئله باعث شهادت مستشاران نیز بوده است.

حضور ایران در سوریه در اوج وضعیتی بحرانی بود که دیگران در این کشور ایجاد کرده بودند. در این وضعیت ایران وارد سوریه شد و نتیجه این حضور پس از چند سال، گذر از بحران و ایجاد ثبات بود؛ بنابراین این حضور مثبت بود که شرایط جنگی را به صلح و پایان جنگ تبدیل کرد و بحران را خاتمه داد. به صورت طبیعی بازیگرانی که این بحران را ایجاد کردند و از وجود آن نفع برده‌اند، از حضور ایران و ایجاد ثبات خشمگین باشند؛ چراکه منافع آنان در آشوب و بحران منطقه است؛ از این رو در رسانه‌ها این حضور را منفی جلوه می‌دهند.

از سویی گروه‌های اصلی تروریستی در سوریه و عراق بارها اعلام می‌کردند در صورت پیروزی در سوریه، هدف بعدیشان ایران است و در حین حضور در سوریه و عراق هم بارها ایران را هدف گرفتند (نمونه مجلس در تهران و حمله به مردم در اهواز)؛ بنابراین ایران برای دفاع از منافع ملی و امنیت و مردم خود باید مقابل این تروریست‌ها ایستادگی می‌کرد. این خطر نه فقط برای ایران که برای بسیاری از کشورهای دیگر نیز وجود داشت. روسیه نیز با همین توجیه وارد مقابله با تروریست‌ها شد؛ چراکه هفت هزار جنگجو از منطقه آسیای میانه و قفقاز در بین تروریست‌ها بوده و بر اساس برخی آمارها، بیست درصد فرماندهان داعش از این مناطق هستند و طبیعی است که روس‌ها با این خطر در مبدأ و نه در وطن خودشان مبارزه کنند. حتی کشورهای اروپایی در فاصله بسیار دورتر، همین خطر را برای خودش هشدار می‌دهند و آن را توجیه مقابله خود با تروریست‌ها می‌آورند و قطعاً

قانونی و متجاوزانه در عراق و سوریه دارند. یک کشور و حاکمیت قانونی می‌تواند برای حفظ تمامیت ارضی خود و دفاع از مردم و سرزمینش در مقابل دشمنان متجاوز و تروریست‌ها از کشوری دیگر کمک بخواهد و یاری دیگران در این شرایط قانونی خواهد بود.

از سویی ایران تجربه یک دهه جنگ تحمیلی و دفاع از کشور در دهه هشتاد میلادی و نیز چهل سال مبارزه با تروریست را دارد. این تجربه نیروهای نظامی ایران را به یکی از زبده‌ترین و مجرب‌ترین نیروهای منطقه تبدیل کرده است. مصادف شدن سوریه با فضایی مشابه آنچه برای ایران اتفاق افتاده است، یعنی حمله تروریست‌ها و جنگ داخلی و قدرت‌های متجاوز که تا به حال برای سوریه سابقه نداشته است، باعث شد سوریه درخواست کمک فکری و مشاوره نظامی کند؛ از این رو ایران برای کمک مستشاری در سوریه حضور پیدا کرد؛ بنابراین حضور نظامی ایران در سوریه به منزله وجود واحدهای نظامی کوچک و بزرگ نیست.

مشاوره‌های مذکور انتقال تجربیات و آموزش در سطح فرماندهی لشکرها و تیپ‌ها، سطح تاکتیکی، فنی و امدادی به فرماندهان و نیروهای سوری است. این انتقال تجربه برای مدیریت میدان جنگ با تروریست‌ها برای دفاع کامل و مؤثر است؛ همچنین یکی از مهم‌ترین این تجارب در زمینه بسیج مردمی است که طی آن ساختار مفهومی و عملیاتی نیروهای مردمی برای دفاع از کشور طراحی می‌شود. تعداد شهدای ایران در سوریه بسیار کم است و از طرفی بسیاری از این شهدا افراد رده بالای نظامی یا اعضای نیروهای ویژه بوده‌اند و و این موارد نشانگر عدم اعزام گسترده نیروی نظامی است. با این حال ضرورت آموزش مستشاران به نیروهای زمینی و ضرورت

است و چنانچه بتواند مقاومت مردم سوریه را بشکند، در گام بعدی به سراغ عراق و لبنان و پس از آن ایران خواهد رفت. رهبر ایران در این باره اعلان کردند جمهوری اسلامی ایران، از سوریه به دلیل حمایت از خط مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی دفاع خواهد کرد و با هرگونه دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی سوریه به شدت مخالف است. بر خلاف آنچه تروریست‌ها در سوریه انجام دادند و اقداماتشان جز آوارگی و قتل و نابودی زندگی مردم و خرابی شهرها و خانه‌های مردم نفعی نداشت، کاری که ایران در سوریه انجام داد، دفاع از مردم سوریه و بازگشت آنها به زندگی‌شان بود. رهبر جمهوری اسلامی ایران این موضوع را صراحتاً بیان داشته و می‌گوید:

«ما طرفدار ملت سوریه و مخالف هرگونه تحریک و دخالت خارجی در آن کشوریم. هرگونه اصلاح در آن کشور باید به وسیله خود ملت و با روش‌های کاملاً ملی صورت گیرد».<sup>۱</sup> بر خلاف سلطه‌طلبان بین‌المللی، حضور ایران در سوریه تجاوزکارانه نبوده است و یکی از دلایل این موضوع این است که کار را به مردم سوریه واگذار کرده است و به ظرفیت‌های خود کشور و مردم سوریه بها داده و آنها را تقویت کرده است. در اوج بحران سوریه یکی از اقدامات مستشاری ایران در سوریه، کمک به تأسیس نهادهای مردمی برای دفاع از وطنشان در مقابل تجاوزگران و تروریست‌ها بود و این امر یکی از اقدامات مؤثر در این مقابله بود.

آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی ایران، یکی دیگر از دلایل حمایت این کشور از سوریه است. در قرآن و کلام پیامبر و اهل بیت او، وظیفه مسلمانان

این توجیه برای کشورهای منطقه که با خطر مستقیم مواجهه‌اند، موجه‌تر است؛ بنابراین طبیعی است کشورها برای حفظ امنیت در مقابل کسی که اراده حمله به او را کرده است، به دفاع برخیزند؛ بنابراین حمله و بحران در سوریه یک طرح کلان بود که قدم اولش سوریه و بعد از آن برخی کشورها از جمله ایران هدف بود.

ایران هدف اصلی عوامل پشت پرده در ماجراهای سوریه و عراق را اراده ابرقدرت‌ها برای تجزیه این کشورها می‌داند. تجزیه کشورها و ایجاد قدرت‌های کوچک، مهم‌ترین راهکار برای مدیریت منطقه توسط نیروهای غیرمنطقه‌ای است و این یک نقشه کلان بود که به دست عوامل واسطه‌ای چون داعش پیگیری می‌شد. در واقع تروریست‌ها پیاده‌نظام و حاصل سیاست‌های ابرقدرت‌های خارج از خاورمیانه هستند که در خاورمیانه در پی منافع خود هستند. در خاورمیانه که به سبب اهمیتش بستر بحران‌های بزرگ است، تجزیه یک کشور مبدأ ناامنی‌های بعدی و ورود و دخالت قدرت‌های سلطه‌گر و عدم ثبات بقیه منطقه خواهد بود؛ همچنان‌که در بسیاری از تحلیل‌ها و اخبار، قدم بعدی این نقشه ایران بود و این اقدامات مقدمه حرکت به سمت ایران معرفی می‌شد. روشن است در چنین مواردی کشورهای دیگری که دارای ثبات و قدرت منطقه‌ای هستند، باید با این نقشه‌ها مقابله پیشگیرانه کنند، وگرنه از بین رفتن ثبات منطقه باعث می‌شود همه کشورها گرفتار مشکل شوند و خودشان جزو قربانیان بعدی خواهند بود.

از دلایل حضور ایران در سوریه، دفاع از کشورهای مقاوم در برابر تجاوز و سلطه‌گری و جلوگیری از پیشبرد اهداف و منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه است. مردم سوریه از کشورهای مقاوم در برابر زیاده‌خواهی‌های استکبار و هم‌پیمانان آمریکا بوده‌اند و آمریکا به دنبال نابودی خط مقاومت

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۲۵.

شد، طبیعی و منطقی، حمایت از دولت قانونی سوریه است. هر چند ممکن است ایران نیز به برخی سیاست‌های این دولت نقد داشته باشد، به لحاظ حقوقی نمی‌توان در مقابل یک دولت قانونی از گروه‌های تروریستی مخالف حمایت کرد.

از سویی عملکرد گروه‌های تروریستی در سوریه نشان داد که در صورت قدرت‌یابی چنین گروه‌هایی، هیچ کس از جمله مردم اروپا از عملیات‌های تروریستی آنها در امان نخواهند بود. در چنین فضایی بهترین اقدام، مقابله با تروریسم بود که دولت سوریه در صف مقدم این مبارزه قرار داشت و کمک به این دولت، کمک واقعی به مبارزه با گروه‌های تروریستی مانند داعش و النصره تلقی می‌شود. از سویی تمام حضور و کمک ایران نیز به درخواست دولت قانونی و مستقر سوریه انجام شده است. بنابراین اصل اساسی سیاست خارجی ایران، حمایت از دولتی است که نماینده واقعی مردم باشد و در وضعیت کنونی دولت بشار اسد چنین ویژگی‌ای دارد و در فضای امن و دموکراتیک، هر دولتی که نماینده ملت سوریه باشد، مورد حمایت و احترام ایران خواهد بود.

#### ۶. آیا حمایت ایران از گروه‌هایی مانند حشدالشعبی در عراق، معنای گسترش شیعه نیست؟

یکی از استراتژی‌های دشمنان انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر، ترویج پروژه ایران‌هراسی بوده است. این استراتژی به دنبال برجسته‌سازی و ترویج ادبیات ایران‌هراسی در مجامع بین‌المللی و رسانه‌ای برای جلوگیری از نفوذ فرهنگی ایران در جهان اسلام و سطح بین‌المللی است. در تجربه جمهوری

دانسته شده است که از مظلومان حمایت کنند و دفاع از افراد مظلوم و ضعیف واجب است. این وظیفه در اسلام آن‌قدر مهم است که پیامبر می‌فرماید هر کس صدای مظلومی را بشنود و او را یاری نرساند، مسلمان نیست. در سوریه مردم مورد تهاجم سلطه‌گران و تروریست‌های وحشی و بی‌رحم قرار داشتند و ظلم بسیار بی‌سابقه‌ای به آنان صورت گرفت و ایران بدون طلب چشمداشت و بر اساس اعتقادات انسانی اسلام اقدام به کمک و یاری کرد.

حضور ایران مهم‌ترین دلیلی بود که مانع سقوط کشور سوریه شد و موجب موفقیت‌های فراوان دولت و ارتش و مردم این کشور گشت تا جایی که بحران کنترل شد و فروکش کرد. بعد از رفع خطر سقوط و تجزیه، ایران حضور خود را در سوریه محدودتر کرد؛ اما به دلیل عدم رفع کامل خطر و ضرورت تثبیت کامل امنیت و وجود گروه‌های تروریستی در مناطق مختلف سوریه، این حضور محدود ادامه دارد. ایران صراحتاً اعلام کرد تا هروقت حکومت سوریه به این حضور و همکاری نیاز داشته باشد، به این کمک ادامه خواهد داد و هر وقت خروج از سوریه را بخواهند، آنجا را ترک خواهد کرد و این خود دلیلی بر تفاوت راه ایران از راه مقابل که سلطه‌گری و تجاوز است، می‌باشد. سیاست رسمی ایران حمایت از دولت‌های قانونی در کشورهاست. در بحران سوریه تا زمانی که مخالفان دولت مطالبات خود را در قالب اعتراض‌های مدنی مطرح می‌کردند، سیاست ایران مانند همیشه حمایت از اکثریت مردم یک کشور است و مبنای ایران در چنین مسائلی رأی اکثریت است و هر کس نماینده مردم باشد، مورد حمایت ایران است؛ اما زمانی که با حمایت برخی کشورهای منطقه مانند عربستان و آمریکا در سطح بین‌المللی امکان حضور بسیاری از گروه‌های تروریستی در سوریه فراهم

بهره‌برداری کردند و مجموعه نیروهای شیعه و سنی در قالب حشدالشعبی (نیروهای مردمی) سازماندهی شدند و با داعش مقابله کردند؛ لذا با استفاده از الگوی بسیج مردمی در ایران، مجموعه نیروهای سنی و شیعه در قالب حشدالشعبی در عراق شکل گرفت که مهم‌ترین سازمان بسیج مردمی برای مقابله با داعش بوده است. در این سازمان اعضای بسیاری از اهل سنت نیز عضویت دارند و فلسفه وجودی این نیرو، مقابله با خطر داعش و گروه‌های تروریستی در عراق است و بر اساس قانون کشور عراق، حشدالشعبی بخشی از نیروهای مسلح این کشور محسوب می‌شود. آموزش یا تجهیز این نیرو در عراق بر عهده دولت مرکزی است؛ اما در مقام آموزش، با درخواست رسمی عراق، ایران نیز به صورت مستشاری در انتقال تجربه و آموزش با این نیروها همکاری نموده است؛ اما جریان رسانه‌ای مخالف ایران این انتقال تجربه موفق را در قالب پروژه ایران‌هراسی ترویج می‌نماید. در این زمینه رهبر انقلاب می‌فرماید:

تفرقه مذهبی یکی از توطئه‌هایی است که شکست‌خوردگان در منطقه به اجرا در می‌آورند. برادران مسلمان باید نسبت به هرگونه سخن یا کاری که به اجرای این توطئه کمک کند، کاملاً مواظب و از آن بر حذر باشند. آمریکا در منطقه خاورمیانه، حتی نسبت به دولت‌هایی که سال‌های سال متحدش بوده‌اند، نیز وفادار نمی‌ماند؛ زیرا جز به منافع خود و منافع دست‌پرورده‌اش - اسرائیل - نمی‌اندیشد؛ لذا هیچ‌کس، چه سنی و چه شیعه و چه هر قومیتی در منطقه، نباید به وابستگی خود به آمریکا امید ببندد. ترساندن سنی از هلال شیعی و هراساندن شیعه از تندروی تکفیری‌ها و نیز ترساندن دولت‌ها از نیروی هسته‌ای جمهوری اسلامی و جداکردن

اسلامی علاوه بر بازتاب‌های فرهنگی بر دیگر دولت‌ها و ملت‌ها، برخی الگوهای موفق نیز در عرصه سازمانی و تشکیلاتی ارائه شده است. یکی از این الگوها بسیج مردمی در جمهوری اسلامی است که بسیج مردمی تجربه‌ای موفق در مقابله با تجاوز صدام از خود به یادگار گذاشت و در هشت سال جنگ تحمیلی توانست با بسیج عمومی در مقابل تجاوز رژیم بعث از استقلال کشور دفاع نماید. پس از جنگ نیز حضور در عرصه‌های سازندگی و فرهنگی، کارآمدی این الگوی مردم‌پایه را در مقابله با بحران‌های نرم و سخت به اثبات رساند. از سویی کشور عراق در سال‌های اخیر با بحران ظهور داعش مواجه بوده است که علاوه بر تخریب زیرساخت‌های این کشور چهره‌ای افراطی و خشن از خود نمایش داده است. این پدیده علاوه بر عراق، امنیت کشورهای همسایه و حتی غربی را نیز با چالش مواجه کرده است؛ لذا مواجهه با این خطر یک ضرورت برای عراق و دیگر دولت‌ها بوده است.

وقتی داعش پس از به‌قدرت‌رسیدن در موصل به سمت دیگر شهرهای عراق حرکت کرد، به دلیل پشتیبانی‌هایی که از سوی برخی کشورهای منطقه می‌شد، توان نظامی زیادی در اختیار داشت که نیروی نظامی رسمی عراق به تنهایی ظرفیت مقابله با این خطر را نداشت. در چنین فضایی فتوای مرجعیت شیعه در عراق (آیت‌الله سیستانی) مبنی بر اعلام جهاد علیه این جریان تروریستی، مردم را برای مقابله با این خطر بسیج نمود. این فتوا هرچند به لحاظ فکری مردم را برای مقابله با داعش بسیج می‌کرد، مسئولان عراق برای تحقق عملی و اجرایی آن نیازمند سازماندهی منسجم این نیروها بودند. این الگوی سازمانی مبتنی بر حضور مردم، در ایران در قالب بسیج سال‌ها تجربه شده بود و طبیعی است در چنین وضعیتی مردم و مسئولان عراق از این الگو



دیگر با کاربردهای نامتعارف و استفاده تسلیحاتی از این انرژی مخالف است و بر این باور است هیچ دولتی حق ندارد از این نیرو برای تهیه بمب‌های اتمی و سلاح‌های کشتار جمعی بهره بگیرد. این مواضع از پشتوانه قوی دینی برخوردار است و متون و منابع دینی، هر دو بخش این دیدگاه را تأیید و تقویت می‌نماید.

قرآن اولین و مهم‌ترین منبع اسلام هرچند به‌طور خاص از انرژی هسته‌ای نام نبرده است، آیاتی در قرآن وجود دارد که در ضمن یک موضوع کلی، به افراد بشر اجازه می‌دهد از این انرژی نیز استفاده نمایند. آیات در این زمینه بسیارند؛ از جمله: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup>، «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ»<sup>۲</sup> و «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۳</sup>.

هر سه این آیات دلالت دارند که خداوند انسان را بر همه موجودات مسلط کرده است و به او این اجازه را داده است که از آن استفاده کند؛ از این رو فقها با استدلال به این آیات بر این نظر متفق‌اند که اصل اولی در همه چیز جواز و اباحه است، مگر اینکه از سوی شریعت حکمی صادر شود که مردم را از موردی منع کرده باشد یا عقل خود مستقلاً تشخیص دهد که یک چیز بدون منفعت است و ضرر دارد. البته باید توجه داشت از نگاه دینی استفاده از منابع خدادادی باید در جهت درست به کار گرفته شود و برای

جمهوری اسلامی از همسایگانش، همه و همه از استراتژی‌های سیاست آمریکا و بریتانیاست. همه ما باید در سطح بالایی از آگاهی قرار داشته باشیم و به دام آنها نیفتیم.<sup>۱</sup>

امروزه نیز اهل سنت و شیعه در عراق به‌خوبی می‌دانند اگر ظرفیت حشدالشعبی برای مقابله با داعش سازماندهی و رهبری نمی‌شد، خطر داعش بسیاری از مناطق عراق را تهدید می‌کرد و جمهوری اسلامی نیز در حضور فراملی خود در این کشورها، در صورتی اقدام می‌کند که با درخواست رسمی دولت قانونی آن کشور باشد و در نهایت این حضور در حد مشاوره‌های نظامی و انتقال تجربه است.

#### ۷. مبانی حرمت تولید سلاح هسته‌ای توسط ایران چیست؟

ایران به دلایل مختلفی استفاده و دستیابی به سلاح هسته‌ای را حرام و ممنوع می‌داند. هرچند بر اساس تحلیل‌های رئالیستی در روابط بین‌الملل، کشوری با ویژگی‌های ایران و مجموعه تهدیدهای گسترده تنها راه بقایش باید استفاده از سلاح هسته‌ای باشد، اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی با نظریه‌های مرسوم روابط بین‌الملل متفاوت است. امنیت جمهوری اسلامی مهم‌ترین مؤلفه‌اش پشتوانه مردمی است و از این نظر هرچه مردم با نظام همراه باشند، امکان تهدید کمتر خواهد بود.

جمهوری اسلامی در موضوع انرژی هسته‌ای بارها مواضع خویش را اعلام کرده است و معتقد است انرژی هسته‌ای حق مسلم همه است و تمام ملل می‌توانند از این انرژی برای منافع صلح‌آمیز استفاده نمایند. از سوی

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۲۵.

۱. بقره: ۲۹.

۲. اعراف: ۱۰.

۳. جائیه: ۱۳.

نسل اتفاق می‌افتد؛ بنابراین چنین ابزاری مطلوب خداوند نیست و از نظر اسلام مردود است.

ب) «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرُبُوا أَلْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup>.

خداوند در این آیه افراد را از قتل نفس محترم باز می‌دارد و قتل نفس را نیز تنها در صورتی جایز می‌داند که مجوزی باشد و قتل به حق صورت بپذیرد. صدر آیه نیز نشان می‌دهد این حکم در میان دیگر ادیان آسمانی و الهی نیز بوده است و آنان نیز چنین حکمی را داشته‌اند. این حکم همه حالت‌ها از جمله حالت جنگ را در بر می‌گیرد. بنا بر این در هنگام جنگ نیز که طبعاً در آن کشتار صورت می‌پذیرد، نظامیان حق ندارند به افرادی که در صحنه جنگ حضور و دخالتی ندارند، آسیب برسانند و به آنان تعدی نمایند. در خود میدان جنگ نیز در حد ضرورت می‌توان کشت و اگر اهداف تعیین شده با کشتن یک مقدار خاص حاصل می‌شود، کشتن افراد بیش از آن جایز نیست. بر این اساس نیز کاربرد و استفاده از بمب هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی از نگاه اسلام مردود است؛ چراکه بر اثر استفاده از این سلاح، فقط آنان که دشمن هستند، کشته نمی‌شوند، بلکه کسانی هم که دشمن نیستند، کشته می‌شوند لذا یک نظام مبتنی بر دین نمی‌تواند از این سلاح استفاده نماید.

۱. انعام: ۱۵۱.

رسیدن به کمال از آن بهره گرفته شود. توجه به اینکه خدا این همه عظمت به او داده است و ابر و باد و ماه و خورشید و فلک همه در کارند و همگی سرگشته و فرمانبردار و خدمتکار اویند، خود می‌تواند عاملی باشد تا انسان تن به غفلت و پستی ندهد و خود را اسیر شهوات و برده ثروت و مقام و «زر» و «زور» نسازد، زنجیرها را در هم شکند و به اوج آسمان‌ها پرواز نماید.

منابع دینی همه چیز را مجاز می‌شمارد، مگر اینکه دلیلی بر منع آن وجود داشته باشد. بمب هسته‌ای نیز در زمره چیزهایی است که ادله شرع آن را منع کرده است. برخی از این ادله عبارت‌اند از:

الف) «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»<sup>۱</sup>.

در این آیه خداوند بخشی دیگر از ویژگی‌های مردمانی را ذکر می‌کند که به تعبیر خود قرآن «الد الخصام»، یعنی سرسخت‌ترین دشمنان هستند و در آیات بعدی جایگاه آنان را جهنم ذکر می‌کند. صدر و ذیل این آیه و سیاق این آیات نشان می‌دهد این ویژگی یعنی از بین بردن حرث و نسل کاری است که اصلاً مطلوب و مورد رضایت خداوند نیست و «حرث» به معنای زراعت و «نسل» به معنای اولاد است و بر اولاد انسان و غیرانسان اطلاق می‌شود؛ بنا بر این هلاک کردن حرث و نسل به معنای از میان بردن هرگونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی یا حیوانی و انسانی.

بمب هسته‌ای نیز از ابزارهایی است که به وسیله آن هلاک کردن حرث و

۱. بقره: ۲۰۵.

بپذیرند؛ اما یک انسان مسلمان چنین وظیفه‌ای را به خوبی درک می‌کند.<sup>۱</sup>

#### ۸. مهم‌ترین زمینه‌های اختلاف در روابط ایران با عربستان در سال‌های اخیر کدام‌اند؟

مهم‌ترین مؤلفه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در روابط ایران و عربستان قراردادن دو کشور در بلوک غرب به رهبری آمریکا بود؛ لذا در سیاست دو ستونی نیکسون، ایران امنیت نظامی منطقه و عربستان امنیت اقتصادی را در راستای منافع آمریکا تأمین می‌کردند؛ اما پس از پیروزی انقلاب و اتخاذ سیاست استقلال‌طلبانه ایران در مناسبات بین‌المللی، تغییر در روابط دو کشور رخ داد که به چند مؤلفه مهم آن اشاره می‌شود. بخشی از این اختلافات به دلیل مبانی فکری متفاوت در دو کشور بود؛ درحالی‌که ایران بر اساس قانون اساسی و اندیشه انقلاب اسلامی در جهان اسلام، حامی مظلومان و مستضعفان بود و به حمایت از جنبش‌های سنی در فلسطین، شیعی در بحرین، زیدی در یمن و دیگر جنبش‌های آزادی‌بخش می‌پرداخت، عربستان الگوی پادشاهی حامی حکومت‌های دیکتاتور منطقه بود. جذابیت الگوی مردم‌سالاری در ایران که بر اساس مبانی اسلامی شکل گرفته بود، برای ملت‌های مسلمان منطقه که از دیکتاتوری رنج می‌بردند، جذابیت‌های زیادی داشت؛ از این رو به لحاظ فکری دو مدل در دسترس بود: یکی الگوی مردم‌سالار ایران که ملت‌ها را جذب می‌کرد و دیگری نظام پادشاهی عربستان که حکام مستبد را به سمت خود سوق می‌داد؛ لذا یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اختلاف، به اختلاف در مبنای

روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که مؤید این مطلب است. از امام صادق 7 نقل می‌کنند که هرگاه می‌خواستند گروهی را برای نبرد اعزام کنند، آنان را فرا می‌خواندند و به آنان چند توصیه می‌کردند از جمله اینکه می‌فرمودند: «پیرمرد ناتوان و کودک و زن را نکشید». ابن‌جنید از عالمان شیعی حتی تصریح می‌کند که علاوه بر این، افراد کشتن راهبانی که در صومعه‌ها به عبادت مشغول‌اند و در صحنه جنگ حاضر نیستند، ممنوع است و البته باید توجه داشت همه اینها تحت یک عنوان کلی قرار می‌گیرند؛ یعنی افرادی که در جنگ حضور و دخالت ندارند.

#### ج) روایات منع‌کننده از ریختن سم

امام صادق 7 از جدشان امیرالمؤمنین 7 نقل می‌کنند که حضرت فرمود پیامبر 9 از ریختن سم در سرزمین مشرکان منع کرده‌اند و فقهای چون شیخ طوسی و ابن‌ادریس نیز بر این اساس حکم به تحریم و عدم جواز کرده‌اند. این روایت سم را ذکر کرده است؛ اما باید توجه داشت که سم در آن مقطع یک سلاح کشتار جمعی بوده است و چون بر اثر این سم جمعیت زیادی کشته می‌شدند؛ بنابراین استفاده از آن منع شده است و با تنقیح مناط می‌توان ادعا کرد که هرگونه سلاح کشتار جمعی مورد نهی شعار جمهوری پیامبر 9 است. آنچه گفته شد، نگاهی گذرا به مبانی فقهی اسلامی درباره موضوع هسته‌ای است و سیاست رسمی جمهوری اسلامی نیز تداوم این مبانی در عرصه اجراست؛ لذا حرمت تولید این سلاح‌ها تکلیفی است که همه رهبران جمهوری اسلامی موظف به اجرای آن هستند. البته طبیعی است کشورهای که صرفاً منافع را بر اساس منافع مادی دنبال می‌کنند، این استدلال را سخت

۱. برای مطالعه بیشتر رک: احمد احسانی‌فر؛ «تحلیل فقهی فتوای رهبری مبنی بر حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای»، ۱۳۹۷.

تأسیسی هریک از این دو نظام باز می‌گشت. این مؤلفه در تحولات بیداری اسلامی به‌خوبی مشهود بود که جمهوری اسلامی ایران همواره حامی ملت‌ها و الگوهای مردم‌سالار بود؛ اما در طرف مقابل هر حاکم مستبدی که از قدرت کنار می‌رفت (بن علی، منصور هادی و...) به عربستان پناه می‌برد.

بخش دیگری از اختلاف به حمایت عربستان از گروه‌های افراط‌گرای معاصر بر می‌گردد. اندیشه وهابیت مهم‌ترین منبع تئوریک و پشتیبان نظام سیاسی در عربستان است که در مرحله شکل‌گیری در نجد از پیوند محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود شکل گرفته و مبتنی بر یک پیوند دوجانبه است. در این پیوند بر اساس فهم وهابیت از دین، بسیاری از مسلمانان تکفیر می‌شوند که بر اساس آن آل سعود به بسیاری از شهرهای مکه، مدینه، کربلا و نجف در مرحله تأسیس حمله کرده است و در دوره معاصر نیز این اندیشه باعث شکل‌گیری بسیاری از جریان‌های افراطی در جهان اسلام شده است؛ به طوری که سازمان تروریستی «القاعده» از همکاری آمریکا و عربستان شکل گرفت. آمریکا برای جلوگیری از نفوذ شوروی در افغانستان، حمایت از این اندیشه را زمینه خوبی دانست و بسیاری از پیروان این اندیشه از عربستان و دیگر کشورهای اسلامی در قالب القاعده سازماندهی شدند و پس از جنگ افغانستان نیز به خرده گروه‌های تروریستی در سراسر جهان اسلام تبدیل شدند که حضور تعدادی از اتباع عربستان در حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمونه‌ای از این موضوع است؛ بنابراین این مؤلفه نیز یکی از زمینه‌های اختلاف بین ایران و عربستان است. ایران در این زمینه همیشه در خط مقدم مقابله با این جریان‌ها و عربستان حامی و پشتوانه آنها بوده است که تجربه سال‌های اخیر عراق و سوریه نیز نشان داد مهم‌ترین حامی منطقه‌ای این جریان‌ها، عربستان و مهم‌ترین کشور

مقابله‌کننده با جریان‌های افراطی جمهوری اسلامی ایران بوده است. مؤلفه دیگر در سال‌های اخیر، شهادت هزاران نفر از حجاج در مناسبت که عربستان وظایف حقوقی و اسلامی خود را درباره میزبانی از حجاج انجام نداد و پس از وقوع این فاجعه انسانی نیز مسئولیت آن را نپذیرفت؛ درحالی‌که برای ایران حمایت از شهروندان خود و دیگر مسلمانان جان‌باخته در این حادثه از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. این موضوع یکی از چالش‌های ایران و عربستان است. به نظر می‌رسد علاوه بر اختلاف در مبانی فکری دو نظام در سطح منطقه، اختلاف ایران و عربستان به این موضوع محدود می‌شود که ایران در منطقه خاورمیانه همیشه بر حق انتخاب مردم تأکید داشته است؛ اما منطق عربستان سرکوب حرکت‌های مردمی است؛ چون در صورت موفقیت الگوهای مردم‌سالار با افزایش تقاضای آزادی‌های سیاسی در داخل مواجه خواهد شد؛ لذا در یمن، ایران حامی ارائه راه حلی مبتنی بر گفتگوهای یمنی - یمنی با حضور همه نمایندگان گروه‌های مختلف است؛ اما عربستان با حمایت از جریانی که حامی منافع این کشور است، به جنگ متوسل شده است. این مسئله در دیگر کشورها مانند بحرین نیز وجود دارد. گذار عراق به عنوان یک دولت عربی در سال‌های اخیر به دموکراسی و شکل‌گیری بیداری اسلامی در جهان عرب، ملت‌های منطقه را برای حرکت به سمت حکومت‌های مردم‌سالار تهییج کرده است. از سویی افکار عمومی بین‌المللی در اوایل قرن ۲۱ دیگر پذیرش سیستم‌های سیاسی موروثی مانند آل سعود را ندارد. با توجه به این ملاحظات، سعودی‌ها سعی می‌کنند از شکل‌گیری دولت‌های مردمی در منطقه جلوگیری کنند و حتی اگر کشوری مانند عراق بر خلاف میل آنها وارد این مرحله شود، آن‌قدر زمینه نامنی در

این کشور را فراهم می‌آورند تا افکار عمومی، دموکراسی را دلیل ناامنی در منطقه تلقی کند. به همین منظور، آل سعود در بحرین به شدت در برابر ملت بحرین قرار گرفت و از حاکمیت خاندان آل خلیفه دفاع کرد. در یمن هم اگر با توجه به جمعیت ۲۵ میلیونی و سابقه تمدنی - تاریخی، روند گذار به یک حکومت مردم‌سالار فراهم شود، مشروعیت حکومت سلطنتی عربستان را با شدت بیشتری در شبه جزیره با چالش مواجه خواهد کرد.

یکی دیگر از موارد اختلاف دو کشور، مسئله یمن است. پس از بیداری اسلامی در یمن و کناره‌گیری علی عبدالله صالح از قدرت، عربستان سعی کرد با به قدرت رساندن جانشین او منصور هادی همچنان منافع عربستان را در یمن توسعه دهد؛ اما بعد از اینکه منصور هادی به نتایج گفتگوهای ملی وفادار نماند، با مخالفت عمومی مردم مواجه شد و با تشدید اعتراض‌ها، منصور هادی از کشور فرار کرد و انصارالله قدرت را در اختیار گرفت. عربستان برای حفظ منافع خود بر یمن با تشکیل ائتلافی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (به غیر از عمان) و برخی کشورهای دیگر، حمله نظامی علیه یمن را آغاز کرد. منصور هادی پس از فرار از صنعا و اقامتی کوتاه در عدن به خارج از کشور فرار کرد و با حضور در اجلاس سران اتحادیه عرب در شرم الشيخ مصر، درخواست حمله نظامی علیه جنبش انصارالله را مطرح کرد. عربستان سعودی که تحولات یمن را به هیچ عنوان بر نمی‌تابید و اساساً مخالف شکل‌گیری حکومت‌های مردمی در منطقه است، رهبری این تهاجم ظالمانه را بر عهده گرفت که یکی از دلایل اختلاف ایران با این کشور نیز نامشروع بودن و ظالمانه بودن این حمله است. از نظر ایران این حمله به لحاظ بین‌المللی مشروعیت نداشت؛ چون بر اساس مجوز

شورای امنیت انجام نشده است. هرچند شورای امنیت در قطعنامه ۲۲۱۶ یمن را ذیل فصل هفتم منشور قرار داد، اما مجوز دخالت نظامی را صادر نکرد و اگر شورا مجوز حمله به کشوری را صادر کند، سازوکار اجرایی و زمان آن را هم تعیین خواهد کرد؛ اما این مجوز از سوی شورای امنیت صادر نشد؛ از سویی اقدام شورای همکاری خلیج فارس علیه کشوری (یمن) که اصلاً عضو این شورا نیست، هیچ توجیه حقوقی نداشت. به لحاظ داخلی نیز افکار عمومی یمن، منصور هادی را که استعفا کرده بود، پس از فرار، نماینده مردم یمن تلقی نمی‌کند تا حق درخواست دخالت نظامی از کشوری بیگانه‌ای مانند عربستان را داشته باشد. عربستان که به لحاظ حقوقی مبنای حمله به یمن را متزلزل و نامشروع می‌دید، سعی کرد با بزرگ‌نمایی این فرضیه که انصارالله خواستار حمله به حرمین شریفین است، احساسات مسلمانان را تهییج و دولت‌های اسلامی را دست‌کم در این حمله با خود همگام کند؛ اما به تدریج با آشکار شدن ماهیت حمله، کشورهای اسلامی نیز از این ائتلاف خارج شدند و کشورهای مهمی مانند ترکیه، پاکستان و مصر با وجود اعلام آمادگی اولیه، هیچ اقدام عملی در مشارکت در حمله نداشتند. از سوی دیگر، کشتار مردم مظلوم و بی‌دفاع و هدف قراردادن مراکز آموزشی، مذهبی، درمانی و مسکونی و... بیانگر نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت این رژیم است که باعث برانگیختن احساسات مسلمانان و افکار عمومی در دنیا شده است. هرچند سعودی‌ها موفق نشدند ائتلاف را حتی در سطح منطقه‌ای تشکیل دهند و در نهایت هزینه حمله بر عهده این کشور قرار گرفت. با توجه به اینکه عربستان موفق به خلع سلاح انصارالله و بازگشت منصور هادی نشد، شکست سعودی قطعی است؛ اما متأسفانه آل سعود برای جلوگیری از

تئوریک امکان پذیرش چنین تحولات و آزادی‌هایی به‌ویژه در بخش زنان را ندارد؛ بنابراین این تغییرات زمینه رضایت نسبی طیفی از جامعه را در کوتاه‌مدت فراهم می‌کند، اما بر اساس یک تغییرات بنیادی و معرفتی صورت نمی‌پذیرد. از سویی در این کشور به لحاظ معرفتی تجدید نظری در بنیان‌های معرفتی سابق رخ نداده است که استلزام اعطای چنین آزادی‌هایی را داشته باشد؛ لذا تغییرات، روبنایی و برای اهدافی سیاسی برای افزایش مقبولیت در سطح داخلی و خارجی طراحی شده است.

عربستان در سطح داخلی با مجموعه‌ای از بحران‌های مشروعیت، مقبولیت، هویت، توزیع و... مواجه است و در فرایند انتقال قدرت، نیاز به افزایش مقبولیت عمومی خود در رقابت با سایر رقباست و به این تحولات از این منظر می‌نگرد. از سوی دیگر با فشار افکار عمومی بین‌المللی به وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی و آزادی‌های مدنی مواجه است و از سوی حامیان بین‌المللی خود مجبور به ایجاد برخی تغییرات برای اصلاح تصویر خود در مجامع حقوق بشری و فضای افکار عمومی است. با در نظر گرفتن این دو ضرورت داخلی و خارجی، نظام سیاسی سعی در ایجاد برخی تغییرات به صورت دستوری و با هدف ایجاد تغییر در روبنای عربستان دارد؛ اما با نگاهی واقع‌بینانه می‌توان شکاف بین زیربنای فکری این کشور با مجموعه تغییرات روبنایی را رصد و تحلیل کرد.

بخشی از آزادی‌های اعطایی دولت عربستان به جامعه در وضعیت کنونی به دلیل فشار افکار عمومی بین‌المللی است که هم‌پیمانان بین‌المللی عربستان را نیز تحت فشار قرار داده است. فضای رسانه‌ای و توسعه ارتباطات تصویر مثبتی از وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های اجتماعی در عربستان ارائه

شکل‌گیری یک یمن مقتدر در آینده، به تخریب زیرساخت‌های این کشور و تبدیل آن به زمین سوخته پرداخته است و مهم‌ترین دلیل اختلاف ایران و عربستان در مسئله یمن، حمله غیرمشروع و ظالمانه عربستان است که بر اثر این حمله هزاران نفر کشته شده و بسیاری از زیرساخت‌های اقتصادی این کشور از بین رفته است.

## ۹. آیا نوسازی‌های دولت جدید عربستان با مدیریت بن سلمان می‌تواند رقیبی برای الگوی جمهوری اسلامی باشد؟

عربستان در حال حاضر الگوی رژیم‌های پادشاهی و ضد مردم‌سالاری در جهان اسلام محسوب می‌شود؛ به طوری که پس از تحولات بیداری اسلامی دیکتاتورهایی که توسط مردم از قدرت خلع می‌شدند به عربستان پناه می‌بردند. از سویی الگوی ایران به دلیل حضور و مشارکت مردم در سرنوشتشان جذابیت زیادی برای ملت‌های مسلمان دارد که هم‌زمان با در نظر گرفتن مبانی اسلامی مکانیسمی برای حضور مردم در صحنه سیاسی کشور نیز تعبیه شده است. اما اعطای آزادی‌های مدنی که با مدیریت محمد بن سلمان در دوره جدید رخ داده است، در واقع تلاش‌هایی برای اجرایی‌کردن سند ۲۰۳۰ در این کشور است تا بتواند از عربستان تصویر یک کشور مدرن و توسعه‌یافته به لحاظ شاخص‌های توسعه اجتماعی را ارائه نماید؛ لذا در این راستا شاهد مجموعه‌ای از اقدامات برای رفع برخی محدودیت‌ها و اعطای برخی آزادی‌های مدنی در این کشور هستیم. با توجه به اینکه در این کشور به لحاظ معرفتی، هویت‌بخش نظام سیاسی ایدئولوژی وهابیت است که از پیوند محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود شروع شده و در دوره‌های متوالی بازتولید شده و تا کنون نیز ادامه یافته است، این ایدئولوژی به لحاظ

مقایسه با وضعیت گذشته جلب خواهد نمود، جامعه با به‌دست‌آوردن این آزادی‌ها در نهایت خواستار آزادی سیاسی خواهد شد که این درخواست خط قرمز نظام سیاسی در عربستان است؛ بنابراین دادن مجموعه‌ای از آزادی‌های مدنی در یک زمان کوتاه تقاضا برای تداوم این آزادی‌ها را افزایش خواهد داد و سیستم اگر به درخواست اعطای آزادی‌های سیاسی پاسخ مثبت دهد، در واقع به پایان خود رضایت داده است و طبیعی است این موضوع خط قرمز نظام حاکم است و اگر آزادی سیاسی را استثنا کند، مخالفان و معارضان خود را افزایش داده است و دچار یک دوگانگی خواهد شد؛ لذا به نظر می‌رسد اعطای این آزادی‌های اجتماعی، جامعه را در مسیری قرار می‌دهد که خواستار مهم‌ترین آزادی، یعنی آزادی سیاسی در آینده خواهد شد و دولت عربستان چنین مطالبه‌ای را بر نمی‌تابد و امکان وقوع یک بحران را فراهم خواهد کرد.

موضوع مهم در عربستان کنونی، بحران انتقال قدرت از فرزندان ملک عبدالعزیز به نوه‌های اوست. در واقع نسل قبل که فرزندان ملک عبدالعزیز بودند، سعی داشتند منافع و کلیت نظام سیاسی را حفظ کنند تا در پرتو این حفظ نظام به تقسیم مناصب و موقعیت‌ها بپردازند؛ اما با ازدنیارفتن بیشتر فرزندان ملک عبدالعزیز و کهولت سن بازماندگان، این کشور چاره‌ای جز انتقال قدرت به نوه‌های ملک عبدالعزیز ندارد. اما مسئله مهم انتقال به کدام خاندان است؟ اگر قدرت به یکی از خاندان‌ها منتقل شود، ممکن است دیگر عموزاده‌ها از این قدرت برای همیشه محروم شوند؛ لذا لحظه تاریخی و حساسی در این کشور در حال سپری‌شدن است که محصورکردن بسیاری از شاهزاده‌ها به بهانه مبارزه با فساد به دلیل همین انتقال قدرت است. با توجه

نمی‌کند و این موضوع یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهایمانند آمریکا است که متحد استراتژیک این کشور هستند. باید توجه داشت مهم‌ترین متحد عربستان در سطح بین‌المللی، یعنی ایالات متحده، حامی و مروج دموکراسی می‌باشد؛ اما افکار عمومی، راستی ادعای آمریکا را با حمایت از یک سیستم سیاسی با مشخصات عربستان در تعارض می‌بیند؛ لذا فشار افکار عمومی بر آمریکا مبنی بر چرایی حمایت از چنین کشوری افزایش می‌یابد؛ از این رو با توجه به پایین‌بودن شاخص‌های توسعه سیاسی و اجتماعی عربستان، یکی از راهبردهای آمریکا فشار بر دولت عربستان برای بازکردن فضای اجتماعی خواهد بود؛ بنابراین بخش زیادی از آزادی‌های اعطایی به زنان در عربستان در این راستا قابل تحلیل است؛ وگرنه بر اساس بنیان‌های معرفتی و هوایت به هیچ‌عنوان نمی‌توان زن را در جامعه با چنین سطحی از آزادی‌های مدنی تصور کرد. از سویی برای کشوری که در دوره بحرانی انتقال قدرت به سر می‌برد و با مجموعه‌ای از شکاف‌های اجتماعی و شکنندگی مواجه است، تحقق چنین تغییراتی سریع معقولانه به نظر نمی‌رسد، مگر اینکه به پشتیبانی یک قدرت خارجی اطمینان داشته باشد؛ از این روست که گزاره مدیریت قدرت‌های خارجی در تحولات اخیر عربستان برجسته خواهد شد.

مخاطب بیشتر آزادی‌های اعطایی، طبقه متوسط عربستان بوده است و محمد بن سلمان تلاش دارد با جلب حمایت طبقه متوسط و به‌ویژه زنان، مقبولیت اجتماعی خود را در برابر سایر رقبا افزایش دهد؛ اما با توجه به شکاف‌های اجتماعی متعدد فعال در عربستان، به نظر می‌رسد هر چند تداوم اعطای آزادی‌های اجتماعی در کوتاه‌مدت رضایت طبقه متوسط را در

آغاز مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با شش قدرت جهانی و دستیابی به توافق برجام، این سؤال مطرح شد که در صورت مذاکره و مصالحه با مستکبران، تکلیف استکبارستیزی چه می‌شود؟ در نگاه اول اصل استکبارستیزی با مذاکره و مصالحه در تعارض است؛ در صورتی که در سنت و سیره نبوی نیز مذاکره و مصالحه با مستکبران هم‌عصر خود وجود دارد؛ مذاکره پیامبر اکرم با کفار قریش در حدیبیه و دستیابی به صلح حدیبیه، مذاکرات امیرالمؤمنین با معاویه و امام حسن مجتبی با معاویه از این موارد است؛ در حالی که نمی‌توان معصومین ۷ را متهم به سازش با کفار کرد. حال چگونه می‌توان میان استکبارستیزی از یک سو و مذاکره و حتی دستیابی به صلح را از سوی دیگر جمع کرد؟ برای پاسخ به این سؤال توجه به نکات زیر ضروری است:

الف) استکبارستیزی اصلی مسلم در اندیشه اسلامی است. آیات و روایات متعددی بر این اصل تأکید دارند که به اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»<sup>۱</sup> و «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى»<sup>۲</sup> و آیات نساء: ۶۰، هود: ۱۱۳، مائده: ۵۱، محمد: ۳۵ نیز بر این امر دلالت دارند. با توجه به این آیات برخی معتقدند صلح کلی و همیشگی میان اسلام و طواغیت محال است؛ چنان‌که آیت‌الکرسی نیز بر جنگ همیشگی حق و باطل دلالت دارد.

۱. نحل: ۳۶.

۲. زمر: ۱۷.

به اینکه محمد بن سلمان در چنین انتقالی به لحاظ تجربه و دانش از بسیاری از نوادگان ملک عبدالعزیز عقب‌تر است، طبیعی است برای افزایش مقبولیت عمومی، آزادی‌های اجتماعی مختلفی را بر خلاف اندیشه حاکم بر این کشور به طبقات اجتماعی مختلف اعطا نماید؛ اما در چنین فضایی امکان کودتا از طرف هر یک از خاندان‌های ناراضی از قدرت نیز وجود دارد و مهم‌ترین متغیر در چنین فضای بحرانی، ائتلاف با بازیگران بیرونی است. در واقع هر طیفی که با آمریکا به عنوان مهم‌ترین بازیگر متحد عربستان همکاری نزدیکی داشته باشد، امکان انتقال قدرت به نفع خود را بیشتر خواهد داشت. بنابراین محمد بن سلمان برای جلب افکار عمومی به چنین تلاش‌های روبنایی اقدام می‌کند. اما واقعیت عربستان اقتدارگرایی و حذف فیزیکی مخالفان است که در مسئله خاشقچی رخ داد؛ در حالی که الگوی مردم‌سالاری دینی در ایران پس از چهل سال تا کنون ده‌ها انتخابات برگزار کرده و مردم در بخش‌های مختلف حکومت نمایندگانشان را انتخاب کرده و مشارکت مستقیم دارند. حضور مردم در تصمیم‌سازی‌ها در ایران زیربنایی، ولی الگوی نوسازی محمد بن سلمان در عربستان روبنایی است؛ لذا در این الگودادن حق مشارکت سیاسی به مردم، خط قرمز دولت عربستان است و برای ملت‌های مسلمان چنین الگویی تداوم رژیم پادشاهی است.

۱۰. آیا مذاکره با آمریکا در برخی موضوعات، نفی رویکرد استکبارستیزی ایران نمی‌باشد؟

استکبارستیزی یکی از شاخصه‌های مهم سیاست خارجی دولت اسلامی و به تبع آن جمهوری اسلامی است. این شاخصه، مبنای مسلم قرآنی دارد. با



به بیان اصطلاحی می‌توان گفت استراتژی دولت اسلامی مبارزه همیشگی با قدرت‌های سلطه‌گر و برتری‌جوست؛ ولی در مقام سیاست عملی یا در تاکتیک گاهی این مبارزه به صورت رویارویی مستقیم، گاهی دستیابی به هدف در قالب مذاکره و گاهی هم در قالب مصالحه دست‌یافتی است. سیره عملی معصومین ۷ هم این تبیین را کاملاً مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد که گاهی از استراتژی رویارویی مستقیم استفاده می‌کردند، گاهی از ابزار مذاکره و گاهی از مصالحه برای پیشبرد اهداف کلان دولت اسلامی بهره‌برداری می‌کرده‌اند.

ها) مقام معظم رهبری در مواردی تفکیک بین استکبارستیزی با مذاکره و مصالحه را تبیین نموده‌اند. ایشان مذاکره را یک ابزار در سیاست خارجی بیان می‌کنند که ممکن است در برخی مسائل خاص و بر اساس مصلحت به کار گرفته شود: «می‌گویند ما تحریم کردیم، ایران مجبور شد بیاید پای میز مذاکره، نه، [این‌طور نیست]. ما قبلاً هم اعلان کردیم، قبل از این حرف‌ها هم ما گفتیم [که] نظام جمهوری اسلامی درباره موضوعات خاصی که مصلحت بدانند، با این شیطان برای رفع شر او و برای حل مشکل مذاکره می‌کند؛ معنای این آن نیست که این ملت مستأصل شده است، ابداً»<sup>۱</sup>

ایشان در بیان نسبت بین مذاکره و استکبارستیزی، در پاسخ دانشجویی که پس از توافق اولیه ژنو از ایشان سؤال کردند با مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به توافق، تکلیف استکبارستیزی چه می‌شود، بیان نمودند: «مبارزه با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده

ب) اگر نزاع حق و باطل همیشگی است، آیه «وَإِنْ جُنْحُوا لِلْسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»<sup>۱</sup> و «فَإِنْ اغْتَرَّوْكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»<sup>۲</sup> حکایت از صلح و مذاکره و عدم جواز مقاتله با برخی کفار دارد. این دو مدل از آیات چگونه قابل جمع‌اند؟

ج) برای تبیین این مسئله باید اشاره نماییم احکام اسلامی سه قسم است: احکام اولیه که دایر مدار مصالح واقعی، بدون توجه به موقعیت و زمان و مکان و قطع‌نظر از سایر مسائل بر موضوعات بار می‌شود که شامل احکام وضعیه و تکلیفیه می‌گردد. دوم احکام ثانویه که در شرایط اضطرار و عدم دسترسی یا امکان اجرای احکام اولیه بر موضوعی بار می‌شود. سوم: احکام حکومتی این دسته از احکام مربوط به شئون و امور حکومتی است که دایر مدار مصلحت می‌باشد.

د) با توجه به نکته فوق می‌توان گفت استکبارستیزی از احکام اولیه اسلامی است که در هیچ وضعیتی قابل عوض شدن نیست؛ از همین رو برخی گفته‌اند صلح کلی میان اسلام و کفر امکان‌پذیر نیست؛ ولی در اسلام مدل دیگر احکام، یعنی احکام ثانویه و حکومتی وجود دارد که در وضعیت اضطراری یا بر اساس مصالحی بر موضوع بار می‌گردد. مذاکره و مصالحه از این قسم دوم است که بر موضوع دولت استکباری حمل می‌گردد؛ یعنی وظیفه هر دولت اسلامی به حکم اولی مبارزه با استکبار است؛ ولی در برخی شرایط خاص شریعت اجازه مذاکره و مصالحه را به دولت اسلامی داده است.

۱. انفال: ۶۱.

۲. نساء: ۹۰.

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۱۹.

حضرت آیت‌الله سیستانی: دشنام به مقدسات اهل سنت مغایر با آموزه‌های اهل بیت عصمت ۷ به شیعیان و شاگردان خود است.

حضرت آیت‌الله وحید خراسانی: نباید با اتباع مذاهب دیگر دشمنی کرد، نباید به مقدسات آنها توهین نمود، لعن و سبّ بزرگان آنها جایز نیست؛ زیرا موجب دورکردن آنها از اهل بیت و معارف آنها می‌شود. حضرت آیت‌الله جوادی آملی: سبّ صحابه، اهانت به مقدسات شیعه یا سنی، توهین و تحقیر ظالمانه نسبت به باورهای هر کدام از دو گروه، حرام و ایجاد اختلاف و روشن کردن آتش تفرقه و شقاق و تحطیم و هدم اساس وحدت امت اسلامی، گناهی بزرگ است.

حضرت آیت‌الله نوری همدانی: جایز نیست.

حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی: مؤمنین باید از کارهایی که موجب تشدید اختلاف به خصوص در شرایط فعلی و در مقابل کفر و الحاد می‌شود، اجتناب کنند.

حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی: مؤمنین باید از انجام اموری که باعث تفرقه و اختلاف و تضعیف اسلام می‌شود، اجتناب کنند. در صحیح‌ه ابی‌بصیر از حضرت باقر ۷ نقل شده است: «إِنَّ رَجُلًا مِنْ تَمِيمٍ أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ أَوْصِنِي فَكَانَ فِيمَا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعِدَاةَ لَهُمْ».

حضرت آیت‌الله محقق کابلی: از اهانت به مقدسات اهل سنت خودداری شود.

حضرت آیت‌الله علوی گرگانی: اهانت به مقدسات اهل سنت جایز نیست.

حضرت آیت‌الله العظمی مظاهری: اهانت به مقدسات و اعتقادات

کنید برای ادامه مبارزه با استکبار»<sup>۱</sup> بنا بر این استراتژی ایران مبتنی بر استکبارستیزی است که از مبانی دینی گرفته شده است؛ اما به صورت تاکتیکی ممکن است مصلحت کشور بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی مبتنی بر مذاکره باشد؛ لذا مذاکره برای پذیرش سلطه، خط قرمز جمهوری اسلامی در روابط با آمریکا است؛ اما مذاکره‌ای که بر اساس مصلحتی اتخاذ شود و به سلطه منجر نشود، ضرورتاً منفی نیست.

## ۱۱. آیا ممنوعیت اهانت به اهل سنت از سوی مراجع تقلید در قالب فتوا اعلام شده است؟

همان‌طور که سیاست رسمی جمهوری اسلامی ممنوعیت اهانت به هر مذهب و دین رسمی بوده است، در مراجع فکری و دینی نیز این موضوع از اهمیت بسیاری برخوردار است. فتوای رهبر انقلاب مبنی بر حرمت اهانت به همسران پیامبر و نمادهای اهل سنت که توسط آیت‌الله خامنه‌ای اعلام شد، در واقع بالاترین مقام رسمی کشور که هم جایگاه سیاسی دارد و به عنوان یک مرجع تقلید و وظیفه تبیین احکام شرعی را دارد، فتوایی است که با استقبال علما و مسلمانان مواجه شد. علاوه بر ایشان بسیاری از علما و مراجع تقلید نیز فتوایشان به شرح ذیل است:

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: اهانت به نمادهای برادران اهل سنت حرام است.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی: هرگونه اهانت به مقدسات دیگران شرعاً

جایز نیست.

۱. مقام معظم رهبری، ۲۰/۴/۱۳۹۴.

کشورها بر اساس منافع ملی تعیین‌کننده نوع رابطه است. روابط سال‌های اخیر ایران و روسیه نیز در راستای تأمین منافع ملی ایران و بر اساس رعایت سه اصل مذکور بوده است. در سال‌هایی که تحریم‌های آمریکا و غرب شدیدترین فشارها را بر مردم ایران اعمال می‌کرد، روسیه در بسیاری از بخش‌ها با ملت ایران همراه بوده است و در تحولات اخیر خاورمیانه نیز روسیه هرچند منافع خود را دنبال می‌کند، به دلیل رویکرد ضد آمریکایی بیشترین قرابت را در راهبردهای اعمالی با جمهوری اسلامی ایران داشته است. این هم‌افزایی راهبردی را هر دو کشور در سوریه تجربه کرده و موفقیت‌های زیادی نیز در پی داشته است. هرچند در برخی حوزه‌ها نیز اختلافات ایران و روسیه همچنان وجود دارد؛ برای نمونه رابطه روسیه و رژیم صهیونیستی به هیچ عنوان مورد تأیید ایران نیست؛ اما در بسیاری از موارد نیز منافع مشترک، دو کشور را در کنار یکدیگر قرار داده است.

بخشی از مناسبات مطلوب ایران با روسیه نیز تحت تأثیر عوامل محیطی است که این دو کشور را به یکدیگر نزدیک کرده است. یکی از این موضوعات مبارزه به تروریسم است که برای هر دو کشور تهدیدات امنیتی دارد و در سال‌های اخیر با توسعه داعش و جریان‌های افراطی در سوریه این تهدید متوجه بسیاری از کشورها از جمله این دو کشور بوده است؛ به طوری که در دیدار رهبر انقلاب و رئیس‌جمهور سوریه نیز رهبر انقلاب به این ترکیب برای مقابله با تروریسم اشاره کردند: «ترکیب خیلی خوب و ایستادگی مشترک تهران و مسکو در مقابل فتنه و فساد تروریست‌ها در سوریه پرمعناست و روسیه را در مسائل منطقه غرب آسیا تأثیرگذار کرده

مسلمانان و ایجاد تفرقه میان صفوف پیروان پیامبر عظیم‌الشان ۹، عقلاً و شرعاً جایز نیست.

حضرت آیت‌الله مدنی تبریزی: اسلام توهین به مقدسات هیچ‌یک از ادیان، به‌ویژه مذاهب اسلامی را جایز نمی‌داند و هر حرکتی که موجب اختلاف میان امت اسلامی و خسارت و ضرر مالی و جانی به مسلمانان گردد، حرام و خلاف شرع است.

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی: هر عمل یا گفتاری که موجب فتنه و اختلاف بین مسلمانان شیعه و سنی شود، جایز نیست.

بنابراین به نظر می‌رسد اگر در یک رسانه غیررسمی یا یک تجمعی چنین اهانت‌هایی صورت می‌پذیرد، بر خلاف نظر مراجع تقلید و سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران است.

## ۱۲. آیا همکاری ایران و روسیه نقض الگوی «نه شرقی نه غربی» نیست؟

الگوی نه شرقی نه غربی به معنای نفی وابستگی است. در واقع این الگو ضد راهبردی است که منافع کشور بر اثر وابستگی به یکی از بلوک‌های قدرت تعیین شود؛ اما این الگو به معنای قطع رابطه با کشورهای دنیا نیست. سیاست رسمی جمهوری اسلامی مبتنی بر این است که روابط با کشورها بر اساس سه اصل (عزت، حکمت و مصلحت) تعیین می‌شود. در روابط خارجی ایران با هر کشور دیگری در صورت تأمین سه اصل مذکور می‌توان رابطه برقرار کرد. البته در سیاست رسمی جمهوری اسلامی، رژیم صهیونیستی به دلیل جعلی بودن تحت هیچ شرایطی به رسمیت شمرده نمی‌شود؛ اما روابط با دیگر

است.<sup>۱</sup> عامل دیگر نزدیک‌کننده دو کشور، مجموعه تحریم‌های اعمالی از سوی غرب و آمریکا بوده است که هر دو کشور با آن مواجه بوده‌اند. تحریم‌های اعمالی، این دو کشور را به سمت تأمین نیازهای یکدیگر بدون استفاده از سازوکارهای مبتنی بر دلار سوق داده است که این موضوع نیز در دیدار فوق از سوی رهبر انقلاب مطرح شد: «بدون توجه به تبلیغات منفی دشمنان برای تضعیف روابط کشورها، می‌توانیم تحریم‌های آمریکایی‌ها را با روش‌هایی از جمله حذف دلار و جایگزین کردن پول ملی در معاملات اقتصادی دو یا چندجانبه، بی‌اثر و آمریکا را منزوی کنیم»؛<sup>۲</sup> بنابراین نزدیکی ایران به روسیه در سال‌های اخیر به دلیل مناسباتی است که منافع ملی ایران اقتضای آن را دارد و هر دو طرف از این روابط منصفانه بهره می‌برند و جمهوری اسلامی نیز هیچ‌گاه خواستار قطع رابطه با کشورهای مختلف نیست؛ لذا از چنین مناسباتی که بر اساس سه اصل (عزت حکمت و مصلحت) است، استقبال می‌کند.

## جمع‌بندی نهایی

مبنای شکل‌گیری انقلاب اسلامی مبتنی بر این اندیشه بنیادی است که دین اسلام که احکامی را برای سعادت بشر ارائه کرده است، بدون توجه به قوه اجرایی و تحقق‌بخش این احکام به هدف خود نمی‌رسیده است؛ لذا پیامبر اسلام علاوه بر تبیین احکام الهی در رأس تشکیلات و سازمان سیاسی نیز حضور داشت و به اجرای این احکام اهتمام و نظارت داشت. تجربه تاریخی دولت مدینه نشان می‌دهد پیامبر اکرم ﷺ به تشکیل حکومت اقدام و رهبری آن را نیز بر عهده گرفته است. ضرورت تشکیل حکومت توسط پیامبر نیز مجموعه احکام اجتماعی و سیاسی دین اسلام است که بدون تشکیل حکومت، اجرایی شدن آنها میسر نبود. با توجه به اینکه این احکام سیاسی - اجتماعی اسلام، مانند جهاد، دفاع، مالیات‌های اسلامی و اجرای حدود همیشگی‌اند و به زمان پیامبر اکرم اختصاصی نداشته‌اند، همان ضرورت امروزه نیز برای اجرای آنها وجود دارد و بدون وجود یک حکومت اسلامی احکامی مانند قصاص، مالیات‌های اسلامی، بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی جامعه نیز فرو خواهد پاشید و پس از پیامبر اکرم ﷺ هم کسی از مسلمانان

۱. دیدار با رئیس‌جمهور روسیه، ۱۰/۸/۱۳۹۶.

۲. همان.

در ضرورت وجود حکومت اسلامی تشکیک نکرد؛ بلکه اختلاف در شخص رهبر بود؛ وگرنه همه اذعان داشتند با توجه به وجود احکام سیاسی و اجتماعی، به حکومتی برای اجرای این احکام اسلامی نیاز است. بر اساس این استدلال، حضرت امام به سوی تشکیل حکومت اسلامی حرکت کرده، با تلاش‌های فلسفی و فقهی، بنیان‌های نظری حکومت مطلوب را در نظریه ولایت فقیه بر اساس ادله عقلی و نقلی ارائه کرد. مجموعه بنیان‌های فکری برگرفته از دین اسلام، در پیوند با عنصر رهبری امام خمینی و حضور مردم، باعث پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ شد. این انقلاب در فضای دوقطبی جنگ سرد رخ داد که کشورها به صورت طبیعی در حوزه فکری و سیاسی یکی از دو بلوک تعلق داشتند؛ اما انقلاب اسلامی مدعی اندیشه‌ای مستقل و با شعار «نه شرقی نه غربی» در بخش سلبی و ارائه مدل «جمهوری اسلامی» در بخش ایجابی بود.

این انقلاب با تکیه بر سه رکن دین اسلام، رهبری امام خمینی و حضور مردم به پیروزی رسید و توانست الگوی جدیدی تحت عنوان مردم‌سالاری دینی ارائه کند که برای ملت‌های مسلمان و مستقل جذابیت‌های زیادی داشت. مجموعه محدودیت‌ها، تحریم‌ها و اعمال جنگی هشت‌ساله نتوانست این الگو را با شکست مواجه کند. انقلابی که بسیاری از نظریه‌پردازان خارجی منتظر ترمیدور (بازگشت‌پذیری) در آن بودند، با همه موانع امروز پس از چهار دهه کارآمدی این نظام سیاسی در تداوم و تأثیرگذاری فراملی‌اش مورد اذعان همگان است؛ به طوری که در سطح داخلی در بسیاری از زمینه‌های علمی و دانشی در سطح بالایی قرار دارد و در سطح فراملی نیز الهام‌بخش بسیاری از ملت‌هاست و با درخواست بسیاری از کشورهای منطقه

در تأمین امنیت آنها در مقابله با تروریسم مشارکت می‌کند. بر اساس الگوی اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، بسیاری از رسانه‌ها می‌کوشند چهره‌ای غیرواقعی از جمهوری اسلامی ارائه دهند؛ اما تداوم نظامی بر اساس الگوی مردم‌سالاری دینی، باعث شگفتی بسیاری از تحلیلگران شده است. پرسش‌های مطرح شده در این مجموعه، برخی از ابهامات را که درباره انقلاب اسلامی و عملکرد داخلی و خارجی جمهوری اسلامی مطرح شده بود، به صورت اختصاری پاسخ داده است؛ اما پاسخ تفصیلی تر هرکدام از این پرسش‌ها را می‌توان در دیگر منابع دنبال کرد.

## کتابنامه

\* قرآن.

\*\* نهج البلاغه.

۱. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ترجمه غلامرضا لایقی؛ ج ۲، تهران: نیستان، ۱۳۸۸.

۲. احسانی فر، احمد؛ «تحلیل فقهی فتوای رهبری بر حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای»، فصلنامه حکومت اسلامی؛ سال بیست و سوم؛ بهار ۱۳۹۷.

۳. ارسطو، محمدجواد؛ نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴.

۴. اکبری معلم، علی؛ اندیشه سیاسی امام خمینی؛ و نسل سوم انقلاب اسلامی ایران؛ ج ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.

۵. \_\_\_\_\_؛ شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی؛ (در ابعاد فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی)؛ تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی، ۱۳۹۶.

۶. امام خمینی، روح الله؛ البیع؛ ج ۲، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.

۷. \_\_\_\_\_؛ تحریرالوسیله؛ ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۸. \_\_\_\_\_؛ شرح چهل حدیث: قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
۹. \_\_\_\_\_؛ صحیفه امام؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۰. \_\_\_\_\_؛ ولایت فقیه: حکومت اسلامی؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
۱۱. ایزدهی، سیدسجاد؛ نظارت بر قدرت در فقه سیاسی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۲. \_\_\_\_\_؛ نقد نگرش‌های حداقلی در فقه شیعه؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۳. ایزدهی، سیدسجاد؛ فقه سیاسی امام خمینی؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰.
۱۴. بخاری، محمدبن اسماعیل؛ صحیح بخاری؛ ج ۷، ارومیه: حسینی اصل، ۱۳۹۲.
۱۵. برجی، یعقوب علی؛ ولایت فقیه در اندیشه فقیهان؛ تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۱۶. جعفریان، رسول؛ دین و سیاست در دوره صفوی؛ قم: انصاریان، ۱۳۷۰.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله؛ «حکمت متعالیه، سیاست متعالیه دارد»، سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه؛ به اهتمام شریف لکزایی؛ دفتر اول نشست‌ها و گفتگوها، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۸. \_\_\_\_\_؛ بنیان مرصوص؛ قم: اسراء، ۱۳۷۵.
۱۹. \_\_\_\_\_؛ ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت؛ قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۲۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: سمت، ۱۳۹۱.
۲۱. دورانت، ویلیام جیمز؛ لذات فلسفه؛ ترجمه عباس زریاب؛ تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۲. رضازاده، محمدامین؛ همایش «حقوق بشر: مسئولیت همگانی»؛ خبرگزاری مهر.
۲۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی؛ درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام؛ قم: دارالنور، ۱۳۸۱.
۲۴. طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان؛ ترجمه محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۵. طوسی، محمدبن حسن؛ الامالی؛ قم: ذوالقربی، ۱۳۸۹.
۲۶. عیسی‌نیا، رضا؛ تجربه سیاست‌ورزی حوزه علمیه قم؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (در دست انتشار).
۲۷. \_\_\_\_\_؛ وضعیت شهروندی در جمهوری اسلامی ایران (مبانی و اصول)؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
۲۸. کلاتری، علی‌اکبر؛ احکام ثانوی در تشریح اسلام؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۲۹. کیخا، نجمه؛ مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی؛ قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۰. لکزایی، شریف؛ «حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی»، جستارهای سیاسی معاصر؛ ش ۸، ۱۳۹۲.
۳۱. لکزایی، نجف و رضا لکزایی؛ «تحلیل انقلاب اسلامی در چارچوب حکمت متعالیه»، فصلنامه متین؛ ش ۵۱، ۱۳۹۱.

۳۲. محمدی، منوچهر؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷.

۳۳. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۵.

۳۴. میراحمدی، منصور؛ نظریه مردم‌سالاری دینی؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

۳۵. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ ج ۱۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.

۳۶. نراقی، ملااحمد؛ عوائدالایام؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.

۳۷. نصر، سیدحسین، «عرفان نظری و تصوف علمی و اهمیت آنها در دوران کنونی»؛ ترجمه انشاءالله رحمتی؛ اطلاعات حکمت و معرفت، ش اول، ۴ اسفند، ۱۳۸۴.

## نمایه‌ها

### آیات

#### بقره(۲)

- ۲۹ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ... ۱۶۱
- ۲۰۵ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ..... ۱۶۲

#### نساء(۴)

- ۱ خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ..... ۱۱۲
- ۷ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ ..... ۱۱۲
- ۳۲ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ ..... ۱۱۲
- ۹۰ فَإِنِ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يِقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقُواْ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ ..... ۱۷۶
- ۱۴۱ وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ..... ۱۴۱

#### انعام(۶)

- ۱۳۷ وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءُ لَهُمْ ..... ۱۰۹
- ۱۴۰ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُواْ أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا ..... ۱۰۹



١٥١ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ... ١٦٣

اعراف(٧)

١٠ وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ..... ١٦١

انفال(٨)

٦٠ وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ..... ٢٦

٦١ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ..... ١٧٦

نحل(١٦)

٣٦ وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ..... ١٧٥

زمر(٣٩)

١٧ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَيَّ اللَّهُ لَهُمُ الْبُشْرَى..... ١٧٥

جاثية(٤٥)

١٣ وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ..... ١٦١

حجرات(٤٩)

١٣ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ..... ١٠٩

روایات

اللهم إنك تعلم أنه لم يكن الذي منّا منافسة في سلطان، ولا التماس شيء من

فضول الخُطام؛ و لكن لتردد ... ٦٤

اللهم إنك تعلم أنني لم أرد الإمرة ولا علو الملك و الرياسة؛ وإنما أردت القيام

بحدودك، و ... ٦٤

إِنَّ رَجُلًا مِنْ تَمِيمِ أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ أَوْصِنِي فَكَانَ فِيمَا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ..... ١٧٩

انه لقد اذن لكن ان تخرجن لحوائجكن ..... ١١٠

طلب العلم فريضة علي كل مسلم و مسلمة ..... ١١١

الناس كلهم سواء كاسنان المشط ..... ١١٢

آمار مساجد اهل سنت ایران..... ۹۹

آمار نرخ باسوادی ایران..... ۱۲۶

اباحه استفاده از انرژی خدادادی در قرآن..... ۱۶۱

ابعاد سیاسی و اجتماعی اخلاق اسلامی..... ۴۰-۴۱

اجرای مفاد اسناد بین‌المللی در ایران..... ۹۲

احزاب و تشکل‌های سیاسی در سیاست‌های کلی انتخابات ایران..... ۱۲۰

اختلاف ایران و عربستان در مسئله یمن..... ۱۶۸

اختلاف در رهبری حکومت اسلامی بعد از پیامبر اسلام ۹..... ۱۸۴

اختیارات ولایت مطلقه فقیه..... ۸۸-۸۹

ادامه فعالیت روحانیون در زمان تبعید امام خمینی ;..... ۸۲

ارائه نظریه ولایت مطلقه فقیه توسط امام خمینی ;..... ۳۴

ارسال ماهواره به فضا توسط ایران..... ۱۳۰-۱۳۱

ارکان انقلاب اسلامی ایران..... ۱۸۴

ارکان حکم حکومتی..... ۷۳

اساس روابط خارجی ایران..... ۱۸۰-۱۸۲

استدلال امام خمینی ; به سیره اهل بیت : برای تشکیل حکومت..... ۲۸-۲۹

استراتژی دشمن برای جلوگیری از تثبیت نظام اسلامی..... ۱۶

استراتژی دولت اسلامی در مبارزه با قدرت‌های سلطه‌گر..... ۱۷۶-۱۷۷

استفاده ابزاری ابرقدرت‌ها از تروریست‌ها برای پیش‌برد اهداف خود..... ۱۵۴

استفاده ابزاری جریان رسانه‌ای دشمنان از حضور مستشاری ایران در عراق..... ۱۵۹-۱۶۰

استفاده ابزاری قومیت‌گرایان از احساسات قومی..... ۱۱۸

## موضوعات

آثار پیشرفت ایران در زمینه نانو..... ۱۳۱

آثار شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی ;..... ۵۰-۵۱

آزادی عقاید و شعائر دینی اقلیت‌های دینی در قانون اساسی..... ۱۰۱-۱۰۲

آزادی عقیده و انجام شعائر مذهبی اقلیت‌های مذهبی در قانون اساسی..... ۹۶

آشتی‌ناپذیری در سیر مبارزه با رژیم شاه..... ۷۶

آمار افزایش تعداد اختراع در ایران..... ۱۲۷

آمار افزایش تعداد مقالات در ایران..... ۱۲۷

آمار افزایش صادرات غیرنفتی..... ۱۳۴-۱۳۵

آمار پیشرفت ایران در زمینه پتروشیمی..... ۱۳۸

آمار پیشرفت ایران در زمینه نفت و گاز..... ۱۳۶-۱۳۷

آمار پیشرفت‌های ایران در بخش زیر ساخت..... ۱۳۳-۱۳۴

آمار پیشرفت‌های علمی در انقلاب اسلامی..... ۱۲۵-۱۲۷

آمار جمعیت و امکانات اقلیت‌های دینی ایران..... ۹۳-۹۴

آمار رشد تحصیلات تکمیلی در ایران..... ۱۲۶-۱۲۷

- استفاده انقلاب اسلامی از الگوهای اخلاقی شیعه ..... ۴۱
- استفاده شهید مطهری از حکمت متعالیه برای مبارزه با نظریه‌های سوسیالیستی ..... ۳۷-۳۸
- استکبارستیزی در قرآن ..... ۱۷۵
- استمرار حمایت ایران از فلسطین برای نابودی رژیم صهیونیستی ..... ۱۴۷-۱۴۸
- اصل بیست و چهارم قانون اساسی ..... ۵۶
- اصل بیست و هفتم قانون اساسی ..... ۵۶
- اصل پنجم قانون اساسی ..... ۵۶
- اصل چهارم قانون اساسی ..... ۵۶
- اصل چهل و چهارم قانون اساسی ..... ۵۶-۵۷
- اصل دوازدهم قانون اساسی ..... ۵۶، ۱۰۰
- اصل دوم قانون اساسی ..... ۵۶
- اصول سیاست خارجی ایران در قانون اساسی ..... ۱۴۱-۱۴۲
- اصول مربوط به حاکمیت دینی در قانون اساسی ..... ۵۵-۵۶
- اصول مربوط به حاکمیت ملی در قانون اساسی ..... ۵۷
- اصول مرتبط با حقوق زنان در قانون اساسی ایران ..... ۱۱۳
- اعتقاد امام خمینی ؛ به حرکت تدریجی فرهنگی در روند انقلاب ..... ۴۲
- اعلام نوع حکومت جایگزین حکومت شاهنشاهی از طرف امام خمینی ؛ ..... ۷۸
- اعلامیه جهانی حقوق بشر ..... ۹۱-۹۲
- افزایش نرخ رشد اقتصادی ایران ..... ۱۳۵
- اقدام شاه برای جلوگیری از براندازی حکومت پهلوی ..... ۷۶-۷۷
- اقدامات دولت آشتی ملی ایران ..... ۷۷
- اقسام احکام اسلامی ..... ۲۵-۲۷، ۱۷۶
- اقسام اندیشه سیاسی امام خمینی ؛ ..... ۴۳
- اقسام ولایت ائمه اطهار ؛ ..... ۸۶
- اقلیت‌های دینی رسمی در قانون اساسی ..... ۱۰۱
- اقلیت‌های مذهبی ایران ..... ۹۵
- امکان آموزشی اقلیت‌های دینی ایران ..... ۹۴-۹۵
- امکان بحران در عربستان به واسطه آزادی‌های مدنی ..... ۱۷۳
- امکانات تحصیلی طلاب اهل سنت بعد از انقلاب اسلامی ..... ۹۸-۹۹
- امکانات رفاهی و اجتماعی طلاب اهل سنت در ایران ..... ۹۸
- امید دشمنان به بازگشت‌پذیری در انقلاب اسلامی ..... ۱۶-۱۷
- اندیشه‌های تاثیرگذار بر امام خمینی ؛ ..... ۳۵
- انکار نقش روحانیون در انقلاب اسلامی در تحلیل مارکسیستی از انقلاب ..... ۷۶
- انواع مشارکت مردم در مسائل کشور در قانون اساسی ..... ۵۹-۶۰
- اهتمام قانون اساسی به تعلیم و تربیت دینی اقلیت‌های مذهبی ..... ۹۷-۹۸
- اهمیت قانون اساسی به حقوق شهروندی ..... ۶۱
- بحران انتقال قدرت از فرزندان عبدالعزیز به نوه‌هایش ..... ۱۷۳-۱۷۴
- بحران‌های داخلی عربستان ..... ۱۷۱
- برابری حقوق اقلیت‌های دینی با آحاد مردم در قانون اساسی ..... ۱۰۱
- برابری حقوق اقلیت‌های مذهبی با جامعه ایران در قانون اساسی ..... ۹۵-۹۶
- برقراری رابطه بین سیاست و شریعت در حکمت متعالیه ..... ۳۹
- برنامه‌های نوسازی هویت ملی بعد از انقلاب اسلامی ..... ۱۱۷

- بهبانۀ تراشی عربستان برای حمله به یمن..... ۱۶۹
- بهره زنان از احکام اقتصادی اسلام..... ۱۱۰
- پراکندگی جمعیتی اقلیت‌های مذهبی ایران..... ۹۷
- پروژه ایران‌هراسی در دنیا..... ۱۵۷-۱۵۸
- پیامدهای نبود حکومت اسلامی در روایات..... ۲۹
- پیش‌بینی ضوابط ریشه‌کنی فقر در قانون اساسی..... ۵۸
- پیشرفت انقلاب اسلامی..... ۱۷
- پیشرفت ایران در بخش زیر ساخت..... ۱۳۲-۱۳۳
- پیشرفت ایران در زمینه تولید بنزین..... ۱۳۸
- پیشرفت ایران در زمینه تولید دارو..... ۱۳۵
- پیشرفت ایران در زمینه زیست فناوری..... ۱۳۱-۱۳۲
- پیشرفت ایران در زمینه کشاورزی..... ۱۳۵
- پیشرفت‌های ایران در حوزه بیوتکنولوژی..... ۱۲۹-۱۳۰
- پیشرفت‌های ایران در زمینه انرژی هسته‌ای..... ۱۲۷-۱۲۸
- پیشرفت‌های ایران در زمینه پتروشیمی..... ۱۳۷-۱۳۸
- پیشرفت‌های ایران در زمینه نفت و گاز..... ۱۳۶-۱۳۷
- پیشرفت‌های ایران در زمینه هوا و فضا..... ۱۳۰-۱۳۱
- پیشرفت‌های پزشکی ایران بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۲۸
- پیشرفت‌های علمی در انقلاب اسلامی..... ۱۲۵
- تأثیر الگوی بسیج مردمی ایران در تشکیل حشدالشعبی عراق..... ۱۵۸-۱۵۹
- تأثیر ایدئولوژی وهابیت بر نظام سیاسی عربستان..... ۱۷۰-۱۷۱
- تأثیر پدیده جهانی شدن فرهنگ‌های بومی و محلی..... ۱۱۵
- تأثیر تحریم‌های غرب بر رابطه ایران و روسیه..... ۱۸۲
- تأثیر شعار استقلال‌طلبی ایران بر ملت‌های دیگر..... ۱۴۴
- تأثیر عوامل محیطی بر رابطه ایران و روسیه..... ۱۸۱-۱۸۲
- تأثیر فراملی انقلاب اسلامی..... ۱۸۴
- تاریخچه بحث ولایت فقیه در متون فقهی شیعه..... ۳۰-۳۱
- تاریخچه تشکیل قانون اساسی ایران..... ۵۵
- تاکید ایران بر حق استفاده از انرژی هسته‌ای..... ۱۶۰-۱۶۱
- تثبیت نظام سیاسی اسلام در مقابل ایدئولوژی مارکسیسم و لیبرالیسم..... ۱۵-۱۶
- تجربه استفاده از بسیج مردمی در ایران..... ۱۵۸
- تجربه بالای ایران در مبارزه با تروریسم..... ۱۵۲
- تداوم انقلاب اسلامی بر پایه مردم سالاری دینی..... ۱۸۵
- تداوم انقلابی‌گری در قانون اساسی..... ۶۸-۶۹
- ترکیب گوناگون اقوام در ایران..... ۱۱۵-۱۱۶
- ترور دانشمندان ایرانی توسط رژیم صهیونیستی..... ۱۴۶
- تشکیل حزب برای کسب قدرت..... ۱۲۳-۱۲۴
- تشکیل حزب برای هدایت فکری..... ۱۲۳
- تشکیل حکومت اسلامی توسط امام خمینی ;..... ۱۸۴
- تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر اسلام ﷺ..... ۱۸۲
- تشکیل دولت ملی برای جلوگیری از شکست حکومت شاهنشاهی..... ۷۹
- تغییرات بنیادی به واسطه انقلاب اسلامی..... ۶۸

- تفاوت الگوهای نوسازی ایران با عربستان..... ۱۷۴
- تفاوت انقلاب اسلامی با کودتا..... ۷۵
- تفاوت تساوی و تشابه حقوق زنان..... ۱۱۲
- تفاوت در مبنای فکری ایران با عربستان بعد از انقلاب اسلامی..... ۱۶۵
- تفاوت رویکرد ترکیبی با بسیطی در جمهوریت و اسلامیت..... ۵۴
- تفاوت قلمرو اختیارات ائمه با اختیارات ولی فقیه..... ۸۶-۸۷
- تفاوت ولایت مطلقه با حکومت مطلقه..... ۸۷، ۸۹
- تقابل آزادی‌های مدنی عربستان با بنیادهای فکری وهابیت..... ۱۷۲
- تقابل همیشگی حق با باطل در قرآن..... ۱۷۶
- تقاضای راهنمایی رژیم پهلوی از روحانیون..... ۷۷-۷۸
- تلاش دشمن برای جدایی دین از سیاست و حکومت..... ۲۲
- تلاش رسانه‌های سلطه‌گر در معرفی مواضع بین‌المللی ایران بر طائفه‌گرایی مذهبی..... ۱۵۱
- تلاش محمد بن سلمان در جلب حمایت طبقه متوسط عربستان..... ۱۷۲-۱۷۳
- توجه به شخصیت زنان در احکام اسلامی..... ۱۰۹-۱۱۰
- توجه ملت‌ها به مبانی فکری انقلاب اسلامی ایران..... ۱۴۳
- توجه ویژه ملا احمد نراقی به بحث ولایت فقیه..... ۳۲-۳۳
- توزیع نابرابر منابع ملی بین گروه‌های قومی ایران..... ۱۱۶
- توصیه امام خمینی؛ به حاج احمد خمینی درباره قبول مسئولیت..... ۶۷
- توصیه امام خمینی؛ به گورباچف برای آشنایی با حکمت متعالیه صدر..... ۳۵-۳۶
- توصیه‌های امام جعفر صادق ۷ هنگام اعزام نیروها برای جنگ..... ۱۶۴
- توطئه‌های رژیم صهیونیستی بر علیه ایران..... ۱۵۰
- تهدید حمله به ایران توسط تروریست‌ها..... ۱۵۳
- جایگاه حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..... ۵۵
- جدول شاخص‌های اخلاق سیاسی امام خمینی؛..... ۴۷-۴۹
- جدول شاخص‌های فقه سیاسی امام خمینی؛..... ۴۹-۵۰
- جدول شاخص‌های فلسفه سیاسی امام خمینی؛..... ۴۴-۴۶
- جلوگیری از حق مشارکت سیاسی ملت‌های مسلمان توسط عربستان..... ۱۷۴
- جلوگیری حکومت پهلوی از فعالیت انقلابی و عاظ..... ۸۰-۸۱
- چالش ایران با عربستان به دلیل شهادت حجاج در عربستان..... ۱۶۷
- چالش آمریکا در حمایت از عربستان..... ۱۷۱-۱۷۲
- حرکت‌های اخلاقی مردم در روند انقلاب اسلامی..... ۴۲
- حرمت قتل نفس در قرآن..... ۱۶۳
- حضور اجتماعی و سیاسی زنان در اسلام..... ۱۱۰-۱۱۱
- حضور اهل سنت در قوه قضائیه..... ۱۰۰
- حضور مستشاری ایران برای آموزش حشدالشعبی عراق..... ۱۵۹
- حضور نظامی ایران در سوریه به صورت قانونی..... ۱۵۱
- حضور نمایندگان اهل سنت در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری..... ۱۰۰
- حق کمال برای زنان در قرآن..... ۱۰۹
- حق مالکیت برای زنان در اسلام..... ۱۱۲
- حقوق اجتماعی اقلیت‌های دینی در قانون اساسی..... ۱۰۲
- حقوق اجتماعی مردم در قانون اساسی..... ۶۰-۶۱
- حقوق اقلیت‌های دینی در قانون اساسی..... ۵۹، ۹۲-۹۳، ۱۰۱-۱۰۳

- حقوق اقلیت‌های مذهبی ایران در قانون اساسی..... ۹۷-۹۵
- حقوق زنان در قانون حمایت از حقوق زنان..... ۱۱۴
- حقوق سیاسی اقلیت‌های دینی در قانون اساسی..... ۱۰۳-۱۰۲
- حقوق سیاسی شهروندی در قانون اساسی..... ۵۹
- حقوق شهروندی در قانون اساسی..... ۶۰-۵۸
- حقوق قضایی شهروندی در قانون اساسی..... ۵۹-۵۸
- حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی..... ۹۲
- حکم حکومتی در فقه سیاسی شیعه..... ۷۱
- حمایت دائمی ایران از مردم فلسطین..... ۱۵۰
- حمایت راهبردی جمهوری اسلامی از مردم فلسطین..... ۱۴۸
- حیطه اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی..... ۸۹
- خط قرمز ایران در مذاکره..... ۱۷۸
- خطر جهانی گروه‌های تروریستی..... ۱۵۷
- خیر انگاری قدرت از سوی امام خمینی ;..... ۶۷-۶۵
- درآمد مالی پیش‌بینی شده برای بیت المال در اسلام..... ۲۵
- دفاع ایران از مردم سوریه..... ۱۵۵
- دلایل اعتقادی حضور ایران در سوریه..... ۱۵۶-۱۵۵
- دلایل ایران برای حرمت ساخت سلاح هسته‌ای..... ۱۶۱-۱۶۰
- دلایل آزادی‌های مدنی توسط محمد بن سلمان..... ۱۷۲-۱۷۰
- دلایل تاثیرپذیری انقلاب اسلامی از حکمت متعالیه..... ۳۶
- دلایل تغییرات روبنایی عربستان..... ۱۷۱
- دلایل توسعه کمی و کیفی احزاب سیاسی..... ۱۲۱
- دلایل حضور نظامی ایران در سوریه..... ۱۵۶-۱۵۱
- دلایل حمایت جمهوری اسلامی از مردم فلسطین..... ۱۴۹-۱۴۸
- دلایل رابطه ایران با روسیه..... ۱۸۱
- دلایل ضرورت ایجاد حکومت اسلامی در زمان غیبت..... ۲۵-۲۴
- دلایل ضرورت تشکیل حکومت دینی..... ۲۳
- دلایل عقلی حکم حکومتی..... ۷۲-۷۱
- دلایل مخالفت ایران با رژیم صهیونیستی..... ۱۴۷-۱۴۵
- دلایل نادیده گرفتن دستاوردهای انقلاب اسلامی..... ۱۲۴
- دلیل بحران‌زایی رژیم صهیونیستی..... ۱۴۶
- دلیل پناهندگی حکام مستبد عربی در عربستان بعد از بیداری اسلامی..... ۱۶۶-۱۶۵
- دلیل تشکیل حشدالشعبی عراق..... ۱۵۹-۱۵۸
- دلیل تلقی اشتباه از ولایت مطلقه فقیه..... ۸۵-۸۴
- دلیل حضور نظامی روسیه در سوریه..... ۱۵۳
- دلیل عدم طرح اندیشه ولایت فقیه توسط فقهای متقدم..... ۳۱
- دلیل مبارزه آل سعود با دموکراسی در کشورهای منطقه..... ۱۶۸-۱۶۷
- دیدگاه اسلام درباره حقوق زنان..... ۱۱۲-۱۰۹
- دیدگاه امام خمینی ; درباره ابعاد اسلام..... ۴۳
- دیدگاه امام خمینی ; درباره حکومت مطلقه فقیه..... ۸۵
- دیدگاه امام خمینی ; درباره رابطه اخلاق با سیاست..... ۴۷
- دیدگاه امام خمینی ; درباره رمز پیروزی انقلاب اسلامی..... ۴۰

- دیدگاه امام خمینی ; درباره سیاست ..... ۳۸-۳۹
- دیدگاه امام خمینی ; درباره شرایط فعالیت احزاب ..... ۱۲۱-۱۲۲
- دیدگاه امام خمینی ; درباره صدور انقلاب اسلامی ..... ۱۴۳-۱۴۴
- دیدگاه امام خمینی ; درباره علت تصدی حکومت ..... ۶۴
- دیدگاه امام خمینی ; درباره فعالیت‌های انقلابی شیخ عباسعلی اسلامی ..... ۸۰
- دیدگاه امام خمینی ; درباره قدرت ..... ۶۲-۶۳
- دیدگاه امام خمینی ; درباره لزوم آموزش همگانی ..... ۱۲۵
- دیدگاه امام خمینی ; درباره لزوم وفات احزاب با وجود اختلاف سلیقه ..... ۱۲۲
- دیدگاه امام خمینی ; درباره ماهیت اخلاقی قدرت ..... ۶۵
- دیدگاه امام خمینی ; درباره مفهوم جمهوری اسلامی ..... ۵۱-۵۲
- دیدگاه امام خمینی ; درباره نقش اخلاق در تحول اجتماعی ..... ۳۹-۴۰
- دیدگاه امام خمینی ; درباره نقش روحانیت در انقلاب اسلامی ..... ۸۳
- دیدگاه اندیشمندان اسلامی درباره ضرورت حکومت اسلامی ..... ۲۴
- دیدگاه ایران درباره حمله عربستان به یمن ..... ۱۶۸-۱۶۹
- دیدگاه آیت الله جوادی آملی درباره رابطه اسفار اربعه با نظام جمهوری اسلامی ..... ۳۶
- دیدگاه آیت الله جوادی آملی درباره نقش روحانیان در انقلاب اسلامی ..... ۷۶
- دیدگاه آیت الله جوادی آملی درباره ورود امام خمینی ; به سیاست ..... ۳۶-۳۷
- دیدگاه آیت الله سیستانی درباره رابطه اهل سنت با شیعیان ..... ۱۸۰
- دیدگاه شهید بهشتی درباره خودآگاهی انقلابی ..... ۶۹
- دیدگاه علامه طباطبایی درباره اخلاق قرآنی مردم ..... ۴۲-۴۳
- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره تشکیل احزاب در زمان ائمه اطهار : ..... ۱۲۲-۱۲۳
- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره حضور ایران در سوریه ..... ۱۵۵
- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره حل مسئله فلسطین ..... ۱۴۷، ۱۴۹
- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره صدور انقلاب اسلامی ..... ۱۴۴
- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره مذاکره با آمریکا ..... ۱۷۷
- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره نسبت بین مذاکره با استکبارستیزی ..... ۱۷۷-۱۷۸
- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره همکاری ایران با روسیه در مبارزه با تروریسم ..... ۱۸۲
- دیدگاه مقام معظم رهبری درباره اقسام احزاب ..... ۱۲۳-۱۲۴
- دیدگاه‌ها درباره نقش قدرت در نظام سیاسی ..... ۶۲-۶۳
- رابطه ابدیت احکام اسلامی با لزوم تشکیل حکومت در زمان غیبت ..... ۲۷
- رابطه احقاق حقوق در احکام جزایی با لزوم تشکیل حکومت ..... ۲۶-۲۷
- رابطه اخلاق اسلامی با نیت الهی ..... ۴۰
- رابطه اراده مردم با انقلاب اسلامی ..... ۴۱-۴۲
- رابطه استکبارستیزی با اندیشه اسلامی ..... ۱۷۵
- رابطه استکبارستیزی با سیاست خارجی ایران ..... ۱۷۴-۱۷۵
- رابطه استکبارستیزی با احکام اولیه اسلامی ..... ۱۷۶
- رابطه بمب هسته‌ای با نابودی نسل‌ها ..... ۱۶۲-۱۶۳
- رابطه جمهوری اسلامی با سفر چهارم اسفار اربعه ..... ۳۷
- رابطه حاکمیت مردم و حاکمیت الهی در جمهوری اسلامی ..... ۵۲
- رابطه حرمت قتل نفس با ممنوعیت بمب هسته‌ای در ایران ..... ۱۶۳
- رابطه حکم حکومتی با اجرای احکام ..... ۷۰-۷۱
- رابطه حکم حکومتی با حکم شرعی ..... ۷۳

- ۷۴..... رابطه حکم حکومتی با مصلحت‌اندیشی.....
- ۲۶-۲۵..... رابطه درآمدهای بیت‌المال با ضرورت تشکیل حکومت.....
- ۱۶۴..... رابطه ریختن سم در سرزمین‌ها با ممنوعیت بمب هسته‌ای.....
- ۵۲..... رابطه رئیس‌جمهور با جمهوریت.....
- ۱۶۶..... رابطه گروه‌های افراط‌گرا با اختلاف ایران و عربستان.....
- ۲۵..... رابطه ماهیت قوانین اسلام با تشکیل حکومت اسلامی.....
- ۱۷۴..... راه‌های محمدبن سلمان برای جلوگیری از کودتای داخلی.....
- ۱۳۱..... رتبه جهانی ایران در انتشار مقالات با موضوع نانو.....
- ۱۲۶..... رتبه جهانی ایران در تولید علم.....
- ۱۲۶..... رتبه جهانی ایران در رشته نانو.....
- ۱۲۶..... رتبه جهانی ایران در رشته هوا و فضا.....
- ۱۲۶..... رتبه جهانی ایران در رشته‌های علوم طبیعی.....
- ۱۲۹..... رتبه جهانی ایران در زمین فناوری سلول‌های بنیادی.....
- ۴۷..... رذایل اخلاقی در سیاست.....
- ۱۲۹..... رشته‌های مرتبط با سلول‌های بنیادی.....
- ۱۴۶-۱۴۵..... روند شکل‌گیری رژیم صهیونیستی.....
- ۱۶۶..... روند شکل‌گیری وهابیت.....
- ۷۴-۷۳..... روند صدور حکم حکومتی.....
- ۱۳۹..... رویکرد استقلال طلبانه جمهوری اسلامی.....
- ۱۴۰..... رویکرد ایجابی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی.....
- ۵۴-۵۲..... رویکرد بسیط در بررسی نسبت جمهوریت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی.....
- ۵۲-۵۱..... رویکرد ترکیبی در بررسی نسبت جمهوریت و اسلامیت در نظام جمهوری اسلامی.....
- ۱۱۷..... رویکردهای مهندسی اجتماعی برای یکپارچه سازی قومیت‌ها.....
- ۱۹..... زمینه‌های اعتقادی و اجتماعی انقلاب اسلامی.....
- ۵۴..... سازگاری مفهومی جمهوریت و اسلامیت در نظام جمهوری اسلامی.....
- ۱۶۷-۱۵۶..... سیاست ایران در حمایت از دولت‌های قانونی.....
- ۱۶۷..... سیاست عربستان در سرکوب حرکت‌های مردمی خاورمیانه.....
- ۱۲۱-۱۲۰..... سیاست‌های کلی انتخابات ایران.....
- ۱۱۶-۱۱۵..... سیر تطور جنبش‌های تجزیه طلب در ایران.....
- ۳۲-۳۱..... سیر تکامل نظریه ولایت فقیه.....
- ۲۸..... سیره اهل بیت : در تشکیل حکومت.....
- ۴۹-۴۷..... شاخص‌های اخلاق سیاسی امام خمینی ;.....
- ۵۰-۴۹..... شاخص‌های فقه سیاسی امام خمینی ;.....
- ۴۶-۴۳..... شاخص‌های فلسفه سیاسی امام خمینی ;.....
- ۸۴..... شباهت فضیلت ولی فقیه با فضیلت ائمه اطهار :.....
- ۸۷..... شرایط ولایت فقیه.....
- ۶۴-۶۳..... شرط ارزشمندی حکومت.....
- ۱۶۹..... شکست ائتلاف عربستان با دیگر کشورها در حمله به یمن.....
- ۳۵..... شکوفایی دوباره تمدن اسلامی در انقلاب اسلامی.....
- ۲۳..... ضرورت تشکیل حکومت برای اجرای احکام اجتماعی اسلام.....
- ۲۴..... ضرورت قوه مجریه برای اجرای قوانین.....
- ۷۵-۷۴..... ضرورت مشورت حاکم در موضوعات برای حکم حکومتی.....



- ضرورت ولی امر در حکومت اسلامی ..... ۲۹
- طرح خاورمیانه بزرگ ..... ۱۴۶
- طرح ملت‌سازی در دوره قاجاریه ..... ۱۱۵
- عدم تبعیت ایران از بلوک شرق و غرب بعد از انقلاب اسلامی ..... ۱۴۰-۱۴۱
- عدم تفاوت حقوق اجتماعی و سیاسی اقلیت‌های مذهبی با آحاد جامعه ..... ۹۶-۹۷
- عدم رابطه ایران با رژیم صهیونیستی ..... ۱۸۱
- عدم کارآیی اقدامات دشمنان بر علیه جمهوری اسلامی ..... ۱۶
- علت تنش بین گروه‌های قومی با حکومت ..... ۱۱۶
- علت عقب ماندگی ملت‌ها ..... ۶۶
- علت ورود امام خمینی؛ در سیاست ..... ۳۶-۳۷
- علم آموزی در اسلام ..... ۱۱۱
- عناصر رهبری انقلاب اسلامی توسط امام خمینی؛ ..... ۲۰-۲۱
- عناصر وقوع و تداوم انقلاب اسلامی ایران ..... ۲۲
- فتوای مقام معظم رهبری در حرمت اهانت به همسران پیامبر ۹ و مقدسات  
اهل سنت ..... ۱۷۸-۱۸۰
- فراگیری مذهبی در حمایت ایران از مردم فلسطین ..... ۱۵۱
- فضای دو قطبی نظام بین‌الملل در زمان وقوع انقلاب اسلامی ..... ۱۵
- فضائل اخلاقی در سیاست ..... ۴۷
- فعالیت احزاب در قانون اساسی ایران ..... ۱۱۹-۱۲۰
- فعالیت اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی ..... ۹۴
- فعالیت گروه‌های پان‌ترکیسم و پان‌عربیسم در ایران ..... ۱۱۹
- فعالیت‌های تبلیغی شیخ عباسعلی اسلامی در دوران انقلاب ..... ۷۹-۸۰
- فعالیت‌های تبلیغی محمد تقی فلسفی در دوران انقلاب ..... ۸۰
- فعالیت‌های وعاظ در مبارزه با حکومت پهلوی ..... ۸۱-۸۲
- فقهای قائل به ولایت فقیه ..... ۳۱
- فلسفه حاکمیت در نهج البلاغه ..... ۶۴-۶۵
- قانون احزاب سیاسی ایران ..... ۱۲۰
- قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در ایران ..... ۱۱۳-۱۱۴
- قدرت در قانون اساسی ایران ..... ۶۳
- کرسی‌های تضمین شده اقلیت‌های دینی در مجلس ..... ۱۰۳
- کلیساهای ارامنه ایران ..... ۱۰۴-۱۰۵
- کمک فکری و مستشاری نظامی ایران به سوریه ..... ۱۵۲-۱۵۳
- لزوم ارائه مبانی فکری در وقوع انقلاب ..... ۲۰
- لزوم دفاع از نظام اسلامی و استقلال امت اسلام ..... ۲۶
- لزوم عقلی اطاعت از حکم حکومتی ..... ۷۲
- لزوم مبنای فکری برای نقد وضع مطلوب برای ایجاد انقلاب ..... ۲۱
- ماهیت حکم حکومتی ..... ۷۱
- مباحث فقهی مربوط با ولایت فقیه ..... ۳۰-۳۱
- مبنای سیاست خارجی انقلاب اسلامی ..... ۷۰
- مبنای شکل‌گیری انقلاب اسلامی ..... ۱۸۳

- ۱۴۲..... مبنای فکری انقلاب اسلامی
- ۱۴۱..... مبنای قرآنی نظر امام خمینی ; در سیاست خارجی ایران
- ۱۱۲-۱۱۳..... مخالفت اسلام با تشابه حقوق زنان و مردان
- ۱۰۷..... مراجع رسمی کلیمیان ایران
- ۱۰۵-۱۰۶..... مراکز آموزشی و فرهنگی ارامنه ایران
- ۱۶۵..... مشارکت ایران و عربستان در تامین منافع آمریکا پیش از انقلاب
- ۱۵۹-۱۶۰..... مشارکت شیعه و سنی در حشدالشعبی
- ۱۹-۲۰، ۶۸..... مفهوم انقلاب
- ۲۰..... مفهوم انقلاب اسلامی
- ۷۱..... مفهوم حکم حکومتی
- ۸۳-۸۴..... مفهوم حکومت مطلقه فقیه
- ۱۴۲-۱۴۳..... مفهوم صدور انقلاب اسلامی
- ۴۰..... مفهوم قیام برای نفس
- ۷۲..... ملاک صدور حکم حکومتی
- ۱۶۴..... ممنوعیت ریختن سم در سرزمین مشرکان در روایات
- ۱۶۲..... ممنوعیت نابودی نسل‌ها در قرآن
- ۱۴۸..... مناسبات منطقه‌ای رژیم پهلوی با رژیم صهیونیستی
- ۲۰..... مولفه‌های انقلاب اسلامی ایران
- ۱۴۲..... مهمترین اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی
- ۹۲..... میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
- ۱۱۱..... نخستین قانون مالکیت برای زنان در غرب
- ۵۱-۵۴..... نسبت جمهوریت و اسلامیت در نظام جمهوری اسلامی
- ۹۳..... نشریه‌های ارامنه ایران
- ۹۳-۹۴..... نشریه‌های اقلیت‌های دینی ایران
- ۲۲-۲۴..... نظریه ولایت فقیه امام خمینی ;
- ۵۲-۵۳..... نقش اسلام در پذیرش الگوی جمهوری برای نظام جمهوری اسلامی
- ۳۳..... نقش امام خمینی ; در عملی‌کردن نظریه ولایت مطلقه فقیه
- ۳۴-۳۵..... نقش اندیشه حکمت متعالیه در انقلاب اسلامی
- ۶۸-۶۹..... نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش‌ها
- ۱۵۶..... نقش ایران در موفقیت‌های ارتش و مردم سوریه
- ۳۳..... نقش تغییر وضعیت جامعه در توجه به مسئله ولایت فقیه
- ۱۵۳..... نقش حضور نظامی ایران در ایجاد ثبات در سوریه
- ۳۸..... نقش حکمت متعالیه در مردم‌سالاری دینی
- ۱۶۶..... نقش حمایت عربستان در تشکیل گروه‌های افراط‌گرا
- ۷۵..... نقش روحانیون در انقلاب اسلامی
- ۲۰-۲۱..... نقش رهبری در انقلاب اسلامی ایران
- ۱۲۰-۱۲۱..... نقش شورای نگهبان در انتخابات
- ۷۹..... نقش فضلا و طلاب در انقلاب اسلامی
- ۳۴..... نقش فقاها در استقرار نظام جمهوری اسلامی
- ۱۵۸..... نقش مرجعیت شیعه در بسیج مردمی عراق

- نقش مردم در رویکرد بسیطی امام خمینی ; به جمهوری اسلامی..... ۵۳-۵۴
- نقش مردم در وقوع و تضمین انقلاب اسلامی..... ۲۱-۲۲
- نقش مکتب اسلام در مبانی فکری انقلاب اسلامی..... ۲۱
- نقش ولی امر در اجرای قوانین..... ۲۴
- نقشه کلان ابرقدرت‌ها برای تجزیه کشورها..... ۱۵۴
- نمایندگان ارامنه در مجلس شورای اسلامی..... ۱۰۵
- نمونه‌های تاریخی از حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی..... ۱۱۰-۱۱۱
- نمونه‌های مذاکره و مصالحه ائمه اطهار : با مستکبران در صدر اسلام..... ۱۷۵
- نهادهای موثر در وضعیت اقتصادی مردم ایران..... ۱۳۲
- واژه‌های مربوط به حقوق شهروندی در قانون اساسی..... ۵۷-۵۸
- وضعیت اجتماعی ارامنه ایران..... ۱۰۴
- وضعیت اجتماعی آشوریان ایران..... ۱۰۶
- وضعیت اجتماعی کلیمیان ایران..... ۱۰۶-۱۰۷
- وضعیت استخدامی اهل سنت..... ۹۹-۱۰۰
- وضعیت امکانات فرهنگی کلیمیان ایران..... ۱۰۷-۱۰۸
- وضعیت زنان در دوران جاهلی..... ۱۰۸
- وضعیت مدارس علمیه اهل سنت قبل از انقلاب..... ۹۸-۹۹
- وظیفه انسانی حمایت از مردم فلسطین..... ۱۵۰
- وظیفه دولت و ملت در برابر اقلیت‌های دینی در قانون اساسی..... ۱۰۳
- ویژگی‌های انقلاب..... ۷۵
- هدف دشمن برای نابودی جبهه مقاومت در خاورمیانه..... ۱۵۴-۱۵۵
- هدف رسالت پیامبر اسلام ۹..... ۳۹
- هسته اصلی حقوق سیاسی در قانون اساسی..... ۶۱
- همراهی دشمن با اعتراضات قومی..... ۱۱۸
- هوشیاری امام خمینی ; در برابر اقدامات ظاهری شاه..... ۷۸
- یکسانی اختیارات نمایندگان اقلیت‌های دینی با دیگر نمایندگان..... ۱۰۳

مطهری، مرتضی: ۳۷-۳۸	شریف امامی، جعفر: ۷۷
مظاهری، حسین: ۱۷۹	طوسی، محمد بن حسن: ۳۱
منصور هادی: ۱۶۸-۱۶۹	علوی گرگانی، سیدمحمدعلی: ۱۷۹
موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم:	فلسفی، محمدتقی: ۸۰
۱۷۹	قاضی بن براج: ۳۱
مهراد، جعفر: ۱۳۱	کاشف العظا، شیخ جعفر: ۳۱
نجف آبادی، همایون: ۱۰۶-۱۰۷	گورباچف، میخائیل: ۳۵-۳۶
نجفی، محمدحسن: ۳۱	محقق اردبیلی، احمد بن محمد: ۳۱
نراقی، ملا احمد: ۳۱-۳۳	محقق کابلی، قربانعلی: ۱۷۹
نوری همدانی، حسین: ۱۷۹	محقق کرکی، علی بن حسین: ۳۱
وحید خراسانی، حسین: ۱۷۹	محمد رضا پهلوی، شاه ایران: ۷۷
هاشمی شاهرودی، سیدمحمود: ۱۸۰	محمدبن سلمان: ۱۷۰-۱۷۴
هاشمی نژاد، سیدعبدالکریم: ۸۱	مدنی تبریزی، سیدیوسف: ۱۸۰
هیكل، حسنین: ۳۵	مروارید، علی اصغر: ۸۱

## اعلام و مشاهیر

بختیار، شاپور: ۷۹	ابن حمزه، یحیی: ۳۱
پیشه‌وری، جعفر: ۱۱۶	احمدی نژاد، محمود: ۱۲۸
جوادی آملی، عبدالله: ۳۶-۳۷، ۱۷۹	ازهارى، غلامرضا: ۷۷
حضرت محمد ۹: ۲۳، ۲۴، ۲۹	اسلامی، عباسعلی: ۷۹-۸۱
۱۸۲، ۱۸۴	الگار، حامد: ۸۳
خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری	امام جعفر صادق 7: ۱۶۴
اسلامی ایران: ۱۲۲-۱۲۴، ۱۴۴،	امام حسن مجتبی 7: ۴۱
۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۷۷-۱۷۸،	امام خمینی ؛: ۱۵، ۲۰-۲۵، ۲۸-
۱۷۸-۱۸۰، ۱۸۲	۲۹، ۳۳-۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۲-۵۴،
خمینی، سیداحمد: ۶۷	۶۲-۶۳، ۶۷-۶۸، ۷۸، ۸۰،
دورانت، ویل: ۱۱۱	۸۲-۸۳، ۸۵، ۱۲۱-۱۲۲، ۱۴۱،
سعیدی، سیدمحمدرضا: ۸۱	۱۴۳-۱۴۴، ۱۸۴
سلار، حمزه بن عبد الغزیز: ۳۱	امام علی 7: ۶۴-۶۵
سیستانی، سیدعلی: ۱۵۸، ۱۷۹، ۱۸۱	انصاری، مرتضی: ۳۱
شبییری زنجانی، سیدموسی: ۱۷۹	باهر، محمد جواد: ۸۲

مسجد امیر المومنین 7: ۷۹	عراق: ۷۷، ۸۱، ۱۵۲-۱۵۳، ۱۵۵،
مسجد بازار: ۷۹	۱۵۹-۱۶۰، ۱۶۶
مسجد پامنار: ۸۰	عربستان: ۱۵۱، ۱۵۶
مسجد جمکران: ۸۲	فلسطین: ۱۴۶-۱۵۱
مسجد خاتم الانبیاء 9: ۸۰	قطر: ۸۱
مسجد سید عزیز الله: ۷۹	کربلا: ۱۶۶
مسجد صدریه: ۷۹	کردستان: ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۶
مسجد فخر الدوله: ۷۹	کلیسای آچمیادزین: ۱۰۴
مسجد قائمیه: ۸۰	کلیسای آنتلیاس: ۱۰۴
مسجد مروی: ۸۱	کویت: ۸۱
مسجد هدایت تهران: ۷۹، ۸۲	گلستان: ۹۹
مکه: ۸۱، ۱۶۶	لبنان: ۱۰۴، ۱۵۵
نجف: ۱۶۶	مدرسه فیضیه قم: ۸۰
هلند: ۱۲۸	مدینه: ۱۶۶
هندوستان: ۹۸، ۱۰۷	مسجد الجواد تهران: ۸۲
	مسجد الهادی: ۸۰

## مکان‌ها

آبادان: ۸۱	ایران: ۱۰۴
آذربایجان: ۱۱۶	بحرین: ۸۱
آذربایجان غربی: ۹۹	بریتانیا: ۱۱۱
آمریکا: ۱۰۷، ۱۴۵-۱۴۶، ۱۵۱	بندر انزلی: ۸۰
۱۵۶، ۱۶۵-۱۶۶، ۱۷۱، ۱۷۲	بیروت: ۱۰۷
۱۷۷، ۱۸۱	پاکستان: ۸۱، ۹۸
ارمنستان: ۱۰۴	تبریز: ۱۰۴
استان بوشهر: ۹۹	تهران: ۸۱-۸۲، ۱۰۴، ۱۵۳
استان فارس: ۹۹	خراسان: ۹۹
استان کرمان: ۹۹	خلیج فارس: ۱۶۸
استان کرمانشاه: ۹۹	خوزستان: ۹۹، ۱۱۹
استان گیلان: ۹۹	روسیه: ۱۵۳، ۱۸۱-۱۸۲
اصفهان: ۱۰۴	سوریه: ۱۵۲-۱۵۶، ۱۶۶، ۱۸۱
افغانستان: ۹۸، ۱۶۶	سیستان و بلوچستان: ۱۰۰
اهواز: ۱۵۳	شوروی: ۳۶

## تالگان

## کتابها

- |                               |                                 |                             |                                 |
|-------------------------------|---------------------------------|-----------------------------|---------------------------------|
| افق بینا: ۱۰۸                 | سازمان فرهنگ و ارتباطات: ۹۳     | اسفار اربعه (ملا صدرا): ۳۶  | تحریر الوسيله (امام خمینی): ۱۴۱ |
| انتشارات کانون یوحنا: ۹۳      | سازمان ملل: ۹۱                  | اصول کافی (شیخ کلینی): ۳۵   | جواهر (محمدحسن نجفی): ۳۵        |
| انجمن کلیسای تهران: ۱۰۶-۱۰۷   | فصلنامه پیمان: ۹۳               | بنیان مرصوص (آیت الله جوادی | نهج البلاغه: ۶۴                 |
| انجمن کلیمیان تهران: ۱۰۷      | قوه قضائیه: ۱۰۰                 | آملی): ۳۶                   | ولایت فقیه (امام خمینی): ۲۲، ۳۰ |
| پژوهشکده رویان اصفهان: ۱۲۹    | کمیسیون حقوق بشر: ۹۱            |                             |                                 |
| تاموز: ۱۰۸                    | ماهنامه آباگا آینده: ۹۳         |                             |                                 |
| جمعیت پیروان قرآن: ۷۹         | ماهنامه آرات: ۹۳                |                             |                                 |
| جنبش انصار الله یمن: ۱۶۸      | ماهنامه آراس: ۹۳                |                             |                                 |
| دانشگاه شیراز: ۱۳۱            | ماهنامه لوپس نورو: ۹۳           |                             |                                 |
| دوهفته نامه هویس: ۹۳          | مجلس خیرگان رهبری: ۱۰۰          |                             |                                 |
| روزنامه النهار: ۱۰۶-۱۰۷       | مجلس شورای اسلامی: ۹۴، ۱۰۰      |                             |                                 |
| روزنامه ایران: ۱۰۷            | مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیکی: |                             |                                 |
| روزنامه آلیک: ۹۳              | ۱۳۰                             |                             |                                 |
| سازمان بین المللی آیسسکو: ۱۲۷ | وزارت ارشاد: ۹۳                 |                             |                                 |
| سازمان تبلیغات اسلامی: ۹۹     | وزارت آموزش و پرورش: ۱۰۰        |                             |                                 |

*Questions on Quiddity and Function  
of the Islamic Republic*

By  
Mukhtār Shaykh Hussāinī  
and a Group of Researchers

**Research Centre for Political Thought and Sciences  
Academy of Islamic Sciences and Culture**

[www.pub.isca.ac.ir](http://www.pub.isca.ac.ir) E-mail: [nashr@isca.ac.ir](mailto:nashr@isca.ac.ir)

Iran, Qum

P.O.Box 37185/3688 Tel +98 25 37832833 Fax +98 25 37832833